

**دانشگاه آزاد اسلامی**

**واحد کرج**

**رشته تحصیلی: علوم تربیتی**

**گرایش : آموزش و پرورش ابتدایی**

**عنوان :**

**تاثیر آموزش مهارتهای زندگی بر مسئولیت پذیری اجتماعی و نگرش به کارآفرینی دانش آموزان پسر متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرج**

**استاد راهنما :**

**سرکار خانم دکتر مهتاب سلیمی**

**نگارش:**

**محبوبه افشار**

**پاییز 1402**



**فهرست مطالب**

**عنوان صفحه**

چکیده 1

**فصل اول: كليات تحقيق 2**

1-1مقدمه 3

1-2 بیان مسئله 3

1-3 اهمیت و ضرورت تحقیق 6

1-4 اهداف تحقیق 8

1-4-1هدف کلی تحقيق 8

1-4-2 اهداف جزئی تحقيق 8

1-5 فرضیه‌های پژوهش 8

1-5-1 فرضیه‌های کلی 7

1-5-2 فرضیات جزئی 7

1-6 تعاریف مفهومی متغییرها 9

1-7 تعاریف عملیاتی متغییر ها 9

1-8 قلمرو تحقيق 10

**فصل دوم: مبانی نظري تحقیق**

مقدمه 12

2-1-مسئولیت پذیری اجتماعی

2-1-1- مسئولیت­پذیری 13

2-2-2 ابعاد مسئولیت­پذیری 14

2-2-1- مفهوم مسئولیت­پذیری اجتماعی 14

2-2-3 نظریه­های مسئولیت­پذیری اجتماعی 16

2-2-4 ابعاد مسئولیت­پذيری اجتماعی 18

2-2- نگرش به کار آفرینی

1-2-2-مفهوم کارآفرینی..........................................................................................................................19

2-2-2-تعاریف کار آفرینی......................................................................................................................21

3-2-2-فرایند کار آفرینی.........................................................................................................................23

4-2-2- الگوهای کار آفرینی....................................................................................................................24

5-2-2- انواع کارآفرینی...........................................................................................................................26

6-2-2-نگرش به کارآفرینی ..29

7-2-2-جایگاه و اهمیت نگرش های کارآفرینانه .34

8-2-2-الکوهای نگرش کارآفرینانه .36

9-2-2-گرایش کارآفرینانه.......................................................................................................................37

10-2-2-انگیزه های کارآفرینانه...............................................................................................................38

3-2-مهارت­های زندگی

1-3-2- مفهوم مهارت­های زندگی 39

2-3-2- تاریخچه مهارت­های زندگی 42

3-3-2-نظریات مرتبط با مهارت های زندگی.......................................................................................43

2-4 پیشینه تحقیق 46

2-4-1 پژوهش های انجام شده در داخل کشور 46

2-5-2 پژوهش های انجام شده در خارج از کشور 49

2-5-3 مدل مفهومی 51

**فصل سوم: روش‌شناسی تحقیق**

1-3- مقدمه 54

2-3- روش تحقیق 55

3-3 جامعه آماری 55

3-4- حجم نمونه آماری و روش اندازه‌گیری 56

3-5- ابزار جمع‌آوری اطلاعات 57

3-6 روش تجزیه‌وتحلیل داده‌ها 67

# **فصل** چهارم: تجزیه‌وتحلیل یافته‌ها

مقدمه 69

1-4-تجزیه و تحلیل توصیفی تحقیق 70

2-4-یافته های استنباطی 72

# فصل پنجم:نتیجه‌گیری و پیشنهادها

# مقدمه 81

# 5-1خلاصه پژوهش................................................................................................................................81

# 5-2-نتایج توصیفی..................................................................................................................................81

# 5-3 بحث.................................................................................................................................................82

# 5-4 نتیجه گیری .....................................................................................................................................86

# 5-5 محدودیت‌های تحقیق 87

# 5-6 پيشنهادات 88

منابع 90

**فهرست جداول‌**

**عنوان صفحه**

[جدول3- 1:جدول طرح پژوهشی پیش آزمون پس آزمون گروه آزمایشی و کنترل 63](#_Toc147271914)

[جدول3- 2:جدول پروتکل آموزشی ده گانه مهارت های زندگی 64](#_Toc147271915)

[جدول3- 3توزيع سوالات پرسشنامه 71](#_Toc147271916)

[جدول3- 4:جدول بررسی ضریب CVR روایی پرسشنامه 72](#_Toc147271917)

[جدول3- 5:جدول بررسی ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه مسئولیت پذیری 73](#_Toc147271918)

[جدول3- 6:جدول بررسی روایی پرسشنامه نگرش به کارآفرینی 74](#_Toc147271919)

[جدول3- 7:جدول بررسی ضریب آلفای کرونباخ برای متغییر نگرش به کارآفرینی 74](#_Toc147271920)

[جدول 4- 1:جدول توصیف نمرات پیش آزمون و پس آزمون در مسئولیت پذیری 77](#_Toc147271830)

[جدول 4- 2:جدول توصیف نمرات در متغییر نگرش به کارآفرینی 78](#_Toc147271831)

[جدول 4- 3:جدول بررسی نمرات توصیفی متغییر نگرش به کار آفرینی 78](#_Toc147271832)

[جدول 4- 4:آزمون شاپیرو ویلک برای نشان دادن نرمال بودن نمرات پیش آزمون و پس آزمون در گروه آزمایشی و کنترل 79](#_Toc147271833)

[جدول 4- 5:آزمون لوین به منظور بررسی فرض همگنی واریانس ها 80](#_Toc147271834)

[جدول 4- 6:جدول بررسی آزمون Tتفاوت میانگین ها برای فرضیه اصلی پژوهش. 80](#_Toc147271835)

[جدول 4- 7:موازی بودن خطوط رگرسیون 82](#_Toc147271836)

[جدول 4- 8:جدول تحلیل کواریانس آموزش مهارت های زندگی بر مسئولیت پذیری اجتماعی دانش آموزان 82](#_Toc147271837)

[جدول 4- 9:جدول بررسی کواریانس در بعد مسئولیت پذیری اجتماعی خود دانش آموزان 83](#_Toc147271838)

[جدول 4- 10:جدول بررسی کواریانس بعد مسئولیت پذیری اجتماعی دیگران دانش آموزان 84](#_Toc147271839)

[جدول 4- 11:جدول تحلیل کواریانس تاثیر آموزش مهارت های زندگی بر نگرش به کار آفرینی دانش آموزان 85](#_Toc147271840)

**چکیده**

هدف از پژوهش حاضر بررسی تاثیر آموزش مهارت­های زندگی بر مسئولیت پذیری اجتماعی و نگرش به کارآفرینی دانش آموزان پسر متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرجبود که از نظر هدف کاربردی و از نظر روش نیمه آزمایشی با گروه آزمایشی وکنترل بود. جامعه آماری پژوهش تعداد 3531نفر از دانش آموزان پسر متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرج بوده اند. نمونه آماری شامل 30نفر از دانش آموزان پسر که به روش تصادفی ساده به دو گروه 15 نفره آزمایشی و کنترل تقسیم شده است.ابزار پژوهش شامل پکیج آموزشی مهارت های زندگی که توسط سید آبادی بر اساس راهنمای آموزش مهارت های زندگی کلینکه(1994)تنظیم شده است و دو پرسشنامه استاندارد مسئولیت پذیری اجتماعی لوئیس(2001)و پرسشنامه نگرش به کارآفرینی کریمی(1394) می باشد که روایی و پایایی آن مورد بازآزمایی قرار گرفته و ضریب CVR آن مطلوب گزارش شده و ضریب آلفای کرونباخ برای دو پرسشنامه به ترتیب 88/0 و 88/0 گزارش شده است پس از آموزش مهارت های زندگی به گروه آزمایشی و جمع آوری داده ها با استفاده از نرم افزار spss24 ، پس از بررسی پیش فرض ها، با استفاده از آزمون تحلیل کواریانس، نتایج نشان داد آموزش مهارت های زندگی به میزان 83 درصد بر مسئولیت پذیری اجتماعی و نگرش به کارآفرینی به دانش آموزان تاثیر مثبت داشته است. میزان ضریب ایتا در تاثیر آموزش مهارت های زندگی در مسئولیت پذیری از بعد خود\_34 درصد، مسئولیت پذیری از بعد دیگران 70درصد و نگرش به کارآفرینی 55 درصد می باشد. لذا پیشنهاد می شود با توجه به تاثیر آموزش های مهارت های زندگی بر مسئولیت پذیری اجتماعی و نگرش به کارآفرینی دانش آموزان توصیه می شود با قرار دادن این موضوعات در سرفصل های دروس و آموزش این مهارت ها بصورت عملی در کارگاههای آموزشی، این مهارت ها از حالت تئوری به عملی تبدیل شود.

**واژگان کلیدی :** آموزش مهارتهای زندگی، مسئولیت پذیری اجتماعی،مهارت های زندگی، نگرش به کارآفرینی

**فصل اول**

**كليات تحقيق**

**1-1مقدمه**

انسان­ها برای مقابله سازگارانه با موقعیت­های تنش­زا و کشمکش­های زندگی نیاز به آموختن برخی مهارت­ها دارند. متخصصان علوم رفتاری معتقدند یکی از مؤثرترین برنامه­هایی که به افراد کمک می­کند تا زندگی بهتر و سالم­تری داشته باشند، برنامه آموزش مهارت­های زندگی[[1]](#footnote-1) است(امانی،1385). آموزش مهارت­های زندگی فرد را قادر می­سازد تا دانش، ارزش و نگرش­ها را به توانایی­های بالفعل تبدیل کند. مهارت­های  
زندگی توانایی است که به افراد این امکان را می­دهد تا انگیزه و رفتار سالم داشته باشند و فرصت و میدان چنین رفتارهایی را نیز ایجاد کنند(روح الهی و پایبندان،1390).

این باور وجود دارد که باورها و نگرش­ها آموخته می­شوند و حتی اگر این باورها براساس تعلیمات خانوادگی و محیط اجتماعی ایجاد شده باشند، باز هم می­توان با آموزش و یادگیری در آن­ها تغییراتی ایجاد کرد(محسنی و همکاران، 1392). آموزش کارآفرینی تأثیر بسزایی بر ابعاد گوناگون نگرش، دانش، رفتار و مهارت دارد(کوزالینسکا[[2]](#footnote-2)، 2012). درحقیقت، آموزش کارآفرینی سبب افزایش نگرش کارآفرینانه می­شود(کمیسیون اروپا[[3]](#footnote-3)، 2016؛ فایفر و همکاران[[4]](#footnote-4)،2008) و بهبود نگرش­های افراد به سمت کارآفرینی موجب انتخاب کارآفرینی به­عنوان یک مسیر شغلی می­شود (چیگونتا[[5]](#footnote-5)، 2002).

بنابراین هدف از پژوهش حاضر بررسی تاثیر آموزش مهارت­های زندگی بر مسئولیت پذیری اجتماعی و نگرش به کارآفرینی دانش آموزان پسر متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرجبوده و در این فصل به کلیات تحقیق پرداخته شده است و مفاهیم کلی تحقیق اعم از بیان مسئله، اهمیت و ضرورت تحقیق، اهداف و فرضیه‌های تحقیق، قلمرو تحقیق و تعاریف واژه‌های کلیدی تحقیق ارائه گردیده است.

**1-2 بیان مسئله**

در دنیای امروز با توجه به تغییرات سریع در عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ افزایش چالش­های اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی؛ افزایش عوام گرایی؛ و کاهش میزان اعتماد و اعتبار افراد و سازمان­ها موضوع مسئولیت­پذیری اجتماعی[[6]](#footnote-6) مورد توجه قرار گرفته است.([دهمرده ­قلعه­نو](https://www.noormags.ir/view/fa/creator/617690/%D9%85%D8%AD%D8%B3%D9%86_%D8%AF%D9%87%D9%85%D8%B1%D8%AF%D9%87_%D9%82%D9%84%D8%B9%D9%87_%D9%86%D9%88) و همکاران، 1399). هر کدام از ما به عنوان یک فرد و یا عضوی از یک گروه و یا سازمان می توانیم با انجام اقدامات کوچک در ترقی وضعیت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و محیط زیستی جامعه مان نقش فعال داشته باشیم. این اقدامات کوچک می­تواند از طریق اقدامات فردی به صورت جمع­آوری درب بطری جهت تهیه ویلچر برای افراد نیازمند تا ساخت بیمارستان توسط شرکتی خصوصی را شامل شود(سلطانی، 1399). یکی از مهمترین فعالیت ها در این میان مهارت های زندگی می باشد مهارت هاي زندگی، مجموعه اي از توانایی ها هستند که زمینه سازگاري و رفتار مفید را براي فرد فراهم می کنند. این توانایی ها فرد را قادر می سازد تا مسئولیت و نقش های اجتماعی اش را بپذیرد و بدون لطمه زدن به خود و دیگران، با خواست ها، انتظارات و مشکلات رو به رو شود. وقتی برای شغلی درخواست می‌دهید، مصاحبه‌کنندگان اغلب می‌خواهند به مجموعه مهارت‌های شما که فراتر از [رزومه‌‌](https://karboom.io/cv-builder" \t "_blank) شماست دست یابند. این برای شما فرصتی برای نشان دادن آن دسته از مهارت های زندگی است که در آنها بهتر هستید و در عین حال به‌عنوان مهارت‌های استخدامی مانند تفکر انتقادی و خودآگاهی نیز عمل می‌کنند. حتی یک مزیت رقابتی را هم نسبت به سایر متقاضیان پیش روی شما قرار می‌دهد. اکثر مردم از فرصت‌هایی که یک [شغل](https://karboom.io/mag/articles/شغل-چیست) ایجاد می‌کند، انگیزه می‌گیرند (بالا رفتن از نردبان ترقی در شرکت). یک روش مؤثر برای یافتن فرصت‌های بیشتر، توسعه و تمرین [مهارت‌ های رهبری](https://karboom.io/mag/articles/مهارت-های-رهبری) است. چه رهبری یک پروژه‌ی مستقل باشد و چه رهبری یک تیم یا مجموعه آموزشی . شما به این مهارت‌های ضروری برای راهنمایی و کمک به پیشرفتتان در حرفه‌ی خود نیاز دارید(حسن­زاده،1401)

لذا کار آفرین فردی است که با منابع و برنامه‌­ریزی محدود شغلی را شروع و اداره می­ کند و مسئولیت کلیه خطرات و مزایای فعالیت تجاری خود را بر عهده دارد. ایده تجاری، معمولا محصول یا خدمات جدیدی را در بر می­ گیرد تا مدل تجاری موجود. بنابراین، کارافرین فردی است که با ایجاد بیشترین خطرات و کسب بیشترین پاداش، مشاغل جدیدی را ایجاد می­ کند. کار آفرینی معمولا به عنوان یک مبتکر، منبع ایده­ های جدید، کالاها، خدمات و تجارت یا رویه ­ها محسوب می­ شود. (محمدزاده [و](https://jest.srbiau.ac.ir/?_action=article&au=92420&_au=%D8%B4%DB%8C%D9%85%D8%A7++%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF%D8%B2%D8%A7%D8%AF%D9%87) سلیمان­پورعمران،1399)

مهارتهای زندگی و مسئولیت پذیری اجتماعی و کارآفرینی جزو مسایلی است که اگر دانش آموز به آنها توجه کند آینده ای روشن را در زمینه دلخواه ساخته است، این تحقیق در حال انجام هست ضمن بررسی تاثیر متغیرها، به دانش آموزان مقطع متوسطه، مهارت های زندگی و مسولیت پذیری اجتماعی و همچنین اقداماتی که منجر به کارآفرینی خواهد آموزش داده می شود تا نگاه بهتری نسبت به آینده داشته باشند.امروزه در جامعه با افراد زیادی روبه رو هستیم که علی رغم داشتن تحصیلات بالا، قادر به انجام مسئولیتهای اجتماعی خود نیستند و نمی توانند برای پیشبرد اهداف اجتماعی مثمر ثمر باشند با بررسی همه جانبه می توان فهمید که این افراد از مهارت های لازم برای درک موقعیت های مختلف برخوردار نیستند و در اصل در نظام آموزشی، آموزش های لازم رابرای بهزیستی را دریافت نکرده اند دلایل مختلفی برای این موضوع از طرف متخصصان مطرح شده است : 1-والدین غیر مسئول، 2-عدم آموزش مسئولیت پذیری به دلیل باورهای اشتباه والدین(حسن زاده (1401)، 3-حفاظت کودکان دربرابر شکست،4-ترس والدین و دانش آموزان از دنیای بیرونی نداشتن اهداف مشخص(طهرانی مقدم و همکاران،1399)، 5-مقایسه خود با دیگران، 6-محافظت از هویت آسیب پذیر خود(احتشام زاده و همکاران(1393).این دلایل و مجموعه عوامل متعدد دیگر این مسئله را به ذهن متباترمی نماید که خانواده ها و کادر آموزشی از کفایت لازم برای آموزش مهارت های زندگی به دانش آموزان برخوردار نیستند و خود نیز در موارد متعدد بر این موضوع اذعان دارند(فتحی آذر،1396) و این موضوع تبدیل به بحرانی برای نظام آموزشی و در آینده دامنه آن به جامعه خواهد رسید یکی از مهمترین دستاوردهای ارتقاء مسئولیت پذیری اجتماعی در دو بخش خود و دیگران یعنی نسبت به عمال خود فرد و همچنین نسبت به اعمال و رفتار و نگرش سایر افراد جامعه دارد این است که افراد مسئولیت پذیر منتظر برآورده کردن نیازها توسط افراد دیگر نمی مانند و خود مسئولیت خودساز یی خود را بر عهده دارند به معنی واقعی خودشان سازنده آینده خود می باشند و برای شغل فعالیت ها و آینده خود برنامه دارند افراد مسئولیت پذیر چون مهارت های زندگی به معنی توانایی تصمیم‌گیری، توانایی حل مسئله، توانایی تفکر خلاق، توانایی تفکر نقادانه، توانایی برقراری رابطه مؤثر با دیگران، توانایی برقراری روابط بین فردی سازگارانه، توانایی خودآگاهی، توانایی همدلی با دیگران را دارا هستند می توانند نگرش فعالانه نسبت به کار و فعالیت خود داشته باشند و معضل بزرگ جامعه امروز که بیکاری و موج عظیمی از جوانان تحصیلکرده جویای کار، می باشد به دست خود این افراد و البته در سایه آموزش های دریافتی از نظام آموزشی حل شود.نگرش غالب افراد پس از تحصیل این است که از جامعه توقع کار و شان و شخصیت اجتماعی دارند و این توقع تاجایی پیش می رود که از آنها موجودی منفعل ساخته که سالهای جوانی را از دست می دهند.عدم شناخت مشکلات چند گانه جامعه و عدم پیوستگی بین نظام آموزشی و نیازهای جامعه به عدم شناخت نیازهای دانش آموزان و عدم دریافت آموزش های لازم شده و در نهایت در نظام آموزش و پرورش تبدیل به ماشینی برای تولید افرادی بی مسئولیت که مهارت های زندگی را ندارند شده، نگرش مثبت نسبت به کار و کارآفرینی ندارند و در نهایت تبدیل به افرادی می شوند که بر روی جامعه بار اضافی تحمیل کرده و باعث صدمات جبران ناپذیر در ابتدا به خود و در نهایت در جامعه خواهند شد. از اینرو دغدغه محقق درتحقیق حاضر بررسی تاثیر آموزش مهارتهای زندگی بر مسئولیت پذیری اجتماعی و نگرش به کارآفرینی(مطالعه موردی: دانش آموزان پسر متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرج) می باشد. و سوال اصلی این پژوهش اینست که آیا آموزش مهارتهای زندگی بر مسئولیت پذیری اجتماعی و نگرش به کارآفرینی(مطالعه موردی: دانش آموزان پسر متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرج) تاثیر دارد؟

**1-3 اهمیت و ضرورت تحقیق**

مهارت‌های زندگی علاوه بر توسعه‌ی فردی، شما را برای دنیای حرفه‌ای آماده می‌کند. یاد می‌گیرید چگونه با اطمینان با مشکلات مقابله کنید و از محدوده‌ی امن خود خارج شوید، چارچوب‌های مناسبی برای کار و زندگی تعیین، و به افراد اطراف خود توجه کنید. علاوه بر این، شما همچنان به یادگیری و رشد در هر مرحله از زندگی‌تان ادامه می‌دهید و برای مهارت‌ها و آگاهی‌های جدید نیز جا باز می‌کنید.

اهمیت مهارت های زندگی برای دانش آموزان:

* یاد می‌گیرند به‌صورت مشترک با افراد دیگر کار کنند تا بتوانید اهداف تیمی (یا جمعی) ایجاد کنند؛
* نه‌تنها راه‌های خلاقانه‌ای برای حل مشکلات پیدا می‌کنند، بلکه برای عملی کردن آن‌ها نیز فعالانه تلاش می‌کنند؛
* یاد می‌گیرند ذهنی باز داشته باشند، که منجر به پرورش ایده‌های جدید و دیدگاه‌های متنوع می‌شود؛
* یاد می‌گیرند چگونه از خود و همچنین از تیم‌شان دفاع کنند.

توانایی جبران شکست‌ها و ناکامی‌‌ها را پیدا می‌کنند و آن‌ها را به‌عنوان فرصت‌هایی برای ادامه‌ی یادگیری می‌بینند.

در این تحقیق به اهمیت مسولیت پذیری اجتماعی نیز پرداخته می شود. مسئوليت، اشاره به حس وظيفه شناسي، پاسخگو بودن تعهد دارد. متخصصان علوم اجتماعي مسئوليت پذيري را به عنوان يك احساس يا عمل تعريف كرد­ه­اند كه در آن افراد در شرايط، موقعيت ها نقش هاي خود به صورت مختار و آگاه نسبت به مسائل امور مختل اجتماعي، فرهنگي، سياسي، اقتصادي و ... از خود ابراز مي كنند.با توجه به اهمیت مسئوليت پذيري به انواع مختلف آن میپردازیم:

1. مسئوليت پذيري در قبال خود: كه به ارزش قائل شد فرد نسبت به سلامت رو ح جسم خود رفته مي شود
2. مسئوليت پذيري در برابر ديگران: به مفهوم احترام قائل شدن تعهد نسبت به افراد اعضاي خانواده ساير مردم شهروندان
3. مسئوليت پذيري در مقابل طبيعت محيط زيست: يعني احساس تعهد مسئوليت نسبت به سالم نگه داشتن حفظ محيط طبيعت.
4. مسئوليت پذيري در برابر خدا: يعني مسئوليت اعمال ، رفتار كردار خود در برابر يزدان بي مثال.

در اینجا چند نمونه از مهارت های زندگی وجود دارد که اهمیت آن‌ها را در آینده برای محل کار این دانش آموزان مشخص می‌کند: یک ویژگی بسیار ارزشمند در محل کار، توانایی هدایت، مدیریت و حل تعارض است. در هر سازمانی با وجود کارکنان متنوع با دیدگاه‌های متنوع، زمان‌هایی پیش می‌آید که در نظرات و دیدگاه‌ها تفاوت وجود داشته باشد. مهارت های زندگی در سازمان‌ به شما کمک می‌کند موضوع را به‌‌صورت کلان بررسی کرده و دیدگاه‌های متعدد را در نظر بگیرید. در نتیجه [مدیریت تعارض](https://karboom.io/mag/articles/مدیریت-تعارض) برای شما آسان‌تر ‌شود.

همچنین وسیع بودن طیف مسئولیت پذیری اجتماعی این فرصت را برای علاقه مندان فراهم می آورد تا بتوانند دغدغه های خود را دنبال نمایند. آنچه لازم است وجود بستری مطلوب برای اعمال فعالیت های مسئولیت پذیری در همکاری با ذینفعان مختلف می باشد. ایجاد چنین بستری از طریق آموزش های مستقیم و غیر مستقیم مسئولیت پذیری اجتماعی و ترویج فعالیت های مسئولیت پذیری اجتماعی امکان پذیر می باشد. به همین جهت انجمن تسهیلگران ایران در همکاری با موسسه تسهیل­گران راهبر ایرانیان و دیگر موسسات فعال در این حوزه اقدام به ارایه خدمات مشاوره ای، آموزشی و اجرایی مسئولیت پذیریاجتماعی می نماید و همچنین نظر به اهميت متغیرهای موضوع، آموزش مهارتهای زندگی و کارآفرینی و مشاغل آینده دانش آموزان نیز از موارد بسیار مهم به شمار می رود آموزشهای کارآفرینی موجب تغییر نگرش کارآفرینانه افراد شده و این خود نقطه اتکایی است تا از طریق این آموزشها بتوان نگرش کارآفرینانه افراد را تقویت کرد و به سمت رفتار کارآفرینانه سوق داد.

¨همینطور در باب فرآیندها و برنامه های آموزشی خاص می تواند با تغییر بینش و نگرش افراد و تجهیز آنها به دانش و مهارتهای خاص، یک کارآفرین بالقوه را به کارآفرین بالفعل تبدیل کند. که این خود نقطه عطف در آینده هر فرد می باشد اینکه منتظر باشد تا از طرف اجتماع فرصت کار کردن برای او فراهم شود. به طوری که آقامحمدی (1399) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی؛ سیاست و خط‌مشی آموزشی؛ فضا و تجهیزات آموزشی؛ شیوه و سبک آموزشی معلمان؛ سبک رهبری مدیران؛ ویژگی‌های معلمان؛ دوستان و هم‌سالان؛ محتوا و برنامه درسی از جمله مواردی است که در نگرش کارآفرینی باید مورد توجه قرار گیرد و سیمیاری(1399) نیز نگرش به کار آفرینی را عامل اساسی بروز تفاوت بین کارآفرینان و غیرکارآفرینان می داند و معتقد است نگرش‌ها اکتسابی هستند و آموزش کارآفرینی از سنین آغازین تحصیل موجب ایجاد نگرش مثبت و علایق کارآفرینانه در دانش‌آموزان می‌شود، زیرا آنها یاد می‌گیرند که افرادی با اعتماد به نفس بالا و فرصت‌شناس باشند. در نتیجه تمایل بیشتری به راه‌اندازی کسب و کارهای مستقل خواهند داشت.لذا پژوهشگر در این کار در نظر دارد با بررسی تاثیر آموزش مهارت­های زندگی بر مسئولیت پذیری اجتماعی و نگرش به کارآفرینی دانش آموزان این مفاهیم را تبیین نماید

**1-4 اهداف تحقیق**

**1-4-1هدف کلی تحقيق**

تاثیر آموزش مهارتهای زندگی بر مسئولیت پذیری اجتماعی و نگرش به کارآفرینی دانش آموزان پسر متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرج

* + 1. **اهداف جزئی تحقيق**

1. تاثیر آموزش مهارتهای زندگی بر ابعاد مسئولیت پذیری اجتماعی(خود- دیگران) دانش آموزان پسر متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرج .
2. تاثیر آموزش مهارتهای زندگی بر نگرش به کارآفرینی دانش آموزان پسر متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرج .

**1-5 فرضیه‌های پژوهش**

**1-5-1 فرضیه‌ کلی**

آموزش مهارتهای زندگی بر مسئولیت پذیری اجتماعی و نگرش به کارآفرینی دانش آموزان پسر متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرج تاثیر دارد..

* + 1. **فرضیه‌های جزئی**

1. آموزش مهارتهای زندگی بر ابعاد مسئولیت پذیری اجتماعی(خود -دیگران)دانش آموزان پسر متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرج تاثیر دارد.
2. آموزش مهارتهای زندگی بر نگرش به کارآفرینی دانش آموزان پسر متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرج تاثیر دارد.

**1-6 تعاریف مفهومی**

**1-6-1 مهارتهای زندگی:**

مهارت­هاي زندگی مجموعه اي از توانایی هایی است که زمینه هاي سازگاري و رفتار مثبت و مفید را فراهم می آورند(طارمیان، ،1387،21) مهارتهاي زندگی مهارتهایی اند که به منظور ارتقا و سطح ارتباط، افزایش قدرت تصمیم گیري، ارتباط با دیگران، یادگیري درك خود و کار در گروه، استفاده می شوند(ادیب، 1382)

1-6-2 مسئولیت پذیری :

**مسئولیت پذیری اجتماعی دانش آموزان**:

لوئیس مسئولیت پذیري یک الزام و تعهد درونی از سوي فرد براي انجام مطلوب همه فعالیت هایی که بر عهده او گذاشته شده است تعریف می کند و معتقد است که مسئولیت پذیري از درون فرد سرچشمه می گیرد. مسئولیت پذیري را رفتارهایی که مربوط به حفاظت یا نفی حقوق دانش آموزان و معلمان در ارتباط با یادگیري، احساسات، ایمنی فیزیکی واموال، در دو بعد خود ودیگران است تعریف می کند(لوئیس،2001).

**1-6-3 نگرش به کارآفرینی:**

گرش کارآفرینی، نگرشی است که اجزای انگیزۀ پیشرفت، مرکز کنترل درونی، عزت نفس و خلاقیت را در ترکیبی با ابعاد سه گانه نگرش (شناختی، احساسی و رفتاری) دارا می باشد. ([محمدی­الموتی و](https://www.noormags.ir/view/fa/creator/907906/%D8%B9%D9%84%DB%8C%D8%B1%D8%B6%D8%A7_%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF%DB%8C_%D8%A7%D9%84%D9%85%D9%88%D8%AA%DB%8C) [زارعی­نژاد،](https://www.noormags.ir/view/fa/creator/750835/%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF_%D8%B2%D8%A7%D8%B1%D8%B9%DB%8C_%D9%86%DA%98%D8%A7%D8%AF) 1400)

* 1. **تعریف عملیاتی:**

1-7-1 آموزش مهارتهای زندگی در این پژوهش منظور از مهارت های زندگی مجموعه آموزش هایی است که تحت عنوان: حل مسئله، تفکر خلاق، تفکر انتقادی، ارتباط موثر، خود آگاهی، همدلی، تصمیم گیری، مقابله با هیجانات، مقابله با استرس و اضطراب که در 11 جلسه 0 دقیقه ای اموزش داده می‌شود .

1-7-2- مسئولیت پذیری اجتماعی در این پژوهش نمره ای است که آزمون شوندگان به پرسشنامه 17 گویه ای لوئیس(2001) در بعد خود و دیگران کسب می کنند.

1-7-3-نگرش کارآفرینی:در این پژوهش نمره ای است که آزمون شوندگان به پرسشناه 5 گویه ای کریمی و همکاران(1394) کسب می کنند.

**1-8 قلمرو تحقيق**

**1-8-1قلمرو موضوعي**

قلمرو موضوعی این تحقیق، به تاثیر آموزش مهارتهای زندگی بر مسئولیت پذیری اجتماعی و نگرش به کارآفرینی دانش آموزان پسر متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرج می­پردازد.

**1-8-2 قلمرو زماني**

قلمرو زمانی تحقیق محدوده زمانی پژوهش می باشد که از بهمن ماه 1401 آغاز، و نهایتا تا شهریور ماه 1402 به پایان رسید.

**1-8-3 قلمرو مكاني**

قلمرو مکانی این تحقیق در مدارس پسر متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرج می باشد.

متغییر های پژوهش

متغییر مستقل:مهارت های زندگی

متغییر وابسته ،مسئولیت پذیری اجتماعی و نگرش به کار آفرینی

**فصل دوم**

**مبانی نظري و**

**پیشینه تحقیق**

**2-مقدمه:**

یکی از اهداف و وظایف مهم آموزش و پرورش ایجاد زمینه برای رشد همه جانبه فرد و تربیت انسانهای سالم، کارآمد و مسئول برای ایفای نقش در زندگی فردی و اجتماعی است(دیست [[7]](#footnote-7)، 2011).ز آن جایی که دانش‌آموزان یکی از ارکان اساسی نظام آموزشی کشور هستند، توجه به این قشر، از لحاظ آموزشی و تربیتی، باروری و شکوفایی هرچه بیشتر نظام آموزشی و تربیتی جامعه را در پی دارد (کاپلان و فالم[[8]](#footnote-8) ، 2010)با این وجود، تعداد کمی از دانش‌آموزانی که وارد سیستم آموزش و پرورش می شوند، می توانند استعدادهای خود را شکوفا ساخته و در این عرصه موفق گردند و به اصطلاح شهروندان مسئولیت پذیر باشند، و برای آینده شغلی طرح و نقشه مناسبی داشه باشند(صحراییان و همکاران، 1391) برای جوامع امروزی، تحصیلات مناسب جهت دستیابی به موقعیتهای اجتماعی، شغلی و اقتصادی بالاتر ضروری است اما تربیت افراد کارآفرین که به دنبال برداشتن قدمی برای خود کفایی کشور مهمتر است ، بدیهی است که شکل گیری ذهن علمی قوی و دستیابی به تواناییهای لازم در جهت کسب موفقیت تحصیلی به صورت خلق الساعه تحقق نمی پذیرد و نیازمند ویژگیهای مختلف از جمله نگرش صحیح به زندگی و کشب مهارت های لازم برای زندگی اجتماعی است در این فصل به بررسی مبانی نظری متغییرهای پژوهش پرداخته و در ادامه با بیان پیشینه پژوهش مدل مفهومی پژوهش ارائه می شود.

2-1- **مسئولیت پذیری اجتماعی**

**2-1-1-مسئولیت پذیری** :

باتوجه بـه مشـكلات امـروزي در جهـان، سـازمان بهداشـت جهاني در سال 1993، به­منظور ارتقاي سطح بهداشت روانـي و پيشگيري از آسيب­هاي رواني اجتماعي، برنامه­هايي را با عنوان آموزش مهـارت­هـاي زنـدگي تـدارك ديـده اسـت. اصـطلاح مهارت­هاي زندگي به گروه بزرگي از مهـارت­هـاي روانـي- اجتماعي و ميان فردي گفته مي­شود كه به افراد كمك مي­كند تـا تصميمات خود را با آگاهي اتخاذ كننـد، ارتبـاط مـؤثر برقـرار كنند، مهارت­هاي مقابله­اي و مديريت شخصي خود را گسترش دهند و زندگي سالم و باروري داشته باشند(يونيسف،2003).یکی از مهم­ترین شاخص­ها و مولفه­های رشد اجتماعی در دانش­آموزان، مسئولیت­پذیری است. مسئولیت­پذیری، الزام و تعهد درونی فرد در انجام مطلوب همه فعالیت­هایی است که بر عهده او گذاشته شده است (هات و همکاران[[9]](#footnote-9)، 2018). از طرف دیگر، بعضی اوقات دوره خاص و حساس نوجوانی با نوعی سردرگمی همراه با کاهش عزت­نفس و خودپنداره همراه است که سبب کاهش فعالیت­های طبیعی و تعاملات اجتماعی می­شود، بنابراین به وسیله­ی آموزش مسئولیت­پذیری و واگذاری نقش­های مناسب به نوجوان، می­توان وی را برای یادگیری مفاهیم اخلاقی آماده کرد(استین و همکاران[[10]](#footnote-10)،2016). چون دوران نوجوانی از مهم­ترین مراحل زندگی فرد است و رشد مسئولیت­پذیری نیز در این دوران نیازی اساسی محسوب می­شود(الکساندر و همکاران[[11]](#footnote-11)، 2017). مسئولیت­پذیری به معنای ضمانت و تعهد است یا پاسخگوبودن در برابر نیازهای خود و دیگران و انجام وظایف فردی و اجتماعی به بهترین شکل است. از مهم­ترین موانع مسئولیت­پذیری می­توان به موانع خانوادگی و مدرسه­ای اشاره کرد: الف) موانع مسئولیت­پذیری در خانوادگی، ب) موانع مسئولیت­پذیری در محیط مدرسه. حوزه­های مسئولیت­پذیری انسان می­تواند در ارتباط با هوش معنوی و شخصی خویش، در ارتباط با خانواده، جامعه و مدرسه تعریف گردد که نسبت به هر یک دارای مسئولیت بوده و وظیفه­ای بر عهده دارد(کدی[[12]](#footnote-12)،2015).

**2-1-3- ابعاد مسئولیت­پذیری**

مسئولیت سازمان­ها را مي­توان به چهار بعد مسئولیت اقتصادي، مسئولیت قانوني، مسئولیت اجتماعي و مسئولیت اخلاقي تفکیک کرد. نخستین بعد مسئولیت سازمان­ها، بعد اقتصادي است که در آن فعالیت­ها و اقدامات اقتصادي مدنظر قرار مي­گیرد و مسئولیت اولیه هر بنگاه اقتصادي کسب سود است. دومین بعد مسئولیت سازمان­ها، بعد قانوني است که براساس آن سازمان­ها، ملزم مي­شوند در چارچوب قانون و مقررات عمومي عمل کنند. جامعه این قوانین را تعیین مي­کند و تمام شهروندان و سازمان­ها، موظف هستند به این مقررات به­عنوان ارزش اجتماعي احترام بگذارند. بعد قانوني مسئولیت اجتماعي را التزام اجتماعي مي­گویند. سومین بعد مسئولیت سازمان­ها، بعد اجتماعي است و مجموعه وظایف و تعهداتي را در بر مي­گیرد که سازمان باید براي حفظ و کمک به جامعه با نگرش همه جانبه رعایت حفظ وحدت و مصالح عمومي کشور انجام دهد .چهارمین بعد مسئولیت سازمان­ها، بعد اخلاقي است. در این مورد، از سازمان­ها انتظار مي­رود چون سایراعضاي جامعه به ارزش­ها، هنجارها و اعتقادات و باورهاي مردم احترام گذاشته و شئونات اخلاقي را در کارها و فعالیت­هاي خود مورد توجه قرار دهند. بعد اخلاقي مسئولیت اجتماعي را پاسخگویي اجتماعي مي­نامند (آقایي و کاظم­پور، 1395).

**2-1-3-مفهوم مسئولیت­پذیری اجتماعی**

مسئولیت­پذیری اجتماعی اصلی اخلاقی که به­موجب آن یک سازمان یا فرد برای بهبود زندگی دیگران، در فعالیت­های اجتماعی مشارکت می­کند(پاسیسیلا[[13]](#footnote-13)، 2018). مفهوم مسئولیت­پذیری اجتماعی، در اواسط دهه 1950 میلادی با مسئولیت­پذیری اجتماعی سازمانی ([[14]](#footnote-14)CSR) در پی توسعه کسب­وکارها و نیاز جوامع مطرح شد(دال و سینها[[15]](#footnote-15)،2016). اما با روند تغییرات در گسترش مفاهیم مرتبط با مفهوم مسئولیت­پذیری اجتماعی شرکت­ها (CSR) مفهوم جدیدی بنام مسئولیت­پذیری اجتماعی فردی (ISR[[16]](#footnote-16)) شکل گرفت که به درک افراد از آنچه باید در کمک به جامعه انجام دهند(درومس و استفان[[17]](#footnote-17)،2015) اشاره دارد. مسئولیت­پذیری اجتماعی در زمینه­های مختلفی همچون کسب­وکار، اقتصادف علوم سیاسی و روانشناسی مثبت[[18]](#footnote-18) مورد استفاده قرار می­گیرد(به نقل از وری-لیک،2010) و با مفاهیمی همچون توسعه اخلاق، همدلی، نوع­دوستی، ارزش­ها و رفتارهای مثبت اجتماعی[[19]](#footnote-19) همپوشانی دارد(وری-لیک و سورسن[[20]](#footnote-20)،2011).

مسئولیت­پذیری اجتماعی شرکت، تعهدات و وظایفی است که واحدهای تجاری در برابر جامعه دارند. این تعهدات شامل تعهدات و وظایفی است که واحدهای تجاری نسبت به اقتصاد، جامعه، محیط زیست، بهبود زندگی و سلامت شهروندان و سایر ذینفعان به عهده دارند. موضوعاتی چون کنترل آلودگی­های زیست­محیطی، ایمنی و سلامت محیط کار، ایجاد فرصت­های برابر شغلی برای اقلیت­ها و زنان، ارتقای کیفیت محصولات شرکت، رعایت حقوق بشر و کارگر از جمله انتظاراتی است که در چند دهه اخیر به عنوان مسئولیت اجتماعی شرکت­ها در قبال جامعه از سوی مراجع قانونی و ذینفعان مورد توجه بوده است. عدم رعایت وظایف و تعهدات بالا، تا حد زیادی تداوم فعالیت شرکت­ها را تحت تاثیر خود قرار خواهد داد(حساس یگانه و برزگر، 1393). ظهور مفهوم مسئولیت­پذیری اجتماعی شرکت­ها در محافل اقتصادی، علمی و سیاسی جهان در دهه­های اخیر را می­توان ناشی از پیچیده­تر شدن فضای کسب و کار، جهانی شدن اقتصاد و به وجودآمدن شرکت­های چند ملیتی، تقاضا برای شفافیت کسب و کار، فشارهای سیاسی دولت ها، به وجود آمدن بحران­های اجتماعی و زیست محیطی و ... دانست. در دنیای امروز، شرکت­ها به ویژه آن­هایی که در بازارهای جهانی فعالیت می­کنند، علاوه بر حداکثر کردن ارزش سهام سرمایه­گذاران، بیش از پیش ملزم به ایجاد تعادل و توازن میان عناصر اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی فعالیت خود هستند. آن­ها باید استانداردهای مسئولانه اجتماعی، اخلاقی، قانونی و زیست محیطی را در کسب­و کار خود به کار گیرند(لیندگرین و همکاران، 2007). علی­رغم پژوهش­های متعددی که در رابطه با موضوع مسئولیت­پذیری اجتماعی شرکت انجام شده است و هم­چنین بر خلاف سطح مدیران ارشد صنایع کشور از مسئولیت­پذیری آگاهی اجتماعی شرکت­، هنوز مرزها و دامنه گزارشگری و افشای مسئولیت­پذیری اجتماعی برای شرکت­ها، مشخص نیست. برخی از پژوهشگران حوزه مسولیت­پذیری اجتماعی شرکت­ها، معتقدند که نظریه­ی رویکرد عام پذیرفته شده­ای برای مسئولیت اجتماعی شرکت­ها وجود ندارد.آن­ها مسؤلیت اجتماعی شرکت­ها را یک مفهوم وسیع و پیچیده و در حال تکامل مستمر می­دانند که نگرش­ها و ایده­های گوناگونی را شامل می­شود(گادفری و هاچ،2007).

در رابطه با مسئولیت­پذیري اجتماعي شرکت­ها، تاکنون تعاریف مختلفي ارائه شده است. به نظر مي­رسد که تعیین مفهوم مسئولیت­پذیري اجتماعي شرکتي در ادبیات پیشین و قضاوت در مورد مفاهیمي دشوار باشند که جزئي از مسئولیت­پذیري اجتماعي هستند یا مواردي که جزئي از مفهوم مسئولیت­پذیري اجتماعي نیستند (ویجینات، 2011). صرف­نظر از اینکه ارائه تعاریف مختلف در این زمینه، باعث ظاهر شدن ابعاد بیشتري از مسئولیت­پذیري اجتماعي شرکتي شده است؛ پیچیدگي این مفهوم نیز به انتزاعي بودن مفهوم بر مي­گردد. از سوي دیگر، گستردگي تعاریف مي­تواند نشان­دهنده تکامل تدریجي این مفهوم از دیدگاه­هاي عملیاتي تا دیدگاه­هاي راهبردي در سطح جهاني باشد. براساس نظر سییا( 2001)، تعاریف، دیدگاه­ها و مفاهیم ارائه شده از ابتدا تاکنون را مي­توان به دو دسته تقسیم کرد. دسته نخست، تعاریفي هستند که سازمان­ها و انتظارات جامعه را به هم مرتبط مي­سازند. به­عبارتي مسئولیت­پذیري اجتماعي را به­عنوان ابزاري براي تحقق اهداف اجتماعي شرکت­ها تعریف مي­کنند. دسته دوم شامل دیدگاه­ها، تعاریف به­طور کامل مادي و اقتصادي افرادي چون فریدمن(1962) است که تنها هدف غایي سازمان­ها را کسب سود مي­داند و نگراني در مورد مسئولیت­پذیري اجتماعي را شایسته اداره­کنندگان کسب­وکار نمي­داند )قدرتي، 1389). دیویس(1960)، مسئولیت­پذیري اجتماعي را به­عنوان آن نوع تصمیمات و اقدامات سازمان­ها توصیف کرد که به دلایلي فراسوي منافع مستقیم اقتصادي یا فني اتخاذ مي­شوند )دیویس، 1960). باتاچاریا و همکاران(2009) بیان نمودند که مسئولیت­پذیري اجتماعي شرکت، تعهد به بهبود سلامت جامعه از راه فعالیت­ها و کمک­هاي تجاري داوطلبانه از محل منابع شرکت است (باتاچاریا و همکاران، 2009). جانسون و همکاران(2010) معتقدند مسئولیت­پذیري اجتماعي به معناي آن است که شرکت­ها نسبت به گروه­هاي سازنده در جامعه غیر از سهامداران و فراتر از آن چیزي وظیفه دارند که به­وسیله قانونو قرارداد اتحادیه توصیف شده است (جانسون و همکاران، 2010). به عقیده هارجوتو (2011) مسئولیت­پذیري اجتماعي، مجموعه فعالیت­هایي است که به­منظور پیشرفت بعضي از اهداف اجتماعي انجام مي­گیرد که فراتر از اهداف مالي هستند (هارجوتو، 2011).

**2-1-4-نظریه­های مسئولیت­پذیری اجتماعی**

کاریگا و مِلِه(2004)، نظریه­هاي مسئولیت­پذیري اجتماعي را به چهار گروه تقسیم کردند:

الف) نظریه­هاي ابزاري: فرض بر این است که شرکت، ابزاري براي ایجاد ثروت بوده و این تنها مسئولیت اجتماعي شرکت است. این گروه از نظریه­ها، نظریه­هاي ابزاري نامیده مي­شوند، زیرا آن­ها مسئولیت­پذیري اجتماعي شرکت­ها را ابزاري راهبردي براي رسیدن به هدفهاي اقتصادي و ایجاد ثروت تلقي مي­کنند (باقرپور و همکاران، 1393). دیدگاه معروف فریدمن در این زمینه بیان مي­کند که تنها مسئولیت شرکت نسبت به جامعه، بیشینه کردن سود سهامداران در چارچوب قانوني و رسوم اخلاقي کشور است (فریدمن، 1970).

ب)نظریه­هاي سیاسي: شامل نظریه­هایي است که واحد تجاري باید به تقاضاي اجتماعي مبتني بر نظریه­هاي سیاسي عمل کند. این گروه از نظریه­پردازان بر این نکته تأکید دارند که تقاضاي اجتماعي از واحد تجاري براي بقا و تداوم فعالیت و رشد آن و حتي براي موجودیت خود آن ضروري است. در اصل، این گروه از نظریه­ها روي تعامل و ارتباط بین واحدهاي کسبوکار و جامعه تأکید دارند و دغدغه اصلي آن قدرت و جایگاه شرکت و مسئولیت ذاتي در قبال جامعه است. اگر چه رویکردهاي مختلفي در این حوزه وجود دارد، اما دو رویکرد برجسته آن، شرکت قانون­مدار و شهروند شرکتي است. شرکت قانونمدار بیان مي­کند که مسئولیت­هاي اجتماعي شرکت­ها، ناشي از میزان قدرت اجتماعي آنها است. شهروند شرکتي نیز، شرکت را به­عنوان شهروندي در نظر مي­گیرد که ارتباطات و مشارکت­هاي خاصي دراجتماع دارد )کاریگا و مله، 2004).

ج) نظریه­هاي یکپارچه: این نظریه­ها به چگونگي یکپارچه کردن نیازهاي اجتماعي به وسیله کسب­وکار مي­پردازند و ادعا دارند که کسب­وکار براي پیدایش، دوام و رشد خود به جامعه وابسته است. نیازهاي اجتماعي عموماً به­عنوان عامل شکل­گیري تعامل جامعه با کسب­وکار و مشروعیت­بخشي به آن در نظر گرفته مي­شود. در نتیجه، مدیریت شرکت باید نیازهاي اجتماعي را در نظر گیرد و آن­ها را به­گونه­اي با هم یکپارچه کند (پرستون و پست، 1975).

د) نظریه­هاي اخلاقي: این گروه از نظریه­ها به مسئولیت­هاي اجتماعي از منظر اخلاقي توجه کرده است. بر این اساس شرکت­ها باید مسئولیت اجتماعي را به­عنوان تعهد اخلاقي بپذیرند. این نظریه­ها، مبتني بر اصول و کارهاي درست براي دستیابي به جامعه خوب است (شاه­حسیني و عرب­لویي­مقدم، 1395). نظریه­هاي اخلاقي شامل نظریه هنجاري ذینفعان، حقوق جهاني، توسعه پایدار و رویکرد نفع عمومي است.

**2-1-5-ابعاد مسئولیت­پذيری اجتماعی**

در ارتباط با مفهوم مسئولیت­پذیری اجتماعی تعریف­ها و ابعاد متنوعی مطرح شده است که ازجمله مشهورترین آن­ها می­توان به ابعاد چهارگانه (کارول،1979) و ابعاد سه­گانه (الکینگتون، 1998) اشاره کرد. در ادامه ابعاد سه گانه مسئولیت­پذیری از نظر الکینگتون(1998)، به­دلیل آنکه در این مقاله با رویکرد این اندیشمند اثرات مسئولیت پذیری اجتماعی بر ترجیح برند بررسی شده است، تشریح می­شود:

بعد اقتصادی[[21]](#footnote-21): مسئولیت­پذیری در فعالیت­های اقتصادی به این مطلب اشاره دارد که شرکت ها تا چه اندازه از نظر ارزش­آفرینی برای سهامداران خود موفق عمل کرده و سعی می­کنند محصولات مناسبی در اختیار مشتریان خود قرار دهند. بر اساس این بعد شرکت باید ارزش سهام خود را ارتقا بخشد، برای مشتریان خود کالایی با کیفیت و از نظر قیمتی در سطح مناسبی ارائه دهد، در چارچوب قانون عمل کند، در فضای رقابت از ابزارهای غیراخلاقی برای حذف رقیب استفاده نکند و نیازهای تأمین­کنندگان و عرضه­کنندگان را مدنظر قرار دهد(کارول، 1979). نکته مهم دیگر در این ارتباط مسئولیت شرکت در قبال کارکنان است که باید مسائلی همچون ایمنی و سلامتی فیزیکی و روانی کارکنان، آموزش و توانمندسازی کارکنان در حوزه­های اجتماعی و زیست محیطی، حقوق بشر و شهروندی، کار شایسته، سیاست عدم تبعیض جنسی قومیتی نژادی مذهبی و غیره، تعادل میان کار و زندگی، ترغیب و حمایت و تشویق کارکنان و تنوع فرهنگی میان کارکنان مدنظر قرار گیرد(تورکر[[22]](#footnote-22)،2009).

بعد اجتماعی[[23]](#footnote-23): مسئولیت­پذیری تعهد برای اقداماتی است که به طورکلی علاوه بر تأمین منافع شخصی موجبات بهبود رفاه جامعه را فراهم آورد. در این بعد شرکت­ها نسبت به اجتماع خود در قالب کمک به بنگاه­های خیریه­ای، کمک به آموزش رایگان افراد بی بضاعت، ایجاد اشتغال و توسعه مناطقی که در آن کار می­کند، مسئول هستند(جانسن، 2003). بدون شک، چنانچه افراد، گروه­ها، سازمان­ها و مؤسسه­های مختلف جامعه، خود را نسبت به رویدادها، اتفاقات و بحران­های مختلف مسئول بدانند و هر یک در حدود مسئولیت و حیطه کاری خویش در حل بحران­های بالا تلاش کنند، بسیاری از مشکلات حل شده و شرایط شکل­گیری جامعه­ای سالم و با رفاه متوسط فراهم می­شود؛ به عبارت دیگر سازمان به هر نحوی که عمل کند، عملکرد آن بر جامعه تأثیر می­گذارد؛ بنابراین سازمان­ها باید به کارهایی دست بزنند که موردقبول جامعه و منطبق با ارزش­های آن­ها باشد(چاترجی و همکاران، 2009).

بعد زيست­محیطی[[24]](#footnote-24): این بعد از مسئولیت­پذیری به تعهد شرکت­ها در قبال حفظ، بهبود و گسترش محیط­زیست اشاره دارد. در این بعد مجموعه فعالیت­های شرکت در کاهش گازهای خطرناک سمی، کاهش آلوده­سازی محیط، مدیریت ضایعات، صرفه­جویی در انرژی، کاهش مصرف مواد اولیه، تولید بسته­بندی­های سبز، استفاده از کانال­های توزیع کم­خطرتر برای محیط­زیست، جنگل کاری و حفظ درختان، حمایت از گروه­های محیط­زیستی و غیره موردبحث است(الکینگتون[[25]](#footnote-25)، 1998). بر اساس این بعد از مسئولیت، مدیران شرکت­ها به مرور دریافته­اند که هزینه­های مرتبط با محیط زیست، درصورتی که به درستی شناسایی، اندازه­گیری و تخصیص داده شوند، به صرفه جویی و ایجاد سود بالقوه می­انجامد(همت فر و همکاران،1391)؛ بنابراین مدیران در چارچوب نظریه مسئولیت­های اجتماعی شرکت­ها و برای دستیابی به توسعه پایدار، می­توانند سیستم­های مدیریت محیط­زیست را در شرکت­ها مستقر کرده و با استفاده از اطلاعات سیستم حسابداری محیط زیست و سیستم حسابداری مدیریت محیط زیست تصمیم­هایی را اتخاذ کنند که به ایجاد منافع برای ذینفعان شرکت و جامعه منجر شود و این بعد از مسئولیت­های شرکت را محقق سازند.

**2-2-نگرش کارآفرینی:**

**2-2-1- مفهوم کار آفرینی**

خاستگاه اولیه مفهوم کارآفرینی با رویکرد علمی را می توان در علم اقتصاد جستجو کرد. اقتصاد دانان برای پاسخ گویی به دو سوال اساسی که عبارت بودند از الف) چگونه یک جامعه ثروت ایجاد می کند؟ ب)چگونه یک جامعه ثروت را میان اعضای خود توزیع می کند؟ ساز و کارهای مختلفی را برای عملی نمودن آنها مورد بررسی قرار دادند و در نهایت دریافتند که مناسب ترین ساز و کار، کارآفرینی است (احمدپور داریانی و ملکی، 1390) که در قرن هجدهم توسط اقتصاددانان فرانسوی این عنوان مطرح گردید. جان باپتیست[[26]](#footnote-26)، کارآفرینی را در اقتصاد فرانسه توسعه بخشید و بیان داشت که کارآفرینان ایجاد ارزش می کنند و مدیران خودشان هستند. وی کارآفرینان را به عنوان کسانی که سرمایه خود را به منظور سازماندهی محصولات و توزیع کالا و خدمات، افزایش می دهند تعریف کرد (سی[[27]](#footnote-27)، 1971). از دیدگاه وی کارآفرینان منابع اقتصادی را از جایی که بهره وری پایینی دارد به جایی با بالاترین بهره وری انتقال می دهند. به عبارتی آنها ارزش ایجاد می کنند (دیس[[28]](#footnote-28)، 2001) (اعلامی و رضایی زاده، 1396).

ایرمس[[29]](#footnote-29) (2003) کارآفرینی را به طور ساده به عنوان جمع آوری فاکتورهای تولید و انجام فرآیند، توضیح می دهد و کارآفرین به عنوان شخصی که فاکتورهای تولید را جمع آوری می کند و کسی که نیاز متهور برای تولید کالا و خدمات را بنا می نهد و همچنین کسی که منابع مالی و بازارها را برای تولید پیدا می کند (ایوب اوغلو[[30]](#footnote-30)، 2004).

در یک سطح کلی، کارآفرینی می تواند به عنوان مجموعه تصمیمات فردی گرفته شده توسط کارآفرینان به عنوان سرمایه گذاری کردن در کسب و کارها تفهیم شود. به طور پی در پی، یک دیدگاه، ملاحظه کارآفرینان به عنوان افراد و سپس جمع کردن فعالیت هایشان است. (مک کللند[[31]](#footnote-31)، 1961) در کتاب اصلی اش، استدلال کرد که میزان تعالیم روانشناسی فردی، سطح کارآفرینی در یک کشور را معین می کند. در اصل مک کللند انبوه تعالیم کارآفرینانه را به عنوان معین کننده نتایج کارآفرینانه و بر عکس، توسعه اقتصادی می بیند (هاربی و اندرسن[[32]](#footnote-32)، 2010).گاردنر[[33]](#footnote-33) (2002) کارآفرینی را فرآیند راه اندازی یک سازمان جدید می نامند.

**2-2-2- تعاریف کارآفرینی**

اغلب از کارآفرینی به عنوان مفهومی نوین یاد می شود. برای نمونه شنیده ایم که هر سازمانی برای پیشرفت و نوآوری، به کارآفرینی و خردمندی نیاز دارد و یا خوانده ایم که ارزش در اقتصاد آمریکا به گونه ای فزاینده از کارآفرینان، سرچشمه می گیرد. به هر حال، کارآفرینی مفهوم تازه ای نیست. کارآفرینی از واژه فرانسوی متعهد شدن یا پذیرش مسئولیت گرفته شده است. سال های سال است که تاجران و پژوهشگران در پی کشف این عنصر سحرآمیز(کارآفرینی) هستند و جوهره ی کارآفرینی را در شناسایی فرصت، نوآوری و جستجوی نتایج دنبال می کنند.

کار بنیادین جوزف شومپیتر (1934) به طور وسیعی در مطالعات کارآفرینی در بیش از نیم قرن مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است. شومپیتر (1939) کارآفرین را به عنوان رهبر ابر قهرمانی می نگرد که تصمیم و اراده ی قوی برای درهم شکستن سنت های اجتماعی و ایجاد فرصت های اقتصادی دارد. از دیگاه وی، کارآفرینان از ایده های جدید حمایت می کنند و به سوی نوآوری های بازار سوق داده می شوند.

کارآفرینی یک بررسی محققانه درباره این است که چگونه، چه کسانی و با چه فرصت هایی کالاها و خدماتی را کشف، ارزیابی و بهره برداری کنند (شین و نکاتارام[[34]](#footnote-34)، 2000). آنها موسساتی را برای پیاده سازی نوآوری ایجاد می نمایند (پردو و مک کلین[[35]](#footnote-35) ، 2006). فرصت هایی را می بینند که دیگران آن را مشکل و یا مبهم می دانند، موسساتی را آغاز می کنند، مشاغلی را ایجاد و از توسعه اقتصادی حمایت می کنند و کیفیت زندگی را بهبود می بخشند (کوراتکو و هادجتس[[36]](#footnote-36)، 2004) و معمولا در شرایط عدم اطمینان فعالیت می کنند. طبق نظر جان باتیست، کارآفرین فردی است که میان زمین، نیروی انسانی و سرمایه ارتباط به وجود می آورد تا محصولی را تولید کند و پس از فروش محصول، اجاره زمین، حقوق نیروی کار و سرمایه اضافی را برگرداند. کارآفرینان ممکن است یکی و یا چند فعالیت زیر را انجام دهند:

1. معرفی محصول/ خدمات جدید در بازار.

2. هدف قرار دادن جامعه خاصی که دیگران بدان بی توجهند.

3. استفاده از روش جدید در تولید و یا ارائه خدمات که تا کنون وجود نداشته است.

4. افتتاح یک بازار جدید.

5. کشف منبع جدیدی از مواد خام.

6. ایجاد شکل جدیدی از سازمان.

شومپیتر میان مخترع و نوآور تفاوت قائل است. مخترع کسی است که شیوه ها و محصولات جدیدی را کشف می کند. اما نوآور از کشفیات جدید برای ایجاد ترکیبات جدید استفاده می کند. به عبارتی آنها را به کار می گیرد. وی از تخریب خلاق برای کارآفرین استفاده می کند کسی که ترکیب جدیدی را ایجاد می کند.

پیتر دراکر این مفهوم را توسعه بخشید و کارآفرین را فردی می داند که به دنبال تغییر است، بدان پاسخ می دهد و آن را به عنوان فرصت می یابد، بنابراین کارآفرین کسی است که تلاش می کند چیز جدیدی را ایجاد، محصولات را سازماندهی و خطر را بپذیرد و شرایط غیر قابل اطمینان اقتصادی که در سازمان تاثیر می گذارد را مدیریت کند (هاوینال[[37]](#footnote-37)، 2009). بنابراین کارآفرینی به معنای ایجاد کسب و کار جدید می باشد. منظور از کسب و کار جدید، کسب و کاری است که نه تنها تکراری نباشد بلکه بدیع و نو باشد. (روملت [[38]](#footnote-38)، 2005).

کارآفرینان دارای جنسیت، سن، نژاد و حتی سطح تحصیلات و تجربیات مختلف هستند، اما بسیاری از تحقیقات نشان داده است که آنها خلاق، فداکار، مصمم، منعطف، دارای روحیه رهبری، صبور، دارای اعتماد به نفس و باهوش هستند. کارآفرینان چیزی را می بینند که دیگران آن را می بینند اما بی تفاوت از کنار آن می گذرند. کارآفرین بودن مستلزم داشتن ایده مناسب، برنامه ریزی خوب و سخت کوشی است. کارآفرینان همچنین فرصت محور هستند. آنها احتمالات را می نگرند و فکر می کنند که چگونه کارها را انجام دهند، به جای آن که مشکلات را ببینند و به نتوانستن فکر کنند. آنها نوآور، فرصت محور، عامل ایجاد ارزش و خوش فکر و چاره اندیش هستند (دیس، 2001).

تعریف دیده بان جهانی کارآفرینی از کارآفرینان بدین شرح است: هر تلاشی در کسب و کار جدید و یا ایجاد کسب و کار مخاطره آمیز جدید از جمله خوداشتغالی، سازماندهی جدید کسب و کار و یا گسترش کسب و کار موجود که توسط فرد و یا گروهی از افراد انجام گیرد را کارآفرینی می نامند (اعلامی و رضایی زاده، 1396).

**2-2-3- فرآیند کارآفرینی**

نگاه فرآیندی یکی از رویکرد های مطالعه کارآفرینی است که صاحب نظران آن را مورد توجه جدی قرار داده اند. فرآیند کارآفرینی عبارت است از زنجیره ای از وقایع و فعالیت ها که در طول زمان و تقریبا بر اساس نظمی خاص انجام می شوند. روح خلاقیت و نوآوری بر همگی یا بخشی از ابعاد و فعالیت های فرآیند کارآفرینی حاکم است. طبق فرهنگ وبستر، جریان هدفمند جهت شناخت و ساماندهی فرصت ها و امکان ایجاد موقعیت های شغلی با در نظر گرفتن توانمندی های اجرایی در مسیر کسب و کار را که همراه ارزیابی و توسعه می باشد، فرآیند کارآفرینی می گویند. در واقع موفقیت کارآفرینی به نتایج این فرآیند بستگی دارد. از این رو یکی از راه های کسب موفقیت، ارزشیابی برونداد فرصت های قابل شناسایی است (بروکنر، هیگینز و لو[[39]](#footnote-39) ،2004).

فرآیند کارآفرینانه در نگاه کلی شامل سه مرحله شناسایی فرصت، جذب و مدیریت منابع و رهبری و هدایت سازمان است. کارآفرین فرصت را شناسایی می کند. یک تعریف ساده از فرصت شامل شکافی که در بازار وجود دارد، است و به دلیل این شکاف، ظرفیتی برای ایجاد ارزش وجود دارد.

از این رو مفهومی که در پس فرصت وجود دارد، ایده است. بعد از آن که فرصت ها شناسایی و ایده ها مفهوم سازی شدند، نوبت به هدایت و سازماندهی می رسد.

یکی از ویژگی های کلیدی کارآفرینان، توان مدیریتی است که چگونه افراد مختلف را هماهنگ می کند و اما بیشتر فرآیند کارآفرینانه که در واقع تفاوت کارآفرینی با دیگر کسب و کارهاست، با منابع محدود و در شرایط مخاطره آمیز انجام می شود.

بنابراین کارآفرین در مقامی است که باید منابع لازم را فراهم نماید که این منابع شامل پول، افراد، دانش، مهارت و مواد است. هم چنین بای گریو2 نیز فرآیند کارآفرینی را شامل کارکردها، فعالیت ها و اقداماتی می داند که با درک فرصت ها و ایجاد محیط کاری برای نیل بدان ها در ارتباط هستند (بای گریو[[40]](#footnote-40)، 1997). تنها زمانی که سه جزء 1. تیم/ سازمان که می بایست هماهنگ شوند 2. منابع و سرمایه و 3. موقعیت تشخیص با یکدیگر با یکدیگر تلاقی پیدا کنند و با یکدیگر هماهنگ شوند، کارآفرینی به طور موفقیت آمیزی اتفاق می افتد.زمانی که به کارآفرینی به عنوان فرآیند نگریسته می شود این مسئله از مزایای بسیار زیاد بهره مند خواهد شد. مهمترین و اساسی ترین نکته قابل تامل در فرآیند این است که تلاش کارآفرینی به مراحل یا گام های تخصصی تقسیم می شود. با این که مراحل فرآیندی گرایش به هم پوشی دارند، اما به طور متناوب در مرحله نهایی دوباره تجدید می شود و این سیکل ادامه خواهد داشت (موریس، کارافکو و اسکیندت[[41]](#footnote-41)، 2002).

**2-2-4-الگوهای کارآفرینی:**

الف:الگوهای محتوایی: کلیه تلاش های محققان در خصوص مطالعه رویکرد ها و ویژگی هایی که منجر به شناسایی خصوصیات فردی و شخصی افراد می گردد، جزئی از این طبقه محسوب می گردد. هدف محققان در رویکرد ویژگی ها و مدل های محتوایی، یافتن یک چارچوب و ارائه تعریف کارآفرینی بر مبنای ویژگی های فردی بوده است که با توجه به محدودیت تحقیقات در پرداختن و اظهار نظر قطعی راجع به این ویژگی های فردی، ارائه مدل محتوایی فراگیر همواره عقیم مانده است. بر این اساس محققان به جای پرداختن به رویکرد ویژگی ها، به رویکرد رفتاری و مدل های فرآیندی روی آورده اند.

ب:الگوهای فرآیندی: در این دیدگاه کارآفرینی یک چارچوب چند بعدی و پیچیده می باشد که کلیه عوامل شامل فرد کارآفرین و ویژگی های او، مهارت ها و سبک های مدیریتی او و فرهنگ استراتژی را در بر می گیرد. بر اساس رویکرد فرآیندی، ایده های عمده در کارآفرینی بیشتر از حوزه های کسب و کار، اقتصاد، روان شناسی، جامعه شناسی و به میزان کمتری سیاست، ریشه گرفته اند. به عنوان نمونه مرکز علمی کسب و کار و کارآفرینی دانشگاه آکادیا، فرآیند کارآفرینی را در یک چرخه در سه فاز تعریف می کند (ای. اس. اس. بی[[42]](#footnote-42)، 2002).

1. فاز جستجو و فرصت شناسی: یک ایده باید در خلال ارزش ها، عقاید و آرزوها جستجو شود.

2.فاز امکان سنجی: اگر ایده ای خوب تشخیص داده شد باید به محیط توجه کرد و مشخص کرد که آیا با محیط کاری همسان است یا خیر.

3.فاز ارزیابی، اجرا و توسعه سازی: این فاز مقدمات عملیات و برنامه ریزی اجرایی را برای ورود به محیط کاری فراهم می کند.

الزامات این فاز در فرآیند کسب و کار عبارت است از چشم انداز، سیاست ها، برنامه ریزی بلند مدت، استفاده از تجارب و مستندات کارآفرینان موفق، راه کارهای تامین مالی انسانی و فیزیکی و مراکز بازاریابی. فرآیند کارآفرینی از دیدگاه بایگریو در شکل1-1 نمایش داده شده است.

از دیدگاه وی کارآفرینی همچون الگویی جوان در علوم اجتماعی است و همانند سایر الگوهای نوپا، روش ها و نظریه های سایر حوزه های علمی را مورد استفاده قرار می دهد.

فرآیند کارآفرینی شامل چهار مرحله اساسی شامل نوآوری، عمل تاسیس یا راه اندازی، اجرا و رشد است و در هر مرحله مجموعه ای از عوامل تاثیر گدارند (بای گریو، 1989) (اعلامی و رضایی زاده، 1396).

شکل 2- 1:فرایند کارآفرینی از دیدگاه بایگریو(بایگریو، 1989)

ویژگی های فردی: کارآفرین، رهبر، مدیر، تعهد، چشم انداز

ویژگی های فردی: نیاز به موفقیت، کنترل درونی، تحمل ابهام، خطر پذیری، ارزش های شخصی، آموزش، تجربه، تحصیلات

ابعاد جامعه شناختی: شبکه ها، گروه ها، والدین، خانواده، الکوهای نقش

ویژگی های فردی: خطر پذیری، عدم رضایت کاری، از دست دادن شغل، تعهد، سن، جنس، تحصیلات

ویژگی های فردی: کارآفرین، رهبر، مدیر، تعهد، چشم انداز

محیط: فرصت ها، الگوهای نقش یا برتر، خلاقیت

محیط: رقابت، منابع، سیاست های دولتی، مراکز و پارک های حمایتی

محیط: رقبا، مشتریان، عرضه کنندگان، سرمایه گذاران، منابع، سیاست های دولتی

نوآوری

رشد

عمل راه اندازی

اجرا

**2-2-5- انواع کارآفرینی**

محققان مختلف انواع و اقسام گوناگونی از کارآفرینی ذکر می نمایند که عبارتند از:

کارآفرینی اداری: در این نوع کارآفرینی، توسعه تولیدات، فرآیند ها و شیوه های جدید یا توسعه موارد موجود، اولویت بالایی دارد و به عنوان سرمایه گذاری جدید کارکنان فنی، علمی و مدیران و مجریان محسوب می شود. مدیریت باید منابع و امکانات را حفظ کند و کارگران ماهر باید برای عقاید جدید تلاش کنند. فرهنگ برای نوآوری، ارزشی به مراتب بالاتر از شرایط بروکراسی قائل است.

کارآفرینی سازمانی: به مفهوم تعهد سازمان به ایجاد و معرفی محصولات/ خدمات جدید و نظام های سازمانی نوین است. کارآفرینی یک مفهوم چند بعدی است که فعالیت های سازمان را متوجه نوآوری در محصول، فناوری، روش، منابع، مشتریان و ساختار می کند.بنابراین حصول این نوآوری ها، مستلزم مخاطره پذیری سازمان و نتیجه آنها، پیشگامی سازمان در بین رقبای خود می باشد. کارآفرینان سازمانی افرادی هستند که محدودیت ها را می آزمایند و امکانات جدیدی را برای سازمان ها از طریق هدایت فرآیند نوآوری ایجاد می کنند. آنها از قدرت و مهارت های خود در زمینه های بسیاری همچون توسعه ی محصول یا طراحی مهندسی و ... استفاده می کند(احمد پور،1395).

کارآفرینی فرصت گرایانه: این رویکرد بر ارزیابی و گسترش توسعه ی نوآوری های مبتنی بر فناوری داخلی و خارجی تاکید می کند، وجود یک محصول برتر نشانه های رویکرد فرصت گرایانه در قبال کارآفرینی درون سازمانی است.

کارآفرینی اکتسابی: در این مورد کارآفرینی از طریق اکتساب توانایی های فنی سایر شرکت ها و از طریق همکاری، مشاوره یا انعقاد قرارداد با آن ها صورت می گیرد تا به دستاورد های فناورانه آنها دست یابد(روویدو ،روزنبالت،هرتزو لازاودتیز[[43]](#footnote-43)،2010)

مراکز رشد: این امر نیازمند ایجاد واحدهای نیمه مستقل در شرکت های موچود برای اندیشیدن، آغاز کردن و تقویت شرکت های جدید است. با توجه به مخاطره ی بالای نوآوری در فعالیت های شرکت های تجاری، واحدهای نیمه مستقل به کارآفرینی درون سازمانی کمک می کند.

کارآفرینی ابتکاری: در این رویکرد، نوآوری محدود به تقلید یا ایجاد تغییرات ساده در بسته بندی یا طراحی است(احمد پور،1387)

کارآفرینی فردی: فرآیندی است که کارآفرین طی می کند تا فعالیت کارآفرینانه ای را به طور مستقل به ثمر برساند. به عبارت دیگر، کارآفرین مستقل با توجه به ویژگی های نوآوری و خلاقیت، منابع لازم را برای شروع یک کسب و کار جدید فراهم می کند. به عبارتی دیگر، کارآفرین فردی است دارای ایده و فکر جدید که از طریق ایجاد یک کسب و کار(کسب و کار خانگی، کسب و کار اینترنتی، کسب و کار خانوادگی، کسب و کار کوچک و متوسط ...) با بسیج منابع که توام با مخاطره ی مالی، اجتماعی آبرویی و حیثیتی می باشد محصول و خدمت جدید به بازار ارائه می نماید.

کارآفرینی درون سازمانی: هرچند این نوع کارآفرینی نیز عملی فردی است ولی عمل و فرآیند تحت نظارت و حمایت سازمان قرار می گیرد. به طوری که کارآفرین فرآیندی را طی می کند تا فعالیت کارآفرینانه ای را در سازمان سنتی به ثمر برساند. پس کارآفرینی درون سازمانی در سازمانی رخ می دهد که مانع از کارآفرینی می گردد. به عبارت دیگر بسیاری از سازمان ها در ایجاد محیطی برای کارآفرینی ناتوان هستند. کارآفرینان مجبورند تا موفقیت را در میان افرادی بیابند که حاضر نیستند به آنها کمک کنند یا واقعا نمی خواهند موفقیت آنان را شاهد باشند. بنابراین کارآفرینان درون سازمانی افرادی هستند که اغلب در فعالیت های کارآفرینی سازمان ها و بدون حمایت سازمان شان درگیرند (احمدپور داریانی و ملکی، 1390).

کارآفرینی اجتماعی: کار آفرینی اجتماعی فرد، گروه، شبکه، سازمان و یا ائتلاف سازمان هایی است که به دنبال تغییر وسیع و پایدار از طریق ایده های ساختارشکن است که دولت ها و سازمان های غیرانتفاعی کسب و کارهایی را انجام می دهند تا مشکلات اجتماعی را مورد توجه قرار دهند. یکی از زیر شاخه های کارآفرینی اجتماعی، کارآفرینی آموزشی است.

کارآفرینی رسمی و غیر رسمی: کارآفرینی رسمی اشاره به راه اندازی سازمان هایی که به صورت قانونی تاسیس شده اند، دارد (کلاپر[[44]](#footnote-44) و همکاران، 2007) اما کارآفرینی غیر رسمی به سازمان هایی که به طور قانونی راه اندازی نشده اند و یا ساختارمند نیستند، اشاره دارد (نیستروم[[45]](#footnote-45)، 2008).

به عبارتی بیشتر کارآفرینان در کشورهای دارای اقتصاد توسعه یافته، سازمان خود را به طور رسمی راه اندازی می کنند و بیشتر تحقیقات متمرکز بر کارآفرینی رسمی است و نتیجه تحقیقات نشان می دهد هر چه میزان آموزش بیشتر باشد احتمال راه اندازی سازمانی رسمی با ویژگی کارآفرینانه بیشتر می گردد (جیمنز[[46]](#footnote-46) و همکاران، 2015).

**2-2-6-نگرش به کارآفرینی :**

¨نگرش یا گرایش ذهنی عبارت است از احساس موافق یا مخالفی که موجود آدمی بنا به احساس و اندیشۀ اکتسابی پیشین خود نسبت به شخصی، شیئی و یا امری واکنش نشان می دهد.

¨هرآنچه که خوب یا بد، زشت یا زیبا تلقی می شود، خواه شیئی مادی، یک شخص، گروهی از افراد، شیوۀ رفتار و… باشد، آن را موضوع یا مورد نگرش می نامند.

¨وقتی نگرش را آمادگی قبلی برای پاسخ مساعد و نامساعد به شیئی و هدفی بدانیم، بیانگر این واقعیت است که نگرش به رفتار شکل و جهت می دهد.

نگرش مانند احساس ذاتی و فطری نیست، بلکه آموختنی و اکتسابی می باشد.

¨انسان در محیط های مادی، اجتماعی و فرهنگی با موارد تازه ای برخورد می کند و نسبت به آنها دارای عقاید و احساسات تازه ای می شود که این موارد به شکل گیری نگرشهایی در او منجر می شود و آمادگی و تمایل پیدا می کند که به نحو خاصی در برخورد با آنها رفتار کنند و بدین ترتیب نگرشهای او شکل می گیرد.

¨با شکل گیری نگرشها، احتیاج انسان به تفکر و اخذ تصمیم جدید کم شده و رفتار او نسبت به این موارد، عادی، قالبی و قابل پیش بینی می گردد، و اینگونه است که باورها و نگرش های مشخص بر رفتار فرد حکومت می کنند.

¨متغیر نگرش در خصوص رفتار، یک متغیر فردی و شخصی است که طی آن رفتار از دیدگاه خود فرد ارزیابی می شود.

از منظر دیده­بان جهانی کارآفرینی[[47]](#footnote-47) مهارت­ها، نگرش­ها و رفتارهای کارآفرینانه قابل آموزش و یادگیری هستند و آموزش کارآفرینی نقشی ضروری در شکل­گیری نگرش­ها، مهارت­ها و فرهنگ از دوره­ی دبستان به بالا ایفا می­کند(سینگر و همکاران، 2014). دوران کودکی دوره­ی ایده­آلی برای ایجاد نگرش عمیق در مورد کارآفرینی است(اکسلسون و همکاران، 2015). امروزه علاوه بر آموزش­های معمول دانش­آموزان، آموزش مبانی کارآفرینی، خلاقیت و مهارت های زندگی نیز از ضروریات است و آموزش کودکان برای اتکا به خود، خلاق بودن، استقلال در تصمیم­گیری و سخت­کوشی در سنین پایین رابطه­ای مستقیم با پرورش نگرش و توانمندی­های کارآفرینانه در آن­ها دارد(اکبرپور و مهدویان، 1394). با توجه به اینکه شناسایی و تحریک استعدادها و مهارت­ها در راستای تقویت نگرش­ها و رفتارهای کارآفرینانه از اهداف آموزش کارآفرینی است، باید برنامه­های آموزشی در سطوح دبستان به­منظور آگاهی و تقویت نگرش به سوی کارآفرینی تدارک دیده شود(کمیسیون اروپا،2016). با توجه به آرزوها، احساسات و تمایلات ویژه کودکان شرایط، زمان و روش­های آموزشی نادرست موجب تضعیف روحیه­ی کارآفرینی آن­ها می­شود؛ بنابراین، آن­ها به آموزش کارآفرینی با روش­های مناسب نیاز دارند(ریبیر[[48]](#footnote-48)،1990). آموزش کارآفرینی در سنین کودکی باید به صورت دوطرفه یعنی هم برای دانش­آموز و هم برای آموزگار صورت گیرد و به منظور انجام دادن این آموزش باید از روش­های تدریس فعال بهره برد(کمیسیون اروپا،2016).

امروزه، همزمان با افزایش ارتباطات ملی و بین­المللی و تحولات پرشتاب و فزاینده، رقابت­های بسیاری در سطح جهانی مشاهده می­شود که به تبع آن، نیاز به تطبیق و سازگاری دائمی با تحولات فناوری، اهمیت و ضرورت می­یابد. این مسائل، کشورهای مختلف جهان را بر آن داشته تا نسبت به تحول خود در ابعاد مختلف علمی اقدام نموده و در سایه این تحولات، درجهت رشد و ارتقای جوامع خود، کوشش کنند. به همین سبب تمرکز بر داشتن نگرش نوآورانه و به دنبال آن، ابداع و تولیدات جدید با فرآیندها و شیوه­های نوین بیش­ازپیش ضرورت می­یابد (لی و همکاران[[49]](#footnote-49)،2011؛ به نقل از ابراهیم­آبادی و همکاران، 1398). در  
اینجاست که ارزش نیروی انسانی با نگرش کارآفرین، خلاق، مبتکر و ریسک­پذیر برجسته می­شود؛ زیرا مهارت­های کارآفرینی عنصر کلیدی در مسیر توسعه پایدار هستند و رشد و پرورش آن­ها در افراد به­ویژه نوجوانان باید فراتر از آموزش، برای تولید کسب­وکار در نظر گرفته شود و به­عنوان پدیده­ای پیچیده درک شود و بتواند توسعه فردی را با نگرش دگرگون­کننده و چشم­اندازی نوآورانه ادغام کند. لذا نوجوانان زمانی می­توانند با مهارت­های لازم وارد بازار کار شوند و فعالانه در جامعه شرکت کنند که دست به یک ابتکار، خوداشتغالی با توانایی تشخیص فرصت­ها و به­کارگیری مهارت­های خویش، به­عنوان راهی برای رشد و ارتقای جامعه بزنند (کامپو-ترنرا و همکاران[[50]](#footnote-50)،2022). با این حال، در جهان امروز، این قشر با معضل بیکاری روبه­رو است (رازقی و همکاران،1400). بسیاری از پژوهشگران، از کارآفرینی به­عنوان یک راه­حل نام می­برند (رنجیا[[51]](#footnote-51)،2013) و معتقدند کارآفرینی در شرایط رقابتی، نقش مهمی در توسعه و گسترش فعالیت­های اجتماعی و اقتصادی ایفاء می­کند (جانسون و همکاران[[52]](#footnote-52)؛2006) کارآفرینی[[53]](#footnote-53) به فرآیندی اطلاق می­شود که در طی آن، شخص کارآفرین با استفاده مفید ازفرصت­ها، ایده­های نو و خلاق خویش، به فعالیت جدیدی مبادرت می­ورزد و هر اندازه نگرش مثبت­تری به اقدامات کارآفرینانه داشته باشد، احتمال موفقیت وی بیشتر می­شود (کار و سکویرا[[54]](#footnote-54)، 2007). در واقع، جنبه­های مختلف کارآفرینی به­عنوان موضوعی میان رشته­ای، به­وسیله روانشناسان، جامعه­شناسان، مردم­شناسان و مدیران سازمان­ها بررسی شده است. روانشناسان به بررسی صفات و ویژگی­های کارآفرینان پرداخته­اند و کارآفرینی را به­عنوان مهارتی که مرتبط با موفقیت در آینده شغلی است؛ می­دانند(باربا-سانچز و اتینزا-ساوکیویلو[[55]](#footnote-55)، 2018). همچنین، سیاست­گذاران و مربیان حوزه آموزش و پرورش، کارآفرینی را به­عنوان ابزار اصلی اشتغال و کنترل فرد بر آینده شغلی خویش می­دانند(بروتن و همکاران[[56]](#footnote-56)، 2018)؛ و به­طور ویژه­ای، به گسترش و توسعه مؤسسات آموزشی در جهت ترویج و آموزش تفکرات کارآفرینانه علاقمند هستند (ابسونکه[[57]](#footnote-57)، 2017).

براساس پژوهش­های انجام شده، در نظام آموزشی، صرفا آموزش کارآفرینی، افراد را به سمت انجام اعمال کارآفرینانه سوق نمی­دهد و اکثر فارغ­التحصیلان، صرفا با یک واحد آموزشی، تمایل و رغبتی به انجام فعالیت­های کارآفرینانه از خود، نشان نمی­دهند (ضیاء و وقارموسوی،1394). گرچه به عقیده برخی از پژوهشگران، کارآفرینی با برخی از عوامل ژنتیکی خاص در ارتباط است و به اعتقاد برخی دیگر، فرآیندی اکتسابی است که بر جنبه­های شخصیتی افراد کارآفرین تمرکز می­کند که در این بین، آنچه بسیار مهم است، نگرش فرد نسبت به کارآفرینی است که به آن نگرش کارآفرینی گویند. یکی از نظریات مطرح در این زمینه، نظریه نگرش کارآفرینی رابینسون و همکاران[[58]](#footnote-58)(1991) است که در جهت پیش­بینی فعالیت­های کارآفرینانه ارائه شده است و نگرش کارآفرینی را ترکیبی از سه جنبه شناختی، عاطفی و رفتاری به موضوعی کارآفرینانه می­داند(نقل ازحسین­زاده و همکاران،1400). همچنین، عوامل مؤثر بر نگرش کارآفرینی به دودسته تقسیم می­شوند: دسته اول، شامل عوامل شخصیتی کارآفرینان از جمله ویژگی­های شخصیتی آنان است و دسته دوم، دربرگیرنده عوامل بیرونی مانند دوستان، خانواده و..است(چن و لای، 2010). در این میان، برخی از مطالعات همچون پژوهش بوز و ارگنلی[[59]](#footnote-59)،(2014) نشان داده­اند که برخی از متغیرهای فردی مانند جنسیت، سن و تجربه کاری، برخی از فاکتورهای محیطی مانند خانواده و دوستان و برخی از ویژگی­های شخصیتی همچون خودکارآمدی، منبع کنترل، اعتمادبه­نفس و ریسک­پذیری بر نگرش به کارآفرینی تأثیرگذار هستند. بر این اساس، نقش خانواده به­عنوان اولین و مهم­ترین واحد اجتماعی در پرورش و تقویت روحیه خلق ایده­های نوآورانه در افراد انکارناپذیر است که بر این مبنا، می­توان مهم­ترین منشأ و نقطه آغاز نگرش کارآفرینی را به محیط خانواده نسبت داد(علی­آبادی و همکاران،1398). لذا، عوامل خانوادگی تأثیر به­سزایی در رشد حرفه­ای فرزندان خویش دارند و هر چه فرد از سبک دلبستگی ایمن برخوردار باشد؛ به مراتب بیش از دیگران، رغبت و تمایل به درگیر شدن در فعالیت­های جدید و کشف محیط پیرامون خود دارد و علاوه بر اینکه بسیار کنجکاو است، توانایی بالایی را نیز در برقراری روابط مثبت با دیگران دارد. در واقع، والدین حمایت کننده و پشتیبان، به پرورش و تربیت فرزندانی خواهند پرداخت که درجات بالایی از ثبات عاطفی، برونگرایی، معاشرت و همدلی در آنان به چشم می­خورد(پالوس و دربوت[[60]](#footnote-60)، 2010). بر این اساس، حمایت خانواده، به کمک، تشویق و مراقبت عملی از سوی خانواده که به واسطه فرد دریافت یا ادراک می­شود، اشاره دارد و منجر به تقویت رفتارهای مثبت و  
سازنده در فرزندان می­شود و آنان را برای مقابله مؤثر با مشکلات و مسائل خویش در آینده آماده می­کند (قمری و همکاران،1400).

محققانی مانند اجزن(1991) و روزنبرگ و همکاران(1960)، نگرش را به­عنوان حالتی از آمادگی یا تمایل درنظر گرفته­اند که به­طور کلی، حالتی موافق یا مخالف را نسبت به موضوع نگرش ایجاد می­کند. نگرش یک حالت درونی و آمادگی است، بدین معنی که نگرش رفتار نیست، بلکه پیش­رفتار است. نگرش کارآفرینانه را می­توان به­صورت جهت­گیری­های شخصی به­سوی فعالیت­های ارزش­افزا در آینده و خوداستخدامی در کسب­وکارهای کوچک تعریف کرد (برگر و همکاران[[61]](#footnote-61)،2005). درواقع، نگرش کارآفرینانه فرد را درگیر فرآیند کارآفرینی می­کند(شریف و سعود[[62]](#footnote-62)،2009) و تفکیک­کننده­ی کارآفرینان از غیرکارآفرینان است(لیندسی و همکاران[[63]](#footnote-63)،2007). نگرش کارآفرینی، تابعی از هرسه نوع واکنش شناختی، عاطفی و رفتاری به یک موضوع کارآفرینی مشخص است(رابینسون و همکاران[[64]](#footnote-64)،1991). نتایج پژوهش­ها نشان می­دهد که نگرش کارآفرینانه و آموزش، سبب جهت­گیری ذهنی و شخصی به سمت خوداشتغالی، کارآفرینی و مشارکت در فعالیت­های ارزش آفرین خواهد شد(برگر و ماهاده[[65]](#footnote-65)،2005؛ پیهی و باقری[[66]](#footnote-66)،2010؛ لیندسی و همکاران[[67]](#footnote-67)،2007؛ اکسلسون و همکاران[[68]](#footnote-68)، 2015).

¨نگرش، بهترین وسیله و توصیف کننده برای اقدامات کارآفرینانه  به شمار می رود.

¨داشتن نگرشهای خاص منجر به فعالیت های بیشتر در زمینه کارآفرینی می گردد.

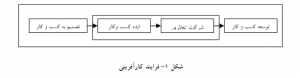
¨نگرش کارآفرینانه، نگرشی محسوب می شود که اجزای انگیزۀ پیشرفت، مرکز کنترل درونی، عزت نفس و خلاقیت را در ترکیبی با ابعاد سه گانه نگرش (شناختی، احساسی و رفتاری) دارا می باشد(اعلامی و رضایی زاده، 1396).

¨نگرش کارآفرینی به این معناست که از نظر شخص کارآفرین تا چه اندازه ایجاد کسب وکار جدید، جذاب به نظر می آید.

¨آموزشهای کارآفرینی موجب تغییر نگرش کارآفرینانه افراد شده و این خود نقطه اتکایی است تا از طریق این آموزشها بتوان نگرش کارآفرینانه افراد را تقویت کرد و به سمت رفتار کارآفرینانه سوق داد.

¨فرآیندها و برنامه های آموزشی خاص می تواند با تغییر بینش و نگرش افراد و تجهیز آنها به دانش و مهارتهای خاص، یک کارآفرین بالقوه را به کارآفرین بالفعل تبدیل کند(اعلامی و رضایی زاده، 1396).

**2-2-7-جایگاه و اهمیت نگرشهای کارآفرینانه**



شکل 2- 2:فرایند کارآفرینی برگرفته از اعلامی و رضایی زاده(1396)

¨شکل 2-2 نشان می دهد که قصد و تصمیم به کارآفرینی اولین قدم در فرآیند کارآفرینی وبروز رفتارهای کارآفرینانه است.

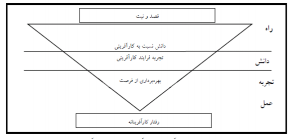
¨مدل، های نونن و همکاران درخصوص بروز رفتار کارآفرینانه: رفتار کارآفرینانه طی مراحل زیر رخ می دهد:

1-قصد و نیت راه اندازی کسب وکار یا بروز رفتار کارآفرینانه

2-کسب دانش در زمینه کارآفرینی و کسب وکار موردنظر

3-کسب تجربه در خصوص فرآیند کارآفرینی و کسب وکار موردنظر

4-جستجو برای شناخت فرصت و بهره برداری از آنها



شکل 2- 3:شکل فرایند رفتار کار آفرینانه برگرفته از قرونه و ثنایی پور،1396)

رفتار کارآفرینانه

در صورت طی شدن مراحل یاد شده، رفتارهای زیر در افراد مشاهده می شود:

¨شناسایی و به کارگیری فرصتها

¨توانایی خلاقیت و پذیرفتن ریسک های معتدل

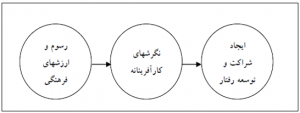
¨عبور از موانع و قوانین به منظور دستیابی به اهداف

¨تحرک زیاد برای رسیدن به یک چیز جدید یا شناسایی راهی جدید برای انجام دادن کاری

¨داشتن شور و شعف زیاد در مسیر هدف

¨استقلال طلبی زیاد

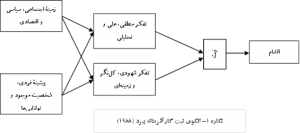
[تأثیر فرهنگ بر نگرش کارآفرینانه](https://razservat.ir/%D9%86%DA%AF%D8%B1%D8%B4%20%DA%A9%D8%A7%D8%B1%D8%A2%D9%81%D8%B1%DB%8C%D9%86%D8%A7%D9%86%D9%87)



شکل 2- 4:شکل نگرش کارآفرینانه متاثر از فرهنگ

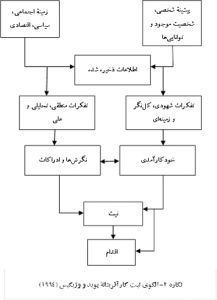
**2-2-8-الگوهای نگرش کارآفرینانه**

الف:[الگوی نیت کارآفرینانه بیرد](https://razservat.ir/%D9%86%DA%AF%D8%B1%D8%B4%20%DA%A9%D8%A7%D8%B1%D8%A2%D9%81%D8%B1%DB%8C%D9%86%D8%A7%D9%86%D9%87)



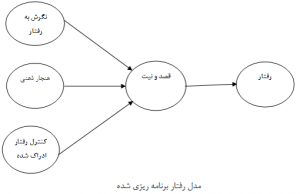
شکل 2- 5:الگوی نیت کارآفرینی بیرد 1988 برگرفته از اعلامی،11396

ب:الگوی نیت کارآفرینانه بوید و وزیکس



شکل 2- 6:الگوی نیت کارآفرینی بوید و زیکس،1994 برگرفته از اعلامی 136

[مدل رفتار برنامه ریزی شدۀ آجزن](https://razservat.ir/%D9%86%DA%AF%D8%B1%D8%B4%20%DA%A9%D8%A7%D8%B1%D8%A2%D9%81%D8%B1%DB%8C%D9%86%D8%A7%D9%86%D9%87)



شکل 2- 7:مدل رفتار برنامه ریزی شدۀ آجزن برگرفته از اعلامی،1396

از آنچه گفته شد می توان نتیجه گرفت که:

¤ شرط لازم برای بروز رفتارهای کارآفرینانه، داشتن نگرشهای کارآفرینانه و قصد کارآفرینی است(اعلامی و رضایی زاده، 1396).

**2-2-9-**[**گرایش کارآفرینانه**](https://razservat.ir/%D9%86%DA%AF%D8%B1%D8%B4%20%DA%A9%D8%A7%D8%B1%D8%A2%D9%81%D8%B1%DB%8C%D9%86%D8%A7%D9%86%D9%87)

¨مجموعه ای از روش ها، اقدامات، و سبک های تصمیم گیری است که می توان از آن برای ایجاد نوآوری استفاده کرد.

¨گرایش کارآفرینانه مفهومی چندبعدی است و نشان دهنده تمایل سازمان و یا فرد برای حفظ مزیت رقابتی و رقابت تهاجمی از طریق خطرپذیری و نوآوری در مقابل سایر رقبای تجاری است.

¨گرایش کارآفرینانه دارای پنج بعد ریسک پذیری، نوآوری، پیشگامی، رقابت تهاجمی و استقلال گرایی است.

¨گرایش کارآفرینانه ، جنبه های تصمیم گیری، رویه ها و طرز عمل یک فرد یا سازمان را برای مشخص کردن جهت گیری راهبردی و چگونگی ادارۀ یک کسب و کار یا سازمان با هم ترکیب می کند.

¨گرایش کارآفرینانه فرآیندی سازمانی است که سازمان از طریق ترکیب منابع موجود، راه های جدیدی برای توسعه و تجاری سازی محصولات جدید، حرکت به سمت بازارهای جدید و ارائه خدمات جدید به مشتریان خلق کرده و سازمان را برای بقا و عملکرد بهتر یاری می دهد(قرونه،ثنایی پور ،1396).

**2-2-10-**[**انگیزه های کارآفرینی**](https://razservat.ir/%D9%86%DA%AF%D8%B1%D8%B4%20%DA%A9%D8%A7%D8%B1%D8%A2%D9%81%D8%B1%DB%8C%D9%86%D8%A7%D9%86%D9%87)

¨انگیزه ها، عامل های درونی هستند که در ایجاد نیرو، سازمان و الگوهای خاص رفتاری نقش مهمی را انجام می دهند. انگیزه ها برای بقاء و پیشرفت موجود زنده دارای اهمیت بسیار است.

¨عوامل انگیزشی برای راه اندازی کسب وکار جدید از یک کشور به کشور دیگر، از یک زمان به زمان دیگر، از یک جنسیت به جنسیت دیگر و بالاخره از یک طبقۀ اجتماعی به طبقۀ اجتماعی دیگر متفاوت است.

¨نیاز به استقلال، اعتماد به نفس، انگیزۀ پیشرفت، پیشگامی، جاه طلبی (مثبت)، انرژی- پشتکار، غرور (مثبت)، اراده و سخت کوشی از مهمترین انگیزه های کارآفرینی به شمار می روند.

¨یکی از مهمترین انگیزه هایی که در کارآفرینی نقش دارد، دوراندیشی است(هاوینال،2009)

¨با توجه به نوع انگیزۀ کارآفرینان، می توان به دو نوع کارآفرین اشاره نمود:

الف- کارآفرین کلاسیک: این نوع کارآفرین به دنبال شناسایی فرصت هایی می باشد که از آن طریق بتواند به رشد کاری، استقلال و خودشکوفایی برسد. این نوع کارآفرینی را که نتیجه عوامل انگیزشی رانشی است، بیشتر در کشورهای توسعه یافته مشاهده می شود.

هدف اصلی عوامل انگیزشی رانشی، فرار از وضعیت موجود است.

انگیزه های رانشی عبارتند از:

1-بیکاری

2-جلوگیری از بیکاری

3-شرایط اضطرابی

4-نارضایتی از شرایط کاری مانند نوع کار و ساعت های کاری(مقیمي و همکاران، 1392).

ب- کارآفرینی از روی اجبار یا نیاز: این کارآفرینان بیشتر به دنبال امنیت شغلی هستند و راهی جز راه اندازی کسب و کار ندارند. این نوع کارآفرینی را که نتیجه عوامل انگیزشی کششی است، می توان بیشتر در کشورهای در حال توسعه مشاهده نمود.

هدف اصلی عوامل انگیزشی کششی، آینده مداری است.

انگیزه های کششی عبارتند از:

\* کسب اعتبار و شهرت                         \* وقت آزاد

\* تعادل کار و زندگی                            \* رئیس خود بودن

\* مخاطره پذیری، استقلال                   \* ابتکار عمل

\* پیاده نمودن ایده های خود                \*درآمد مناسب

\* موفقیت                                       \* جذابیت کار

\* خودشکوفایی                                \*فرصت گرایی(خشکاب و رستگار، 1392).

**2-3-مهارت­های زندگی**

**2-3-1-مفهوم مهارت های زندگی**

مهارت­های زندگی به مهارت­هایی گفته می­شود که به ارتقای بهداشت روانی افراد جامعه، غنای روابط انسانی، افزایش سلامت و رفتارهای سلامتی در سطح جامعه منجر می­گردند و فرد را قادر می­سازند تا به طور مؤثر با مقتضیات و کشمکش­های زندگی روبه­رو شود. یادگیری این مهارت­ها برای همه افراد جامعه ضروری است، اما در سنین نوجوانی و جوانی اهمیت ویژه­ای دارد. همزمان با رشد جسمانی و روانی، انتظار جامعه و خانواده نیز از فرد نوجوان و جوان افزایش می­یابد؛ به­طوریکه آن­ها می­پذیرند به سبب زندگی اجتماعی، بخشی از تمایلاتخود را محدود کنند و در چارچوب هنجارهای اجتماعی و گروهی قرار گیرند(فضلی­زاده و معصومی­فرد، 2020). در این خصوص نوجوانان و جوانانی که شیوه­های صحیح رفتاری را فرا نگرفته باشند و مهارت­های لازم را در جهت تطبیق خود با خانواده و جامعه نیاموخته باشند، با آسیب­های جدی و متعدی روبه­رو خواهند شد. از اینروقابل ذکر است که به زعم عموسلطانی و همکاران، 2021) آموزش مهارت­های زندگی، بخش مهمی از برنامه درسی اکثر نظام­های آموزشی دنیا را تشکیل می­دهد. اهمیت مهارت­های زندگی برای مواجهه با مسائل و مشکلات زندگی روزمره و تأثیر آن بر بهبود زندگی فردی و اجتماعی و افزایش توانمندی افراد، سبب شده است تا این موضوع در برنامه های درسی مدارس در اکثر نظام­های آموزشی مورد توجه قرار گیرد. مهارت­های زندگی اساسا یک مبنای رشدی اساسی را از خانوادگی، تحصیلی، اجتماعی و شغلی نیازمند به مهارت و کارایی در مهارت­های زندگی دارد(منطق و قلتاش،2020).

با این وجود، علی­رغم ایجاد تغییرات عمیق فرهنگی در شیوه زندگی، بسیاری از دانش­آموزان در رویارویی با مسایل زندگی فاقد مهارت­ها و توانایی­های لازم و اساسی­اند و آموزش­های سنتی و مرسوم در قالب یادگیری­های درون مدرسه­ای نتوانسته­اند آن­ها را در حل مسایل زندگی یاری کند. همین موضوع آنان را در مواجهه با مسائل و مشکلات زندگی روزمره و مقتضیات آن در حال و آینده آسیب­پذیر کرده است. علاوه بر این، عدم آگاهی از مهارت­های زندگی زمینه ساز بسیاری از آسیب­های اجتماعی خواهد بود. از اینرو، بررسی مهارت­های زندگی دانش­آموزان به­عنوان آینده­سازان جامعه امری ضروری است. با توجه به اینکه دانش­آموزان نیز همانند سایر افراد جامعه در معرض و تحت تاثیر آسیب­های اجتماعی ناشی از عدم آگاهی از مهارت­های زندگی قرار دارند، لذا آموزش مهارت­های زندگی در سطح آموزش و پرورش برای کسب دانش در زمینه مهارت­های زندگی موجب ایجاد نگرش و ارزش­های مثبت در فرد می­شود؛ و این نگرش منجر به رفتارهای مثبت شده و در نتیجه مانع بروز مشکل و ارتقای بهداشت روانی جامعه می­شود. علاوه بر این از آنجا که ماهیت و تعریف مهارت­های زندگی در کشورها و فرهنگ­های گوناگون متفاوت است، بررسی و ارائه مدل مهارت­های زندگی بومی و جامع مبتنی بر استاندارهای جهانی و با درنظر گرفتن ویژگی­های کشور ضروری به نظر می­رسد. آموزش مهارت­های زندگی از ضرورت­های اساسی در امر آموزش بهداشت است تا عوامل اجتماعی مانند عزت نفس، خود پنداره، شبکه­های­ حمایت اجتماعی و اسـترس مؤثر بر رفتار کودکان، نوجوانان مورد توجه قرار گیرند. برنامه مهارت­های زندگی بر این اصل استوار است که کودکان و نوجوانان و جوانان حق دارند توانمند شوند و نیاز دارند که بتوانند از خودشان و علایق­شان در برابر موقعیت­های سخت زندگی دفاع کنند(خانی­فر و همکاران، 2021).

مهارت­هاي زندگی مجموعه­اي از توانایی­هایی است که زمینه­هاي سازگاري و رفتار مثبت و مفید را  
فراهم می­آورند(طارمیان،1387). مهارت­هاي زندگی مهارت­هایی­اند که به­منظور ارتقا و سطح ارتباط، افزایش قدرت تصمیم­گیري، ارتباط با دیگران، یادگیري درك خود و کار در گروه، استفاده می­شوند(ادیب،1382). یونیسف(2003) بیان می­کند مهارت زندگی به گروه بزرگی از مهارت­هاي روانی، اجتماعی و میان­فردي گفته می­شود که می­تواند به افراد کمک کند تا تصمیماتشان را با آگاهی اتخاذ کنند، به طور مؤثر ارتباط برقرار کنند، مهارت­هاي مقابله­اي و مدیریت شخصی خود را گسترش دهند و زندگی سالم و بارآور داشته باشند. مهارت­هاي زندگی، مجموعه­اي از توانایی­هایی است که قدرت سازگاري، رفتار مثبت وکارامد را افزایش می­دهد. در نتیجه، شخص قادر می­شود بدون صدمه زدن به خود یا دیگران، مسئولیت­هاي مربوط به نقش تحلیل رابطۀ بین مهارت زندگی و مسئولیت­پذیري دانشجویان دانشگاه  
اجتماعی خود را بپذیرد و با چالش­ها و مشکلات روزمرة زندگی به شکل مؤثر روبه­رو شود(پیتمن[[69]](#footnote-69)،  
2004). در واقع؛ هدف نهایی مهارت­هاي زندگی این است که افراد، مسئولیت برتري و شایستگی فردي خویش را بپذیرند. این شایستگی فردي شامل احساس کفایت و شایستگی سطح بالا، سلامت روانی، خود شکوفایی و پذیرش مسئولیت فردي می­باشد.

یانکا[[70]](#footnote-70)(2008) مهارت­هاي زندگی را در 10 مهارت تصمیم­گیري، حل مسئله، تفکر خلاق، تفکر نقاد، توانایی برقراري ارتباط مؤثر، ایجاد و حفظ روابط بین فردي، خودآگاهی، همدلی کردن، مقابله با هیجان­ها و مقابله با استرس خلاصه می­کند. کومار[[71]](#footnote-71)(2009) علاوه بر این، مهارت ابراز وجود، وقار و متانت و مهارت آرامش را نیز به مهارت­هاي زندگی اضافه می­کند. گفتنی است که آنچه به مهارتهاي زندگی«مشهور است، حاصل کار پژوهشگران عصر حاضر نیست، بلکه بسیاري از این مهارت­ها در لابه­لاي تعالیم الهی، به درخصوص قرآن کریم و احادیث معصومین(ع) بیان شده است. عبارت مشهور«من عرف نفسه فقد عرف ربه» از امام علی(ع)، سرلوحۀ بهره­مندي از یک زندگی مطلوب و مؤثر است و مهارت­هاي­ زندگی، بدون «خودشناسی» بی­معناست. به عبارت دیگر؛ مهارت­هاي زندگی، افراد را قادر می­سازد دانش، نگرش و ارزش­هاي وجودي خود را به توانایی­هاي واقعی و عینی تبدیل کنند و بتوانند از نیروهاي وجودي در جهت شادابی و شادکامی و ایجاد زندگی مثبت براي خود و دیگران بهره گیرند. این یعنی احساس بودن و گام برداشتن به سمت بهترشدن و توانمندشدن درجهت کاهش آسیب­هاي فردي و اجتماعی (طارمیان، 1387).

مهارت­های زندگی شامل گروه بزرگی از مهارت­های روان­شناختی- اجتماعی و بین­فردی است که توانایی کمک به افراد در ساحت تصمیم­گیری شخصی، گفتگوهای موثر و تکامل الگوبرداری و مهارت­های خودمدیریتی را دارد و ممکن است آن­ها در هدایت به سوی زندگی سالم یاری رساند. علاوه بر این رویکرد، مهارت­های زندگی، رویکرد مبتنی بر تغییر رفتار یا شکل­دهی رفتار است که برقراری توازن میان سه حوزه دانش، نگرش و مهارت را مدنظر قرار می­دهد(یونیسف، 2005).

**2-3-2- تاریخچه مهارت­های زندگی**

آموزش مهارت­های زندگی در سال 1979و با اقدامات آقای دکتر گیلبرت­بوتوین[[72]](#footnote-72) آغاز شد. وی در این سال یک مجموعه آموزش مهارت­های زندگی برای دانش­آموزان کلاس هفتم تا نهم تدوین نمود که با استقبال فراوان متخصصان بهداشت روان مواجه گردید. این برنامه آموزشی به نوجوانان یاد می داد که چگونه با استفاده از مهارتهای رفتار جرات­مندانه ،تصمیم­گیری و تفکر نقاد در مقابل وسوسه یا پیشنهاد سوء مصرف مواد از سوی همسالان مقاومت کنند. هدف بوتوین طراحی یک برنامه واحد پیشگیری اولیه بود. مطالعات بعدی نشان داده آموزش مهارت­های زندگی در صورتی به نتایج مورد نظر ختم می­شود که همه مهارتها به فرد آموخته شود. پژوهش­ها حاکی از آن بودند که این برنامه در پیشگیری اولیه چندین نوع مواد مخدر از جمله سیگار موفق بوده است.

مرور مطالعات انجام شده نشان می­دهد که برنامه­های پیشگیری مبتنی بر آموزش مهارت­های زندگی، بسیار مؤثرتر از گرایش­های سنتی است. مثلا پری و کلدر[[73]](#footnote-73)(1992 به نقل از برماس و همکاران) دریافتند که گرایش­های جامع در پیشگیری از سوءمصرف مواد شامل آموزش مهارت­های زندگی برای ارتقای توانایی­های اجتماعی در به تعویق انداختن شروع مصرف الکل و ماری­جوانا بسیار مؤثرتر از گرایش های مبتنی بر ارائه دانش و اطلاعات و گرایش های مبتنی بر رهبری همسالان بوده­اند.

# 2-3-3 نظریات مرتبط با مهارت های زندگی

نظریات مرتبط با مهارت های زندگی را مي‌توان در روانشناسي، مشاوره و علوم‌تربيتي جستجو كرد. در روان ‌شناسي، نظريه‌ بويژه نظريه رشد جامع كه بر چهار جنبه اساسي رشد (جسمي، ذهني، عاطفي، اجتماعي) به صورت متعادل تأكيد دارد. نظريه‌هاي يادگيري از جمله نظريه‌ي يادگيري اجتماعي بندورا و نيز در دهه اخير نظريه‌هاي هوش هيجاني، پايه‌هاي نظري مهارت‌هاي زندگي را تشكيل مي‌دهد. یادگیری اجتماعی (رشد مهارت­های اساسی اجتماعی) یک عامل درمانی است که در تمامی گروه های درمانی به آن عمل می­شود، هر چند که ماهیت مهارت­های آموخته شده و صراحت فرآیند آن به تناسب نوع درمان گروهی تغییر می­کند. در برخی از گروهها؛ برای مثال در گروه زوج­ها، بر رشد مهارت­های زندگی بسیار تأکید می­شود. گروه های پویا که دارای قوانین اساسی هستند بازخوردهای صریح را تشویق می­کنند و در نتیجه مراجعان، اطلاعات قابل ملاحظه ای را درباره­ی رفتار نامطلوب اجتماعی خود به دست می­آورند. برای افرادی که قادر به برقراری رابطه نیستند، گروه ابتدا به ساکن برای بازخورد دقیق از روابط میان فردی در مورد او فرصت را غنیمت می­داند. سالها احساس فرد فقط این بوده است که یا دیگران از او دوری به مراتب فراتر از صرف شناخت و تغییر رفتار اجتماعی فرد است، اما کسب مهارت­های اجتماعی اغلب ابزاری قوی در مراحل نخستین تغییرات درمانی به حساب می­آید. به طور کلی اعضا می­توانند در گروه های درمانی، مهارت­های اجتماعی لازم را کسب کنند؛ مهارت­هایی هم چون کمک به دیگران، روش­های مقابله با تعارض گرایش کمتر به داوری و قضاوت و در نهایت توانایی بیشتر در دست یافتن همدلی و بیان دقیق آن به دیگران. بی­شک این گونه مهارت­ها در تعامل­های اجتماعی آینده­ی افراد گروه کمک بزرگی خواهد بود.

در مشاوره، نظريه‌هاي مشاوره مراجع- محور كه به ايجاد توانمندي در مراجع تأكيد دارد، نظريه‌هاي شناخت، رفتار­درماني كه بر افزايش آگاهي و تغييرات رفتاري مراجع مبتني است و نيز نظريه‌هاي مشاوره گروهي كه بر پويايي گروه و نقش آن در درمان تأكيد دارد، تأثيرات فراواني در برنامه­‌ريزي مهارت‌هاي زندگي داشته است. در علوم‌تربيتي، الگوهاي آموزشي كه براي كودكان ونوجوانان پيشنهاد شده است از جمله الگوي آموزشي واكر و الگوي مهارت‌هاي رشد عاطفي شناختي اجتماعي كوپر و گاردنر در توسعه برنامه‌هاي مهارت‌هاي زندگي، نقش مؤثري داشته‌اند. پایه اصلی نظری در مهارت­های زندگی متعلق به رویکرد شناختی- رفتاری است. درمان شناختی رفتاری برای نخستین بار در اواخر دهه 50 و ابتدای دهه 60 میلادی و طی دو حرکت موازی توسط آلبرت و آرون تی بک در امریکا آغاز شد.

درمان شناختی رفتاری از ابتدای ظهور خود با چالشی عظیم روبرو بود ولی چهار راهبرد یا ویژگی اصلی درمان شناختی رفتاری باعث دوام و بقای این نظریه شود.

1. درمان شناختی رفتاری در طول رشد و تحول خود شواهد تجربی، بالینی و پژوهشی بسیاری دال بر کارآمدی خود فراهم نمود. این درمان از همان ابتدای شکل­گیری با پژوهش عجین شد و شروع به جمع­آوری شواهد عینی در تأیید کارآمدی، کارآیی و مقرون و به صرفه بودن خود کرد.
2. نظریه شناختی رفتاری از همان ابتدا تلاش کرد تا پشتوانه­های قدرتمندی در فلسفه و دانش عمومی روان­شناسی برای خود فراهم کند. به این ترتیب درمان شناختی رفتاری به لحاظ فلسفی نظریه­ای پدیدارشناختی و ساخت گرا به شمار می­رود و از روانشناسی شناختی جرج کلی و نظریه اجتماعی آدلر نیز بسیار تأثیر پذیرفته است.
3. نظریه شناختی رفتاری در مراحل مختلف رشد خود به جای موضع گرفتن در مقابل نظریه­های رقیب سعی کرد تا حد امکان، مدل­های موجود را با مدل شناختی رفتاری تلفیق نماید. تا جایی که رویکرد کنونی شناختی رفتاری، در واقع حاصل ادغام مدل شناختی بخش­هایی از نظریه رفتاری است. بسیاری از مؤلفه­های اصلی نظریه رفتاری مثل پیشامد پسایند، ارزیابی عینی و تغییر رفتار هم اکنون جزو مفاهیم اصلی مدل شناختی رفتاری نیز به حساب می­آید. بسیاری از فنون کلاسیک نظریه رفتاری نظیر آرام سازی آموزش مهارت­های زندگی، رویارویی همراه با جلوگیری از پاسخ نیز به خوبی با فنون شناختی ادغام گردیده­اند. به همین دلیل هم اکنون از رویکرد شناختی- رفتاری به عنوان یک نظریه گسترده یاد می­شود که چندین مدل را دربرمی­گیرد. شناخت درمانی (بومین و همکاران، 2013)، درمان منطقی هیجانی رفتاری (الیس، 2002)، شناخت درمانی مبتنی بر حضور ذهن (سگال و همکاران، 2002)، درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد (هیز و همکاران، 1999)، درمان فراشناختی (ولز و همکاران، 2002، 2006؛ دیوی و همکاران، 2006)، رفتار درمانی دیالکتیک، (لینهان، 1993)و طرحواره درمانی (یانگ و همکاران، 2003) از جمله این مدل­ها به شمار می­روند.اگر چه هر یک از این رویکردها سهم و نقش خاص خود را در توسعه علم داشته­اند، ولی فصل مشترک آنان آنقدر هست که همچنان بتوان از یک نظریه واحد مبنایی تحت عنوان نظریه شناختی رفتاری صحبت کرد.
4. نظریه شناختی رفتاری یک نظریه علمی است؛ بنابراین مشمول اصل ابطال پذیری بوده و در نتیجه قابل تعدیل و تغییر است. به همین دلیل طی سالیان گذشته این نظریه در نتیجه­ی پژوهش­های مکرر، حک و اصلاح شده و بخش­هایی از نظریه شناختی رفتاری تغییرات چشمگیری کرده­اند. برآیند این تغییرات، اصلاح، پختگی و بسط علمی و بالینی این نظریه بوده است. این نظریه ابتدا برای تبیین و درمان افسردگی ابداع شده بود، خیلی زود به کلیه اختلالات هیجانی بسط یافت و به سرعت به ارائه مدل تبیین، مفهوم پردازی و نیز راه­کار درمانی برای سایر موضوعات نیز پرداخت. برای مثال درمان شناختی رفتاری پروتکل­هایی برای درمان اختلالات مختلف معرفی کرده و در پژوهش­های مختلف اثربخشی آن در حیطه­های مختلف مورد تأیید قرار گرفته است. اختلالات شخصیت، خودکشی، سوءمصرف مواد، اسکیزوفرنیا، اختلات خلقی دو قطبی، انواع اختلالات اضطرابی، حوزه روانشناسی سلامت، ارتقای بهداشت روان، پیشگیری از اختلالات روانی، درمان بیماران مقاوم به درمان و زوج درمانی و خانواده درمانی از جمله این حیطه ها به شمار می­روند.

**مبانی نظری گروه درمانی**

لازم است هر آموزشگر گروهی نخست چهارچوب نظری هر یک از رویکردهای مشاوره­ای یا درمانی را که از آن پیروی می­کند، مشخص نماید، تعریف، مفاهیم، اصول و کارکرد آن ها را بخوبی بشناسد، بتواند به آن ها عمل کند و در مرحله­ی بعد آن ها را در مورد کار با گروه اجرا نماید. دیدگاه­های شناخته شده در زمینه گروه درمانی از دیدگاه نوابی نژاد (1390) به اختصار عبارتند از:

1. **دیدگاه مک دوکال**

مک دوگال (1920) معتقد است گروه می تواند دو نوع باشد: سازمان یافته و سازمان نیافته. در گروه سازمان نیافته افراد هیجان زده، ناسازگار و ناهم گونند،در حالیکه همین افراد در گروه سازمان یافته با یک رهبری صحیح می­توانند همگون، سازگار و بسیار مؤثر و مفید باشند.

1. **دیدگاه فروید**

فروید (1921) در گروه بر نقش مؤثر رهبر تأکید دارد. عوامل درون گروهی مانند درمان طولانی مدت یا کوتاه مدت، گروه همگن یا ناهمگن را مطرح و واژه همانند سازی را به منزله­ی یکی از پدیده­های اصلی در گروه وارد می­سازد و از مفاهیم مهم دیگری چون همدلی، تقلید و ارتباط نام برد.

1. **دیدگاه مورنو**

مورنو کار خود را با مفهوم ایفای نقش شروع می­کند که شامل نمایش، تخلیه روانی و خلاقیت است. مورنو مبتکر رویکرد سایکودراما است که در آن اعضا درقالب ایفای نقش به تخلیه روانی خویش می­پردازند.

1. **دیدگاه اسلاوسون**

اسلاوسون بر قدرت و استقلال فردی در گروه تأکید می­ورزد و معتقد است هر فرد در گروه موجود مستقلی است که با حفظ فردیت و هویت خود با استفاده از پویاییهای گروهی به تغییر و اصلاح رفتار نایل می­شود.

1. **دیدگاه لوین**

لوین معتقد است کشمکش در گروه اجتناب ناپذیر است و فرد می­کوشد در گروه فضایی برای خویش بدست آورد و با توجه به نیازهای خود برای به دست آوردن چنین محدوده­ای با تعارض و کشمکش مواجه می­شود. در صورتی که گروه کمتر فعال باشد و از اتحاد و همبستگی لازم برخوردار نباشد، تنش در افراد افزایش می­یابد. لوین همچنین معتقد است نقش رهبری در گروه مهم است؛ زیرا اوست که ارتباطها را کنترل می­کند و وحدت و یکپارچگی گروه را انسجام می­بخشد.

هر تحلیلی از جریان و فرآیند گروهی با گذشت زمان در معرض تغییرات بنیادی قرار خواهد گرفت، با این حال بحث و تحلیل از این جهت که روشنگر موقعیت کنونی کار گروهی و امید به بهبود و پیشرفت آن است، ضرورت دارد. هر نویسنده یا صاحب نظری، نظریه ویژه خود را نظریه­ای معنی­دار در زمینه یادگیری می­داند. هر چند همگان بر این حقیقت که جریان و فرآیند گروهی تحت­الشعاع علاقه کمتری به مبانی روانی جریان مشاوره ابراز می­دارند تا خود جریان مشاوره گروهی. بنابراین تغییر و تفسیر نهایی و نظریه عملی موضوعی کاملاً فردی خواهد بود. جریان مشاوره گروهی احتمالاً آزادتر یا مستبدانه­تر از آن چه رهبر گروه می­خواهد انجام می­شود. رهبری که از صداقت برخوردار است، بیشتر می تواند به اعضای گروه کمک کند.

فرد قدرت­طلب، رهبر قدرت طلب و فرد مورد اعتماد و پذیرا، رهبری پذیرا و مورد اعتماد خواهد شد. راجرز این مطلب را این گونه خلاصه می­کند که «هرگاه مشاور به گونه­ای رفتار کند مطابق طبع و ماهیت وی نیست و صرفاً تظاهر به آن کند» گروه آن را کاملاً احساس می­نماید و این بی­صداقتی مشاور به محیط گروهی آسیب می­رساند.

مؤثرترین انواع گروهها بویژه از نظر مربیان و مشاوران عبارتند از: گروه های قدرت مدار آزادمنشانه و گروه- مدار. این گروهها در واقع نمایانگر نظرهای گوناگون و امکانات تربیتی و مشاوره گروهی است. گروه های سه گانه فوق تحت عنوان “نظریه منفرد” که یک نظریه یادگیری است و شیوه­های همخوان با فرضیه­های آن نظریه بررسی می­شود. کلیه گروهها محتوای نظریه­ای داشته و هر یادگیری بیشتر جنبه درمانی دارند. برخی از گروهها به علت تأکید بر محتوای یادگیری بیشتر جنبه تربیتی و آموزشی و پاره­ای به علت تأکید بر خودشناسی و دیگرشناسی و حل تعارضها در اعضای گروه نیز جنبه درمانی دارند. در طول هر جلسه گروه می تواند بین دو قطب تربیتی و درمانی حرکت کند و در پایان هر جلسه می­توان نقطه مورد تأکید را به خوبی دریافت.

**2-4-پیشینه تحقیق**

**2-4-1-پژوهش های انجام شده در داخل کشور:**

حسن­­زاده (1401)، مقاله­ای را با عنوان [اثربخشی آموزش باورهای ارزش شناختی بر مسئولیت پذیری دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهر ماکوانجام داده که باتوجه به نتایج پژوهش می­توان گفت که میانگین گروه آزمایش با مقدار اتای 283 بالاتر از میانگین گروه کنترل می­باشد. یافته­ها نشان داد که بین دو گروه ازلحاظ متغیر وابسته تفاوت معنی­داری وجود دارد. مطابق با نتایج این بررسی، با تمرکز بر آموزش باورهای ارزش شناختی، می­توان مسئولیت­پذیری دانش­آموزان را ارتقا داد.](https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1911649/%D8%A7%D8%AB%D8%B1%D8%A8%D8%AE%D8%B4%DB%8C-%D8%A7%D9%85%D9%88%D8%B2%D8%B4-%D8%A8%D8%A7%D9%88%D8%B1%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%A7%D8%B1%D8%B2%D8%B4-%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%AE%D8%AA%DB%8C-%D8%A8%D8%B1-%D9%85%D8%B3%DB%8C%D9%88%D9%84%DB%8C%D8%AA-%D9%BE%D8%B0%DB%8C%D8%B1%DB%8C-%D8%AF%D8%A7%D9%86%D8%B4-%D8%A7%D9%85%D9%88%D8%B2%D8%A7%D9%86-%D8%AF%D9%88%D8%B1%D9%87-%D8%AF%D9%88%D9%85-%D9%85%D8%AA%D9%88%D8%B3%D8%B7%D9%87-%D8%B4%D9%87%D8%B1-%D9%85%D8%A7%DA%A9%D9%88)

هدایتی (1401)، مقاله­ی با عنوان [مسئولیت­پذیری اجتماعی و دانش­آموزان دوره ابتدایی (به روش تحلیل اسنادی) انجام داده اند که یافته ها نشان داد عوامل فردی، اجتماعی، آموزشی، تربیتی، اخلاقی، فرهنگی، قانونی، اقتصادی و زیستی، مهم ترین عوامل تاثیرگذار بر مسئولیت پذیری اجتماعی دانش آموزان می باشند. بنابراین، در پسا کرونا، توجه به این عوامل و مولفه ها سبب می شود که روحیه تعهد، مسیولیت پذیری، تلاش و پشتکار در دانش آموزان دوره ابتدایی پرورش یافته تا بتوان نیروهای فعال و مولدی را برای فعالیت در عرصه های مختلف اجتماع تربیت نمود.](https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1908519/%D9%85%D8%B3%DB%8C%D9%88%D9%84%DB%8C%D8%AA-%D9%BE%D8%B0%DB%8C%D8%B1%DB%8C-%D8%A7%D8%AC%D8%AA%D9%85%D8%A7%D8%B9%DB%8C-%D9%88-%D8%AF%D8%A7%D9%86%D8%B4-%D8%A7%D9%85%D9%88%D8%B2%D8%A7%D9%86-%D8%AF%D9%88%D8%B1%D9%87-%D8%A7%D8%A8%D8%AA%D8%AF%D8%A7%DB%8C%DB%8C-%D8%A8%D9%87-%D8%B1%D9%88%D8%B4-%D8%AA%D8%AD%D9%84%DB%8C%D9%84-%D8%A7%D8%B3%D9%86%D8%A7%D8%AF%DB%8C)

تقی­پور و کوچ­پی­ده (1400)، مقاله­ای را با عنوان [شناسایی عوامل تاثیر گزار بر مسئولیت پذیری اجتماعی دانش آموزان متوسطه شهرستان نوشهر انجام داده­ و به این نتیجه دست یافته­اند که عوامل تاثیرگذار بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانش آموزان شناسایی که سهم هریک از عوامل بر اساس آمارهt در سطح معنی‌داری تایید و عوامل عزت نفس« احساس تعلق، احساس امنیت، تعهد درونی، تعهد بیرونی» شناسایی شدند.](https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1804753/%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%B3%D8%A7%DB%8C%DB%8C-%D8%B9%D9%88%D8%A7%D9%85%D9%84-%D8%AA%D8%A7%D8%AB%DB%8C%D8%B1-%DA%AF%D8%B2%D8%A7%D8%B1-%D8%A8%D8%B1-%D9%85%D8%B3%DB%8C%D9%88%D9%84%DB%8C%D8%AA-%D9%BE%D8%B0%DB%8C%D8%B1%DB%8C-%D8%A7%D8%AC%D8%AA%D9%85%D8%A7%D8%B9%DB%8C-%D8%AF%D8%A7%D9%86%D8%B4-%D8%A7%D9%85%D9%88%D8%B2%D8%A7%D9%86-%D9%85%D8%AA%D9%88%D8%B3%D8%B7%D9%87-%D8%B4%D9%87%D8%B1%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86-%D9%86%D9%88%D8%B4%D9%87%D8%B1)

[محمدزاده](https://jest.srbiau.ac.ir/?_action=article&au=92420&_au=%D8%B4%DB%8C%D9%85%D8%A7++%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF%D8%B2%D8%A7%D8%AF%D9%87) [و سلیمان­پورعمران](https://jest.srbiau.ac.ir/?_action=article&au=75729&_au=%D9%85%D8%AD%D8%A8%D9%88%D8%A8%D9%87++%D8%B3%D9%84%DB%8C%D9%85%D8%A7%D9%86+%D9%BE%D9%88%D8%B1%D8%B9%D9%85%D8%B1%D8%A7%D9%86) (1399)، مقاله­ی با عنوان بررسی میزان تأثیر آموزش شهروندی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مهارت زیست‌محیطی و مهارت اجتماعی را انجام داده و به این نتیجه دست یافته­اند که با توجه به نتایج تحلیل عاملی در مرحله پس‌آزمون بر روی گروه آزمایش، آموزش شهروندی بیشترین تأثیر را بر روی مسئولیت‌پذیری داشته است. بنابراین هرچه آموزش شهروندی افزایش یابد مسئولیت‌پذیری کارکنان نسبت به دو مؤلفه (مهارت‌های اجتماعی و زیست‌محیطی) بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرد و ارتقا می‌یابد.

آقا محمدی(1399)پژوهشی با عنوان طراحی الگوی مفهومی تأثیر مؤلفه های آموزش کارآفرینی بر ایجاد نگرش کارآفرینانه به این نتیجه رسیدند که ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی؛ سیاست و خط‌مشی آموزشی؛ فضا و تجهیزات آموزشی؛ شیوه و سبک آموزشی معلمان؛ سبک رهبری مدیران؛ ویژگی‌های معلمان؛ دوستان و هم‌سالان؛ محتوا و برنامه درسی می باشد

سیمیاری و همکاران(1398)پژوهشی با عنوان ضرورت پرورش نگرش کارآفرینی در دانش‌آموزان داده اند که یافته‌های پژوهش نشان داد که نگرش عامل اساسی بروز تفاوت بین کارآفرینان و غیرکارآفرینان است. نگرش‌ها اکتسابی هستند و آموزش کارآفرینی از سنین آغازین تحصیل موجب ایجاد نگرش مثبت و علایق کارآفرینانه در دانش‌آموزان می‌شود، زیرا آنها یاد می‌گیرند که افرادی با اعتماد به نفس بالا و فرصت‌شناس باشند. در نتیجه تمایل بیشتری به راه‌اندازی کسب و کارهای مستقل خواهند داشت.

پوروایی و همکاران (1397)، مقاله­ی با عنوان تاثیر آموزش­هاي رسمی کارآفرینی بر قصد کارآفرینی دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه علوم کشاورزي و منابع طبیعی گرگان) انجام داده اند که نتایج نشـان داد بـین دو گروه دریافت­کننده و غیردریافت­کننده آموزش رسمی کارآفرینی تفاوت معنی­داري از نظر قصد کارآفرینی وجود ندارد. توجه به گسترش محیط آموزش به محیط واقعی کسب و کار و تعامل نزدیک دانشجویان با افراد بـا تجربـه بـا هـدف تقویت قصد کارآفرینی دانشجویان، از جمله پیشنهادهاي این مطالعه است.

شریعت­باقری و نیک­پور (1397)، مقاله­ای با عنوان تاثیر آموزش مهارت های اجتماعی - ارتباطی بر مسئولیت پذیری و سازگاری دانش آموزان انجام داده و به این نتیجه دست یافته­اند که آموزش مهارت­های اجتماعی- ارتباطی به طور معناداری، باعث افزایش مسئولیت پذیری و سازگاری با مدرسه در دانش­آموزان می­شود. به عبارت بهتر با شرکت در جلسات آموزش مهارت­های اجتماعی- ارتباطی، سطوح مسئولیت پذیری و سازگاری با مدرسه در دانش آموزان افزایش می­یابد.

اشرفی و نجفی هزار جریبی(1396)پژوهشی با عنوان اثربخشی آموزش کارآفرینی بر مسیر شغلی دانشآموزان انجام داده اند که نتایج نشان داد ميانگين متغير مسير شغلی دانش آموزان و زير مقياسهای دانش كارآفرينی، نگرش نسبت به كارآفرينی بهعنوان مسير شغلی و انتخاب كارآفرينی بهعنوان مسير شغلی بيشتر از گروه كنترل بوده است اما در ميانگين زير مقياس دانش مسيريابی شغلی تفاوت معنیداری بين دو گروه آزمايش و كنترل وجود ندارد

احتشام زاده و همکاران(1393) در پژوهشی با عنوان تاثیر آموزش مهارت های زندگی بر مسئولیت پذیری و عزت نفس دانش آموزان دختر به این نتیجه رسیدند که مهارت های زندگی باعث افزایش مسئولیت پذیری و افزایش عزت نفس دانش آموزان می شود.

طهرانی مقدم و شریعت باقری(2017)پژوهشی با عنوان مسئولیت پذیری و راهکارهای ارتقاء آن در دانش آموزان نوجوان انجام داده اند که نتایج نشان داد مسئولیت پذیری اجتماعی نوجوانان از مهمترین اهداف و وظایف والدین در نظام خانواده و آموزش و پرورش می باشد.

**2-4-2-پژوهش های انجام شده در خارج از کشور:**

واسیلزوک [[74]](#footnote-74)و همکاران (2022)پژوهشی با عنوان نگرش جوانان به کارآفرینی در کشورهای اروپای شرقی و مرکزی: جنبه جنسیتی انجام داده اند که نتایج نشان می‌دهد که دانشجویان پسر مصمم‌تر برای راه‌اندازی شرکت‌ها هستند. با این حال، تفاوت در مقایسه با زنان تنها 3.3٪ است. هیچ تفاوت جنسیتی در دیدگاه جذابیت اداره کسب و کار شخصی یا درک تهدیدات در اداره یک کسب و کار مشاهده نشد. دانش آموزان هر دو جنس فکر نمی کنند که کار در یک شرکت جذاب تر از یک تجارت خانوادگی باشد. با این وجود، پاسخ دهندگان هر دو جنس حداکثر امتیاز را برای این بیانیه که شرکت ها فرصت های عالی تری برای توسعه شایستگی ها ارائه می دهند، دادند.

اوگاندیپ و همکاران(2022)پژوهشی با عنوان خودکارآمدی کارآفرینی و مهارت های اجتماعی به عنوان عوامل تعیین کننده مطالعات اجتماعی نگرش معلمان به آموزش کارآفرینی در جنوب غربی نیجریه انجام داده اند که یافته ها نشان داد که خودکارآمدی معلمان قبل از خدمت (r = 0.310)، با نگرش آنها به مفاهیم کارآفرینی در مطالعات اجتماعی رابطه مثبت دارد و همچنین نشان داد که معلمان پیش از خدمت مهارت های اجتماعی (120/0 = r) با نگرش آنها به مفاهیم کارآفرینی در مطالعات اجتماعی رابطه ضعیف مثبتی داشتند. بر اساس این یافته‌ها، پیشنهاد می‌شود که اساتید برای بهبود نتایج یادگیری در آموزش کارآفرینی در میان معلمان آموزش‌های اجتماعی به این عوامل توجه کنند.

الا گوانگشین­خو و همکاران[[75]](#footnote-75) در سال(2022) مقاله­ای را با عنوان نقش واسطه ای مسئولیت اجتماعی شرکتی در حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت بررسی نموده و به این نتیجه دست یافته اند که مسئولیت اجتماعی شرکتی تا حدی واسطه رابطه بین حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت در نمونه کامل است. علاوه بر این، اثر میانجی گری در مشاغل خانوادگی قوی تر از مشاغل غیر خانوادگی است. این امر این حدس را تأیید می کند که مشاغل خانوادگی در جستجوی ثروت اجتماعی-عاطفی، به احتمال زیاد حاکمیت شرکتی را برای اطمینان از مسئولیت اجتماعی شرکت اجرا می کنند، بنابراین عملکرد شرکت در آینده را افزایش می دهند. این یافته‌ها بینش‌هایی را برای همه ذینفعان، از صاحبان کسب‌وکار گرفته تا تنظیم‌کننده‌ها و سیاست‌گذاران، با هدف بهبود و حفظ عملکرد کسب‌وکار فراهم می‌کند.

پل دبلیو گریمز و همکاران[[76]](#footnote-76) در سال(2022)، مقاله­ی آموزش مهارت های زندگی مالی و نتایج بازار کار در اندونزی را بررسی نموده و نتایج طولی نشان می‌دهد که خودکارآمدی و رفتارهای مالی از قبل از آموزش تا دو سال پس از آموزش بهبود یافته است و تحلیل رگرسیون لجستیک همبستگی معنی‌داری را بین خودکارآمدی و رفتارهای مالی با یافتن شغل جدید یا بهتر پیدا می‌کند. از آنجایی که آموزش سواد مالی می تواند با بهبود رفتارهای مالی همراه باشد و کسب مهارت های نرم می تواند با بهبود خودکارآمدی همراه باشد، نتیجه می گیریم که برنامه آموزشی به طور غیرمستقیم منجر به نتایج شغلی جدید یا بهتر برای شرکت کنندگان شده است. با تقویت این نتیجه، بین 92 تا 97 درصد از جوانان آموزش دیده، برنامه آموزشی را به بهبودهای مشاهده شده در عملکرد کاری و/یا فرصت های شغلی جدید یا بهتر نسبت دادند.

دولورس گالاردو وازکز و همکاران[[77]](#footnote-77) در سال (2020)، مقاله­ای را با عنوان تأثیر نگرش ها و رفتارهای مسئولیت اجتماعی بر رضایت دانشجویان دانشگاه بررسی نموده و به این نتیجه دست یافته­اند که این مطالعه بر مسئولیت اجتماعی دانشگاه (USR) متمرکز شده است. مسئولیت اجتماعی شرکت در حال حاضر یک استراتژی بسیار رایج است که توسط سازمان ها اجرا می شود. مؤسسات آموزش عالی نیز این استراتژی را برای ارتقای عملکرد خود معرفی می کنند و به دنبال اطمینان از اینکه هر اقدام دانشگاهی از نظر اجتماعی مسئولیت پذیر است و جهت دستیابی به برتری نسبت به رقبا است. این مزیت رقابتی نتیجه چشم انداز مسئولیت اجتماعی است که دارای یک هسته اخلاقی است که دانشگاه بین همه ذینفعان خود اجرا کرده یا در حال اجراست. این مؤسسات در چهار حوزه آموزش، تحقیق، مدیریت و فرافکنی به جامعه فعالیت می کنند. بنابراین دانشگاه ها باید برای تامین منافع ذینفعان مختلف تلاش کنند. این تحقیق بر روی دانشجویان دانشگاه به عنوان یک ذینفع مهم متمرکز بود. هدف اصلی ارزیابی مشارکت دانشجویان دانشگاه در فعالیت‌های USR و همچنین ارزیابی تأثیر شیوه‌های دانشگاه مربوطه بود. علاوه بر این، این مطالعه به دنبال اندازه‌گیری رابطه علّی موجود بین مشارکت دانشجویان و عملکرد دانشگاه آنها از نظر رضایت دانشجویان بود. این کار میدانی با یک نظرسنجی الکترونیکی که بین گروهی از دانشجویان دانشگاه اکسترمادورا در اسپانیا توزیع شد، انجام شد. در مجموع 362 پرسشنامه معتبر جمع آوری شد که با استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری و حداقل مربعات جزئی پردازش شدند. نتایج دارای پیامدهایی برای مدیریت دانشگاه در حوزه مسئولیت اجتماعی است، با توجه به روندهای جدید USR آشکار می شود. از نظر اصالت و ارزش، این تحقیق بر ذی نفعان خاص دانشگاه ها یعنی دانشجویان و راه های جلب رضایت آنها از طریق USR تاکید کرد.

**2-5-چارچوب نظری**

آموزش مهارت­های زندگی اولین بار در سال 1978 تحت عنوان آموزش­های فشرده مطرح گردیدو برای اولین بار در مشاوره گروهی ارئه شد. و سازمان بهداشت جهانی به منظور پیشگیری و همچنین افزایش سطح بهداشت روانی افراد برنامه­ای با عنوان آموزش مهارت­های زندگی تدوین کرد. هدف از این برنامه افزایش توانایی­های روانی-اجتماعی کودکان و نوجوانان بود، برای اینکه بتوانند با مقتضیات مسائل و دشواری­های زندگی، سازگارانه برخورد کنند(کورسینی و گازدا،2007)

آموزش مهارت­های زندگی اهداف عمده­ای را دنبال می­کند، اما هدف اصلی از این برنامه ارتقاء بهداشت روانی و پیشگیری از آسیب­های اجتماعی مانند اعتیاد، خودکشی، بزهکاری و انواع مختلف بی­بند و باری است. آموزش مهارت­های زندگی بر عوامل زیربنایی مشترک در بسیاری از زمینه­های ارتقاء بهداشت روانی و پیشگیری اولیه تأثیر گذاشته و همین توان و ویژگی آنهاست که فضای آموزشی آن را وسیع ساخته و زیربنای هر رویکرد آموزش به زندگی شده است (ارکارت و همکاران، 1991، به نقل از عسگری، 1384).

**با توجه به اینکه** امروزه مفهوم مسئولیت پذیری اجتماعی در سطح وسیعی پذیرفته شده و معنای آن حوزه­هایی چون، ایمنی، حقوق شهروندی، پایداری محیط زیست، رفتار اخلاقی و مسئولیتهای جهانی را در بر میگیرد و ذینفعان وسیعی از کارکنان مشتریان جوامع محیط­زیست رقبا شرکای تجاری، سرمایه گذاران، سهامداران و دولت ها را شامل می­شود(نادری و بهشتی، ۱۴۰۰)مسئولیت­پذیری اجتماعی پیش شرط ایجاد رشد و استقلال فردی است و این امکان را برای شخص فراهم می­کند که به ادراک نفس و خودشناسی دست یابد در یک جامعه پیچیده افرادی که دارای استقلال فردی هستند و اهدافی را که از ساختار ذهنی آنها درباره واقعیت سرچشمه می گیرد دنبال می کنند، موفق تر از کسانی هستند که به سادگی خود را به دست شرایط و رویدادها میسپارند. مسئولیت در روابط بین والدین، فرزندان، دوستان همسایگان و در میان اعضای یک گروه کاملاً مشهود است، اما تجلی واقعی آن را می توان در روابط درون گروهی و بین گروهی مشاهده کرد(تقی پور و کوچ پی ده، ۱۴۰۰: ۲).لذا بررسی­ها نشان می­دهد در مطالعه کارآفرینی عمدتاً سه رویکرد عمده به عنوان مبنای مطالعات مورد استفاده قرار گرفته است: مطالعه براساس خصوصیات روان­شناختی و جمعیت­شناختی یا رویکرد شخصی مطالعه براساس ویژگی­های رفتاری و فعالیت­ها یا رویکرد رفتاری مطالعه براساس عوامل محیطی (اطرافیان و جامعه) یا رویکرد محیطی به تعبیر دیگر در حوزه کارآفرینی چهار رویکرد عمده وجود دارد :رویکرد روانشناسی، رویکرد جامعه شناسی، رویکرد انسان شناسی و رویکرد اقتصادی (دانایی فرد، 1386) همچنین یامادا رویکردهای کارآفرینی را در قالب سه رویکرد کلان ، خرد و میانه مورد بررسی قرار می دهد که سطح کلان مبتنی بر محیط گرایی، سطح خرد کارآفرینی را از دید روانشناختی و جامعه شناختی در سطح خرد بررسی می­کند و در سطح میانه به سازمانی رشد محور که در ان بر گردآوری، انباشت و توزیع منابع تاکید دارد توجه می­نماید. (ناهید ، 1388). با توجه به بررسی های مختلف مدل­ها و ابعاد مختلف متغیر های اصلی تحقیق در انتها به جمع­بندی در مورد طراحی مدل زیر دست پیدا کردیم که بصورت زیر ارائه می گردد:

آموزش مهارتهای زندگی

مسئولیت پذیری اجتماعی

نگرش به کارآفرینی

**فصل سوم**

**روش‌شناسی تحقیق**

**مقدمه**

هر تحقیق و پژوهش با طرح مساله آغاز می شود. مساله تحقیق موجب ایجاد سوالاتی در ذهن محقق گردیده و به ارائه فرضیه منجر می شود. بنابراین وظیفه اصلی و اساسی هر محقق بررسی و پژوهش جهت تایید یا رد فرضیه ها می باشد. جهت پاسخگویی به سوالات تحقیق و نتیجه گیری در خصوص فرضیه ها، داده های جمع آوری شده، ورودی اساسی و پایه تحقیق می باشد و در نهایت محقق بایستی با توجه به داده های گردآوری شده، در خصوص رد یا تایید فرضیه ها و پاسخگویی به سوالات تحقیق اقدام نماید. اما همانگونه که آشکار و محرز می باشد، داده ها، اطلاعات خام و غیر قابل اتکایی می باشد که جهت تبدیل شدن به اطلاعات قابل استفاده، بایستی تحلیل گردند تا با تبدیل داده ها به اطلاعات بتوان اقدام به تصمیم گیری نمود.

در این فصل به بیان روش تحقیق، روش و ابزار گردآوری اطلاعات، جامعه و نمونه آماری می پردازیم و در پایان نحوه تجزیه تحلیل داده ها تشریح می شود.

**3-1-روش تحقیق**

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی می­باشد. و از نظر روش نیمه آزمایشی با پیش آزمون -پس آزمون گروه کنترل می باشد

**3-2 جامعه آماری**

جامعه آماري شامل کلیه دانش آموزان پسر دوره متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرج می باشد که بر اساس سرشماری تعداد 3531 نفر می باشد.

**3-3- حجم نمونه آماری و روش اندازه‌گیری**

نمونه آماری شامل یک گروه 30 نفره از دانش آموزان پسر از یک مدرسه پسرانه دولتی می باشد که با توجه به اینکه شهرستان کرج دارای نواحی چهارگانه می باشد بصورت خوشه ای از میان نواحی ناحیه 4 و از میان مدارس یک مدرسه انتخاب و از میان کلاس های آن به صورت تصادفی یک کلاس درس انتخاب شده و با توجه به اینکه کلاس 30 نفر جمعیت داشت به دو گروه15 نفره آزمایشی و کنترل تقسیم شدند.

جدول3- 1:جدول طرح پژوهشی پیش آزمون پس آزمون گروه آزمایشی و کنترل

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| گروه | پیش آزمون | بسته آموزشی | پس آزمون |
| آزمایشی | اجرا شده | شرکت در جلسات آموزشی مهارت های زندگی | اجرا شده |
| کنترل | اجرا شده | - | اجرا شده |

**3-4-روش نمونه گیری:**

در این پژوهش، روش نمونه گیری تصادفی ساده می باشد به این ترتیب که از میان مدارس، یک مدرسه پسرانه متوسطه دوم دولتی که شامل از میان 12 کلاس پژوهشگر کلاسهای دوازدهم به دلیلی نزدیکی بیشتر به زمان ورود به بازار کار و یا ورود به دانشگاه و انتخاب رشته تحصیلی در دانشگاه انتخاب کرده و از میان سه کلاس یک کلاس رابه روش تصادفی انتخاب کرده و با توجه به تمایل دانش آموزان به شرکت در پژوهش 30 نفر را انتخاب و به روش (قرعه کشی )آنها را به دو گروه 15 نفره تقسیم شدند.

روش اجرا

در مرحله اول روی هر دو گروه کنترل و آزمایشی یک پیش آزمون مبتنی بر دو پرسشنامه مسئولیت پذیری دانش آموزان و نگرش کار آفرینی اجرا شده و سپس بر اساس پکیج آموزشی مهارت های زندگی در 11 جلسه 90 دقیقه ای آموزش حضوری دریافت شد. و در نهایت یک پس آزمون مانند مرحله اول مشتمل بر دو پرسشنامه از هر دو گروه اجرا شده و در نهایت با جمع آوری داده ها با استفاده از نرم افزار spss24 و آزمون تحلیل کواریانس (با بررسی پیش فرض ها )استفاده شده است

**3-5-ابزار جمع‌آوری اطلاعات**

**الف:پکیج آموزشی:**

این جلسات توسط سید آبادی (۱۳۸۹؛ به نقل از ابراهیمی، ۱۳۹۱) و بر اساس راهنمای آموزشی مهارت های زندگی کلینکه بر گرفته از کتاب**مهارتهای زندگی**که توسط **کریس ال . کلینکه** تالیف و توسط جناب آقای **دکتر شهرام محمدخانی** ترجمه گردیده است که در سال(۱۳۹۴) در ایران توسعه داده شده است. این پروتکل از 11 جلسه آموزشی تشکیل شده که در جدول3-2 به طور خلاصه شرح این جلسات آمده است.

جدول3- 2:جدول پروتکل آموزشی ده گانه مهارت های زندگی

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| ردیف | مهارت های زندگی | زمان | هدف | محتوای جلسه |
| 1 | جلسه ابتدایی | 90 دقیقه | آشنایی با اعضای گروه و موضوعات دوره اموزشی ( معارفه و ایجاد رابطه حسنه اشنا کردن اعضا با مهارت های زندگی ) | -معارفه  -معرفی دوره  تعیین اهداف هر جلسه آموزشی  مشخص کردن تکالیف هر جلسه |
| 2 | توانایی تصمیم‌گیری | 90 دقیقه | آشنايي با مهارت تصميم گيري | -مهارت تصمیم گیری توانایی فرد  -مهارت حل مسئله  -استفاده از شهود، استدلال و یا ترکیبی از هر دوی اینها. |
| 3 | توانایی حل مسئله | 90 دقیقه | آشنا کردن و توانمند سازي اعضاي گروه در زمينه مهارت حل مسئله | -حل مسئله بر اساس یک فرایند فرآیند شناختی – رفتاری -انجام یک فرآیند آگاهانه، منطقی، نیازمند تلاش و هدفمند در حل مسائل زندگی  - تمرکز بر علت مسئله به راهکارها و گزینه‌های مختلف جهت حل آن مشکل،  -انتخاب بهترین و درست‌ترین گزینه از میان سایر گزینه ها تمرکز و آرامش روان فرد |
| 4 | توانایی تفکر خلاق | 90 دقیقه | با استفاده از تفکر خلاق، راه‌حل‌هاي مختلف مساله و پيامدهاي هر يک از آنها بررسي مي‌شوند. اين مهارت، ما را قادر مي‌سازد تا مسائل را از وراي تجارب مستقيم خود ببينيم و حتي زماني که مشکلي وجود ندارد و تصميم‌گيري خاصي مطرح نيست، با سازگاري و انعطاف بيشتري به زندگي روزمره بپردازيم. | -آشنایی با تفکر خلاق و روش شکل گیری آن از زوایای مختلف  -راه‌حل‌هاي تازه‌اي براي مشکلات‌مان  -انخاذ تصميم‌ های مناسب‌تر  -توانايي شناخت اجزای تفکر خلاق از: تفکر مثبت، يادگيري فعال به وسيله جست‌وجوي اطلاعات جديد، ابراز وجود،تشخيص حق انتخاب‌هاي ديگر براي تصميم‌گيري، تشخيص راه‌حل‌هاي جديد براي مشکلات |
| 5 | توانایی تفکر نقادانه | 90 دقیقه | آشنایی با مهارت تفکر انتقادی | -تمرکز ذهن بر مشکل  -آموزش ، تصمیم گیری در مواقع حساس و مهم زندگی  -تقویت قدرت تفکر و تعقل  -[رشد و توسعه فردی](https://soheilamani.com/personal-development/" \t "_blank) با استفاده از تفکر نقادانه |
| 6 | توانایی برقرای رابطه مؤثر با دیگران | 90 دقیقه | شناخت در مورد پدیده ارتباط و نحوه برقراری ازتباط با دیگران کسب مهارت برقراری ارتباط موثر داشته است. | مهارت ارتباط موثر شامل چهار مهارت اصلی دیگر می‌شود:  1-گوش دادن موثر 2-ارتباط غیرکلامی  3-مدیریت استرس در لحظه 4-قاطعیت به شیوه محترمانه |
| 7 | توانایی برقراری روابط بین فردی سازگارانه | 90 دقیقه | شناخت در مورد پدیده ارتباط و نحوه برقراری ازتباط با دیگران کسب مهارت برقراری ارتباط موثر داشته است. | تمایز بین انواع ارتباط  شناخت ارتباط ارتباط کلامی و ارتباط غیرکلامی  **شناخت مهم‌ترین انواع روابط بین فردی:** **روابط خانوادگی:**  **روابط همسالان:**  **روابط عشقی:** |
| 8 | توانایی خودآگاهی | 90 دقیقه | شناخت خود و توانائیهایمان کسب مهارت خود اگاهی | شناخت خودآگاهی  درک اهمیت خود آگاهی  شناخت خود ارزیابی . |
| 9 | توانایی همدلی با دیگران | 90 دقیقه | آشنایی با مهارت همدلی کردن | شناخت توانایی همدلی  [درک مهارت](https://www.sums.ac.ir/page-main/fa/0/dorsaetoolsenews/28945-G0/tool_dorsaetoolsenews_sample_main_block3060/%D9%87%D9%85%D8%AF%D9%84%DB%8C-%DA%86%DB%8C%D8%B3%D8%AA-%D9%88-%DA%86%DA%AF%D9%88%D9%86%D9%87-%D9%85%DB%8C-%D8%AA%D9%88%D8%A7%D9%86-%D9%85%D9%87%D8%A7%D8%B1%D8%AA-%D9%87%D9%85%D8%AF%D9%84%DB%8C-%D8%B1%D8%A7-%D8%A7%D9%81%D8%B2%D8%A7%DB%8C%D8%B4-%D8%AF) همدلی به عنوان کلید شکل گیری روابط معنادار و همزیستی مسالمت آمیز با دیگران.  آشنایی با تکنیک های همدلی |
| 10 | توانایی رویارویی با هیجان‌ها (غم، خشم، شادی، …) | 90 دقیقه | آشنايي با مهارت کنترل و مديريت خشم | **آشنایی با انواع هیجان‌ها** یا **احساسات**  درک مولفه های هیجان  مؤلفه شناختی  مؤلفه فیزیولوژیکی  مؤلفه رفتاری |
| 11 | توانایی رویارویی با استرس‌ها | 90 دقیقه | آشنايي با مهارت مديريت و مقابله با استرس | -شناخت استرس و اثرات آن  شناخت **نشانه ها ی استرس**  **نشانه های جسمی**  **نشانه های احساسی و هیجانی**  **نشانه های رفتاری** |

**ب:پرسشنامه ها**

**1-پرسشنامه مسئولیت پذیری دانش آموزان لوئیس(2001)**

پرسشنامه مسئولیت پذیری دانش آموزان توسط فرایزر و همکاران (1995) به منظور سنجش مسئولیت پذیری دانش آموزان طراحی و تدوین شده است. و سپس توسط لوئیس کامل شده است این پرسشنامه دارای 17 سوال و 2 بعد مسئولیت پذیری خود و دیگران می باشد و بر اساس طیف 5 سطحی لیکرت با سوالاتی مانند همکلاسی ها را تشویق می کنم به اموال دیگران دست نزنند مگر اینکه اجازه داشته باشند.) به سنجش مسئولیت پذیری دانش آموزان می‌پردازد.

جدول3- 3توزيع سوالات پرسشنامه

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **ابعاد پرسشنامه** | **تعداد سوالها** | **شماره سوالها** |
| خود | 11 | 2-5-7-9-10-11-12-13-15-16-17 |
| دیگران | 6 | 1-3-4-6-8-14 |

روایی:

مقصود از روايي آن است که وسيله اندازه گيري، بتواند خصيصه و ويژگي مورد نظر را اندازه بگيرد. اهميت روايي از آن جهت است که اندازه گيري‌هاي نامناسب و ناکافي مي‌تواند هر پژوهش علمي را بي ارزش و ناروا سازد (خاکي، 1390).برای بررسی روایی از ضریب CVRاستفاده می شود:

برای بررسی روایی، سئوالات در اختیار 10 نفر از متخصصان علوم­تربیتی قرار گرفت تا نظر اصلاحی خود را در خصوص دستورزبان، جمله­بندی و قرار گرفتن عبارات در جای مناسب اعمال نمایند. درخور ذکر است برای بررسی روایی محتوایی به شکل کمی، از ضریب نسبت روایی محتوا (CVR) استفاده شد. همچنین برای ارزیابی نسبت روایی محتوا، از گروه متخصصان درخواست شد تا هر سوال را بر اساس طیف سه قسمتی «ضروری، مفید ولی غیرضروری؛ غیرضروری» بررسی نمایند که در نهایت براساس پاسخ­ها، نسبت روایی محتوا با استفاده از رابطه زیر محاسبه گردید. همچنین دامنه قابل قبول به تعداد متخصصان بستگی دارد که در این مطالعه براساس قضاوت 10 متخصص، عدد 8/0 درنظر گرفته شد. به عبارتی اگر مقدار CVR محاسبه شده برای هر آیتم، مساوی یا بالاتر از 8/0 باشد، اعتبار محتوای آن آیتم تایید می­گردد.

CVR=

N: تعداد کل متخصصین

:n تعداد متخصصینی که گزینه ضروری را انتخاب کرده­اند

جدول3- 4:جدول بررسی ضریب CVR روایی پرسشنامه

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ردیف | سوالات | CVR |
| 1 | همکلاسی ها را تشویق می کنم به اموال دیگران دست نزنند مگر اینکه اجازه داشته باشند. | 1 |
| 2 | با معلم خود با احترام صحبت می کنم. | 1 |
| 3 | به دیگران کمک می کنم تا کارهایشان را بهتر انجام دهند. | 1 |
| 4 | همکلاسی هایم را تشویق می کنم که به نظرات دانش آموزان دیگر گوش دهند. | 8/0 |
| 5 | سعی می کنم کارها را به خوبی انجام دهم. | 1 |
| 6 | دانش آموزان دیگر را تشویق می کنم در کلاس نظرات خود را بیان کنند | 1 |
| 7 | به اموال دیگران احترام می گذارم | 1 |
| 8 | به دیگران کمک می کنم تا هنگام درگیري با دیگر همکلاسی ها خونسردي خود را حفظ کنند. | 1 |
| 9 | سعی می کنم مراقب باشم که دانش آموزان در کلاس با همکلاسی هاي خود محترمانه رفتارکنند | 1 |
| 10 | سعی می کنم نگذارم که دانش آموزان یکدیگر را در کلاس مسخره کنند | 8/0 |
| 11 | به دانش آموزان دیگر احترام می گذارم. | 8/0 |
| 12 | سعی می کنم زمانی که دیگران باید کاري را در کلاس انجام دهند، به آنها کمک کنم. | 1 |
| 13 | به افرادي که مشکل دارند کمک می کنم. | 1 |
| 14 | مراقب هستم که همکلاسی ها به دانش آموزانی که مشکل دارند کمک کنند. | 1 |
| 15 | از اینکه دانش آموزان در کلاس به یکدیگر ناسزا بگویند، جلوگیري می کنم. | 8/0 |
| 16 | وقتی قرار است کاري در کلاس انجام شود، من کمک می کنم. | 1 |
| 17 | هنگام مخالفت با معلم، آرامش خودم را حفظ می کنم. | 1 |

با توجه به ضرابی در همه گویه ها که از 8/0 بالاتر است لذا پژوهش از روایی لازم برخوردار است

پایایی

منظور از اعتبار (پايايي)، ميزان دقت شاخص‌ها و معيارهايي است که در راه سنجش پديده مورد نظر تهيه شده‌اند (ساروخاني، 1390). برای بررسی همسانی درونی آزمون روش‌های مختلفی وجود دارد. روش آلفای کرونباخ، روش گوتلن، روش دو نیمه کردن، روش موازی محدود، روش کودر- ریچادسون از جمله‌این روش‌ها هستند.

قابلیت اعتماد یا پایایی یک ابزار عبارت است از درجه ثبات آن در اندازه گیری هر آنچه اندازه می گیرد یعنی اینکه ابزار اندازه گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی به دست می دهد( سرمد و همکاران،1390). ضريب آلفاي كرونباخ محاسبه شده در پژوهش ( آقایی، 1394 ) براي این پرسشنامه بالای 7/0 برآورد شد. که این عدد 755/0 گزارش شده است و در این پژوهش برای بازآزمایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است بدین منظور پرسشناه در اختیار 20 نفر از جامعه آماری قرار گرفت و پس از جمع آوری داده ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به شرح جدول 3-5 گزارش شده است

جدول3- 5:جدول بررسی ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه مسئولیت پذیری

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| متغییر | تعداد سئوالات | ضریب آلفای محاسبه شده | وضعیت |
| مسئولیت پذیری نسبت به خود | 11 | 8/0 | مطلوب |
| مسئولیت پذیری نسبت به دیگران | 6 | 82/0 | مطلوب |
| کل | 17 | 88/0 | مطلوب |

2- پرسشنامه نگرش کارآفرینی کریمی و همکاران(1394)

این پرسشنامه توسط کریمی و همکاران در سال 1394 تدوین شده است . این پرسشنامه دارای 5 سوال بوده و هدف آن ارزیابی نگرش به کارآفرینی است. طیف پاسخگویی آن از نوع لیکرت 5 سطحی می باشد.پس از آوردن امتیاز پرسشنامه، مجموع امتیازات سوالات را با هم جمع نمایید. این امتیاز دامنه ای از 5 تا 25 خواهدداشت. امتیازات بالاتر نشان دهنده نگرش مثبت تر به کارآفرینی در فرد پاسخ دهنده خواهد بود و برعکس. به عنوان یک نقطه برش می توان امتیاز 14 و بالاتر را به عنوان نگرش مثبت در نظر گرفت.

**روایی**

در پژوهش کریمی و همکاران (1394) روایی صوری و محتوایی این پرسشنامه با استفاده از نظر اساتید مورد تایید قرار گرفت در این پرسشنامه نیر از ضریب cvrبرای بررسی استفاده می شود

جدول3- 6:جدول بررسی روایی پرسشنامه نگرش به کارآفرینی

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ردیف | گویه ها | **cvr** |
| 1 | کارآفرینی برای من به عنوان یک حرفه جذابیت دارد. | 1 |
| 2 | برای من مزایای کارآفرین شدن بیشتر از معایب آن است | 1 |
| 3 | کارآفرین شدن مرا اغنا خواهد کرد و رضایت خاطر زیادی به من می دهد. | 1 |
| 4 | در بین گزینه های مختلف، کارآفرین شدن را به دیگر نوع مشاغل ترجیح می دهم. | 1 |
| 5 | اگر فرصت و منابع لازم را داشته باشم، دوست دارم کسب و کار جدیدی راه اندازی کنم. | 1 |

با توجه به ضرایب به دست آمده روایی پژوهش مورد تایید می باشد

پایایی

برایبررسی پایایی در این بخش نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که برای کل پرسشنامه عدد 88/0 به دست آمده است.

جدول3- 7:جدول بررسی ضریب آلفای کرونباخ برای متغییر نگرش به کارآفرینی

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| متغیر | تعداد سوال‌ها | الفای قابل قبول | الفای کرونباخ |
| نگرش کارآفرینی | 5 | 7/0 | 88/0 |

با توجه ضریب کوهن ضرایب بالای 7/0 مطلوب گزارش شده است.

**روش جمع آوری اطلاعات**

**در این پژوهش روش جمع آوری اطلاعات میدانی برای بخش کیفی و پرسشنامه برای بخش کمی بوده است.**

**3-6-روش تجزیه و تحلیل داده ها**

در این پژوهش با استفاده از نرم افزار Spss از روش های مختلف آمار توصیفی و استنباطی برای تجزیه تحلیل داده ها و آزمون فرضیه ها استفاده شده است.در آمار توصیفی، پژوهشگر با جمع آوری و خلاصه کردن اطلاعات کمی حاصل از نمونه ها، مشخصات نمونه مورد مطالعه را توصیف می نماید. (میرزایی اهرنجانی،1371).

برای بررسی فرضیه های پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی استفاده می شود در بخش توصیفی از آماره های (میانگین ومیانه واریانس انحراف معیار و..)استفاده شده و در بخش استنباطی از دو آزمون tتک گروهی برای بررسی فرضیه اصلی و از آزمون تحلیل کواریانس برای بررسی فرضیه های فرعی استفاده می شود.

# فصل چهارم

# تجزيه و تحليل يافته‌ها

مقدمه

محقق پس از اینکه مساله تحقیق خود را تعیین نمود و مراحل تعیین روش تحقیق، مشخص سازی ابزار مناسب جمع آوری داده ها و بکارگیری آن­ها را طی کرد، اکنون نوبت به تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده می رسد تا تکلیف فرضیه های تحقیق معین سازد.

در این فصل پس از جمع آوری و تلخیص داده ها، در بخش نخست، با استفاده از شاخص های آمار توصیفی، جداول و نمودارها، داده های جمع آوری شده توصیف می گردد و در ادامه برای آزمون فرضیه ها و آمار استنباطی، از روش­های آماری و آزمون­های متفاوت با استفاده از نرم افزار Spss استفاده گردیده است. برای آزمون پایایی پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ و برای بررسی نرمال بودن توزیع ها از آزمون شاپیرو ولیک استفاده شده است و پس از بررسی پیش فرض های تحلیل کواریانس برای بررسی فرضیه های پزوهش مورد استفاده قرار می گیرد.

4-1 تجزیه و تحلیل توصیفی

داده ها و اطلاعات خام جمع­آوری شده، اعداد و ارقامی غیرمفید و بدون قابلیت کاربردی می­باشند. به منظور کاربردی نمودن داده­های جمع­آوری شده، در مرحله تجزیه و تحلیل سعی می­شود تا با کاربرد فنون آماری و غیرآماری مربوط داده­ها و اطلاعات جمع­آوری شده در راستای تحقق اهداف تحقیق و پاسخگویی به سوالات و مسئله آن مورد استفاده قرار گیرد. در این مرحله ابتدا باید داده­ها را تجزیه و تحلیل نمود و سپس نتایج این تجزیه و تحلیل را مورد تعبیر و تفسیر قرار داد.

**یافته های توصیفی :**

در این قسمت ابتدا به مقایسه میانگین و انحراف استاندارد نمرات پیش آزمون و پس آزمون نمرات آزمون شوندگان در دو متغییر مسئولیت پذیری اجتماعی و نگرش به کار کارآفرینی پرداخته می شود.

الف توصیف نمرات مسئولیت پذیری اجتماعی

جدول 4- 1:جدول توصیف نمرات پیش آزمون و پس آزمون در مسئولیت پذیری

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| تمرات پیش آزمون و پس آزمون دوگروه در متغییر مسئولیت پذیری اجتماعی | تعداد | میانگین | انحراف استاندارد | واریانس |
| پیش آزمون (گروه آزمایش) | 15 | 26/52 | 21/4 | 78/17 |
| پس آزمون (گروه آزمایش) | 15 | 80/80 | 73/2 | 45/7 |
| پیش آزمون (گروه کنترل) | 15 | 55 | 87/8 | 82/78 |
| پس آزمون (گروه کنترل) | 15 | 57 | 52/10 | 69/110 |

همانطور که در جدول (4-1) مشاهده می گردد میانگین نمرات پیش آزمون مسئولیت پذیری اجتماعی گروه آزمایش از 26/52 بعد از آموزش مهارت های زندگی به 80/80افزایش یافته است و در گروه کنترل ، از 55در پس آزمون به 57 تغییر یافته است بنابر این با توجه به مقایسه میانگین ها در پس آزمون گروه آزمایشی دارای افزایش قابل ملاحظه بوده است.

**ب:توصیف نمرات نگرش به کار آفرینی**

جدول 4- 2:جدول توصیف نمرات در متغییر نگرش به کارآفرینی

جدول 4- 3:جدول بررسی نمرات توصیفی متغییر نگرش به کار آفرینی

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| تمرات پیش آزمون و پس آزمون دوگروه در متغییر نگرش به کارآفرینی | تعداد | میانگین | انحراف استاندارد | واریانس |
| پیش آزمون (گروه آزمایش) | 15 | 66/17 | 41/2 | 81/5 |
| پس آزمون (گروه آزمایش) | 15 | 24/20 | 08/1 | 71/1 |
| پیش آزمون (گروه کنترل) | 15 | 60/17 | 66/2 | 11/7 |
| پس آزمون (گروه کنترل) | 15 | 33/15 | 49/2 | 23/6 |

بررسی نمرات پیش آزمون آزمون شوندگان در متغییر نگرش به کارآفرینی نشان می دهد که در گروه آزمایشی نمرات از 6/17 به 24/20 افزایش یافته و درگروه کنترل نیر این نمرات از 60/17 به 33/15 تغییر پیداکرده است.

**4-2- یافته های استنباطی :**

**بررسی فرضیه های پژوهش :**

برای بررسی فرضیه های پژوهش از دو بخش استفاده می شود در بخش اول برای بررسی فرضیه اصلی با استفاده از آزمون تحلیل کواریانس با بررسی مفروضه های آن می پردازیم

**مفروضه اول: نرمال بودن نمرات متغیر وابسته و کنترل**

آزمون شاپیرو و ویلک که برای سنجش برازش داده های کمتر از 30نفر با منحنی نرمال بکار می رود، نشان می دهد که این آزمون نیکویی برازش معنی دار نمی باشد و نشان می دهد این نمرات از منحنی نرمال اختلاف زیادی ندارد. بنابراین مفروضه اول آزمون تحلیل کواریانس مورد خدشه قرار نمی گیرد.

جدول 4- 4:آزمون شاپیرو ویلک برای نشان دادن نرمال بودن نمرات پیش آزمون و پس آزمون در گروه آزمایشی و کنترل

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| متغیر وابسته | تعداد | شاپیرو-ویلک | سطح معناداری |
| پیش آزمون گروه آزمایشی | 15 | 972/0 | 886/0 |
| پس آزمون گروه آزمایشی | 15 | 913/0 | 150/0 |
| پیش آزمون گروه کنترل | 15 | 967/0 | 819/0 |
| پس آزمون گروه کنترل | 15 | 947/0 | 475/0 |

یافته های جدول 4-4 نشان می دهد در گروه آزمایشی و کنترل ضریب شاپیرو -ویلک دارای سطح معنا داری بالای 05/0 می باشد که نشان می دهد مفروضه مورد تایید می باشد

مفروضه دوم: همگنی واریانس های خطا برای دو گروه آزمایش و کنترل

جدول 4- 5:آزمون لوین به منظور بررسی فرض همگنی واریانس ها

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
|  | F | درجه آزادی1 | درجه آزادی2 | سطح معنا داری |
| متغییر | 643/1 | 10 | 4 | 334/0 |

همگنی واریانس های خطا یکی از مهمترین مفروضه های تحلیل کواریانس است که توسط آزمون لوین انجام می شود. در جدول آزمون لوین برای بررسی این مفروضه بکار برده شده است. همانطور که در این جدول مشاهده می شود، مقدار F مربوط به آزمون لوین معنی دار نیست. این عدم معنی داری آزمون لوین نشانگر این است که واریانس خطا بین گروه های کنترل و آزمایش تفاوت خاصی باهمدیگر ندارند. بنابراین دومین مفروضه مهم آزمون تحلیل کواریانس برقرار است.

مفروضه سوم : موازی بودن خطوط رگرسیون

جدول 4-6موازی بودن خطوط رگرسیون

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| منبع واریانس | مجموع مجذورات | درجه آزادی | میانگین مکعبات | آزمون F | سطح معنی داری |
| گروه\* پیش آزمون | 1.539 | 1 | 1.539 | 0.454 | 0.507 |

برای بررسی این مفروضه روش های متفاوتی وجود دارد.یکی از روش های معتبر این است که باید بین متغیر پیش آزمون و گروه، کنش متقابلی وجود نداشته باشد. همانطور که در جدول نشان داده شده است این مفروضه بین گروه و پیش آزمون نمرات متغییرها برقرار است؛ یعنی خطوط رگرسیون موازی می باشد.

4-3-1 آزمون فرضیه کلی

آموزش مهارت­های زندگی بر مسئولیت پذیری اجتماعی و نگرش به کارآفرینی دانش آموزان پسر متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرج تاثیر دارد.

فرض های پژوهش:

H0: آموزش مهارت­های زندگی بر مسئولیت­پذیری اجتماعی و نگرش به کارآفرینی دانش آموزان پسر متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرج تاثیر ندارد.

H1: آموزش مهارت­های زندگی بر مسئولیت­پذیری اجتماعی و نگرش به کارآفرینی دانش آموزان پسر متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرج تاثیر دارد.

جدول 4-7:جدول بررسی آموزش مهارت­های زندگی بر مسئولیت­پذیری اجتماعی و نگرش به کارآفرینی دانش آموزان

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| منبع واریانس | مجموع مجذورات | درجه آزادی | مجذورات میانگین | F | سطح معناداری | مجذور ایتای جزئی |
| ثابت | 230/85 | 11 | 411/7 | 840/0 | 000/0 | 830/0 |
| گروه | 663/268 | 1 | 663/268 | 407/24 | 0.010 |
| خطا | 842/19 | 3 | 596/6 |  |  |
| کل | 000/890034 | 15 |  |  |  |
| کل تصحیح شده | 600/99 | 14 |  |  |  |

همان طور که در این جدول(4-7) نشان داده شده است، مجموع مجذورات و میانگین مربعات مربوط به گروه ها برابر,763/254 و407/33= Fمی باشد که در سطح 0.05P≤ معنادار است. به عبارت دیگر بین گروه ها بعد از تعدیل نمرات پیش آزمون اختلاف معنی داری وجود دارد و آموزش مهارت های زندگی بر مسئولیت پذیری اجتماعی و نگرش به کارآفرینی دانش آموزان تأثیر معناداری داشته است. مربع ایتای جزئی(اندازه اثر) برای تأثیر متغیر مستقل در متغیر وابسته برابر 83/0 است که نشان می دهد 83 درصد تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیر مستقل تبیین می شود. یعنی آموزش مهارت های زندگی توانسته است 83 درصد بر افزایش مسئولیت پذیری اجتماعی و نگرش به کارآفرینی دانش آموزان تأثیرگذار باشد.

آزمون فرضیه اول جزئی

**فرضیه فرعی اول**:آموزش مهارت­های زندگی بر ابعاد مسئولیت پذیری اجتماعی دانش آموزان پسر متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرج تاثیر دارد.

فرض های پژوهش:

H0: آموزش مهارت­های زندگی بر ابعاد مسئولیت­پذیری اجتماعی (خود- دیگران ) دانش آموزان پسر متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرج تاثیر ندارد.

H1: آموزش مهارت­های زندگی بر ابعاد مسئولیت­پذیری اجتماعی (خود -دیگران) دانش آموزان پسر متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرج تاثیر دارد.

جدول 4- 8:جدول تحلیل کواریانس آموزش مهارت های زندگی بر مسئولیت پذیری اجتماعی دانش آموزان

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| منبع واریانس | مجموع مجذورات | درجه آزادی | مجذورات میانگین | F | سطح معناداری | مجذور ایتای جزئی |
| ثابت | 522/81 | 11 | 411/7 | 972/0 | 000/0 | 918/0 |
| گروه | 763/254 | 1 | 763/254 | 407/33 | 0.010 |
| خطا | 878/22 | 3 | 626/7 |  |  |
| کل | 000/98034 | 15 |  |  |  |
| کل تصحیح شده | 400/104 | 14 |  |  |  |

R Squared=0/918

همان طور که در این جدول(4-8) نشان داده شده است، مجموع مجذورات و میانگین مربعات مربوط به گروه ها برابر,763/254 و407/33= Fمی باشد که در سطح 0.05P≤ معنادار است. به عبارت دیگر بین گروه ها بعد از تعدیل نمرات پیش آزمون اختلاف معنی داری وجود دارد و آموزش مهارت های زندگی بر مسئولیت پذیری اجتماعی دانش آموزان تأثیر معناداری داشته است. مربع ایتای جزئی(اندازه اثر) برای تأثیر متغیر مستقل در متغیر وابسته برابر 91/0 است که نشان می دهد 91 درصد تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیر مستقل تبیین می شود. یعنی آموزش مهارت های زندگی توانسته است 91 درصد بر افزایش مسئولیت پذیری اجتماعی دانش آموزان تأثیرگذار باشد.

همچنین در بررسی ابعاد مسئولیت پذیری اجتماعی(خود – دیگران) می توان به صورت زیر میزان تاثیر هر یک از ابعاد را بررسی نمود

- آموزش مهارت­های زندگی بر ابعاد مسئولیت پذیری اجتماعی در بعد خود دانش آموزان پسر متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرج تاثیر دارد.

جدول 4- 9:جدول بررسی کواریانس در بعد مسئولیت پذیری اجتماعی خود دانش آموزان

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| منبع واریانس | مجموع مجذورات | درجه آزادی | مجذورات میانگین | F | سطح معناداری | مجذور ایتای جزئی |
| ثابت | 602/32 | 7 | 372/3 | 521/0 | 796/0 | 342/0 |
| گروه | 830/1132 | 1 | 830/1132 | 930/174 | 0.000 |
| خطا | 331/45 | 7 | 476/6 |  |  |
| کل | 000/41781 | 15 |  |  |  |
| کل تصحیح شده | 933/68 | 14 |  |  |  |

R Squared=0/342

همان طور که در این جدول(4-9) نشان داده شده است، مجموع مجذورات و میانگین مربعات مربوط به گروه ها برابر,830/1132 و930/174= Fمی باشد که در سطح 0.05P≤ معنادار است. به عبارت دیگر بین گروه ها بعد از تعدیل نمرات پیش آزمون اختلاف معنی داری وجود دارد و آموزش مهارت های زندگی بر مسئولیت پذیری اجتماعی دانش آموزان در بعد خود تأثیر معناداری داشته است. مربع ایتای جزئی(اندازه اثر) برای تأثیر متغیر مستقل در متغیر وابسته برابر 34/0 است که نشان می دهد 34 درصد تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیر مستقل تبیین می شود. یعنی آموزش مهارت های زندگی توانسته است 34 درصد بر افزایش مسئولیت پذیری اجتماعی در بعد خود تأثیرگذار باشد.

-آموزش مهارت­های زندگی بر ابعاد مسئولیت پذیری اجتماعی در بعد دیگران دانش آموزان پسر متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرج تاثیر دارد.

جدول 4- 10:جدول بررسی کواریانس بعد مسئولیت پذیری اجتماعی دیگران دانش آموزان

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| منبع واریانس | مجموع مجذورات | درجه آزادی | مجذورات میانگین | F | سطح معناداری | مجذور ایتای جزئی |
| ثابت | 878/25 | 9 | 875/2 | 300/1 | 405/0 | 701/0 |
| گروه | 429/156 | 1 | 429/156 | 750/70 | 0.000 |
| خطا | 055/11 | 5 | 211/2 |  |  |
| کل | 000/11853 | 15 |  |  |  |
| کل تصحیح شده | 933/36 | 14 |  |  |  |

R Squared=0/701

همان طور که در این جدول(4-10) نشان داده شده است، مجموع مجذورات و میانگین مربعات مربوط به گروه ها برابر,429/156 , 750/70= Fمی باشد که در سطح 0.05P≤ معنادار است. به عبارت دیگر بین گروه ها بعد از تعدیل نمرات پیش آزمون اختلاف معنی داری وجود دارد و آموزش مهارت های زندگی بر مسئولیت پذیری اجتماعی دانش آموزان در بعددیگران تأثیر معناداری داشته است. مربع ایتای جزئی(اندازه اثر) برای تأثیر متغیر مستقل در متغیر وابسته برابر 701/0 است که نشان می دهد 70 درصد تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیر مستقل تبیین می شود. یعنی آموزش مهارت های زندگی توانسته است 70 درصد بر افزایش مسئولیت پذیری اجتماعی دیگر دانش آموزان تأثیرگذار باشد.

**فرضیه فرعی دوم**:آموزش مهارت­های زندگی بر نگرش به کارآفرینی دانش آموزان پسر متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرج تاثیر دارد.

H0: آموزش مهارت­های زندگی بر نگرش به کارآفرینی دانش آموزان پسر متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرج تاثیر ندارد.

H1: آموزش مهارت­های زندگی بر نگرش به کارآفرینی دانش آموزان پسر متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرج تاثیر دارد.

جدول 4- 11:جدول تحلیل کواریانس تاثیر آموزش مهارت های زندگی بر نگرش به کار آفرینی دانش آموزان

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| منبع واریانس | مجموع مجذورات | درجه آزادی | مجذورات میانگین | F | سطح معناداری | مجذور ایتای جزئی |
| ثابت | 356/5 | 8 | 669/0 | 364/0 | 906/0 | 557/0 |
| گروه | 872/13 | 1 | 872/13 | 536/7 | 0.001 |
| خطا | 044/11 | 6 | 841/1 |  |  |
| کل | 000/8801 | 15 |  |  |  |
| کل تصحیح شده | 400/16 | 14 |  |  |  |

R Squared=0/557

همان طور که در این جدول(4-11) نشان داده شده است، مجموع مجذورات و میانگین مربعات مربوط به گروه ها برابر,872/13 و 536/7= Fمی باشد که در سطح 0.05P≤ معنادار است. به عبارت دیگر بین گروه ها بعد از تعدیل نمرات پیش آزمون اختلاف معنی داری وجود دارد و آموزش مهارت های زندگی بر نگرش کارآفرینی دانش آموزان تأثیر معناداری داشته است. مربع ایتای جزئی(اندازه اثر) برای تأثیر متغیر مستقل در متغیر وابسته برابر 55/0 است که نشان می دهد 55 درصد تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیر مستقل تبیین می شود. یعنی آموزش مهارت های زندگی توانسته است 55 درصد بر افزایش نگرش بر کارآفرینی در دانش آموزان تأثیرگذار باشد.

# فصل پنجم

# بحث و نتیجه گیری و پیشنهادات

مقدمه

هدف از انجام هر تحقیق و پژوهشی، ارائه جواب به سوالات تحقیق و نتیجه گیری در خصوص فرضیه ها می باشد تا بتوان در نهایت در خصوص موضوع تحقیق ومساله پژوهشی به نتیجه گیری پرداخت. اصولا تمامی مراحل تحقیق در جهت رسیدن به آگاهی برای نتیجه گیری صورت می پذیرد.در این فصل یه بررسی نتایج پژوهش و بحث و نتیجه گیری درباره آن پرداخته و با بررسی محدودیت های پژوهش پیشنهادات بیان می شود.

5-1-خلاصه تحقیق:

هدف از پژوهش حاضر بررسی تاثیر آموزش مهارت­های زندگی بر مسئولیت پذیری اجتماعی و نگرش به کارآفرینی دانش آموزان پسر متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرجمی باشد که از نظر هدف کابردی و از نظر روش نیمه آزمایشی با گروه آزمایشی وکنترل می باشد . جامعه آماری پژوهش تعداد 3531 نفر ، دانش آموزان پسر متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرج می باشند .نمونه آماری شامل 30نفر از دانش آموزان پسر پایه دوازدهم که به روش تصادفی ساده به دو گروه 15 نفره آزمایشی و کنترل تقسیم شده است.ابزار پژوهش شامل پکیج آموزشی مهارت های زندگی که توسط سید آبادی بر اساس راهنمای آموزش مهارت های زندگی کلینکه(1994)تنظیم شده است و دو پرسشنامه استاندارد مسئولیت پذیری اجتماعی لوئیس(2001)و پرسشنامه نگرش به کارآفرینی کریمی(1394) می باشد که روایی و پایایی آن مورد بازآزمایی قرار گرفته و ضریب CVR آن مطلوب گزارش شده و ضریب آلفای کرونباخ برای دو پرسشنامه به ترتیب 88/0 و 88/0 گزارش شده است پس از آموزش مهارت های زندگی به گروه آزمایشی و جمع آوری داده ها با استفاده از نرم افزار spss24 با استفاده از آزمون آماری تحلیل کواریانس مورد بررسی قرار گرفته ونتایج به شرح زیر می باشد:

نتایج توصیفی:

میانگین نمرات پیش آزمون مسئولیت پذیری اجتماعی گروه آزمایش از 26/52 بعد از آموزش مهارت های زندگی به 80/80افزایش یافته است و در گروه کنترل ، از 55در پس آزمون به 57 تغییر یافته است بنابر این با توجه به مقایسه میانگین ها در پس آزمون گروه آزمایشی دارای افزایش قابل ملاحظه بوده است و همچنین بررسی نمرات پیش آزمون آزمون شوندگان در متغییر نگرش به کارآفرینی نشان می دهد که در گروه آزمایشی نمرات از 6/17 به 24/20 افزایش یافته و درگروه کنترل نیر این نمرات از 60/17 به 33/15 تغییر پیداکرده است بنابراین در بررسی اولیه و توصیف نمرات در پیش آزمون با افزایش نمرات پس آزمون گروه آزمایشی واجه هستیم که نشان از تاثیر آموزش مهارت های زندگی می باشد.

**5-3-بحث:**

**فرضیه کلی تحقیق:** آموزش مهارت­های زندگی بر مسئولیت پذیری اجتماعی و نگرش به کارآفرینی دانش آموزان پسر متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرج تاثیر دارد.

با توجه به نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل یافته ها نشان داد 83 درصد از تغییرات نمرات در پس آزمون حاصل تاثیر آموزش های مهارت های زندگی بر مسئولیت پذیری و نگرش به کارآفرینی بوده است و نتایج پژوهش با پژوهش های شریعت و نیک پور (1397)، آقا محمدی(1399)، اشرفی و هزار جریبی(1397) و همسو میباشد.

تبیین یافته ها:

مهارتهای زندگی ، فرایند مرکبی است که فرد را قادر می سازد به گونه ای رفتار کند که دیگران او را با کفایت تلقی کنند. در واقع مهارتها، تواناییهای لازم برای انجام رفتارهای هدفمند و موفقیت آمیز هستند. مهارت های زندگی ، تواناییهای پیچیده برای ساختن رفتارهایی که به طور مثبت یا منفی تقویت می شوند و به ظهور رفتارهایی که توسط دیگران مورد تنبیه یا خاموشی قرار میگیرند، منتهی نمی شود. لذا به کمک تکنیکهای مهارتهای زندگی و ارتباطی، افراد مسئولیت رفتارهای خود را به عهده گرفته و در روابط بین فردی نیز بهتر عمل نموده در نتیجه سازگاری بیشتری از خود نشان می دهند.گلاسر 2009 بیان می کند دانش آموزان برای برخورداری از احساسات بهتر نسبت به زندگی باید مسئولیت پذیر باشند. وجود انسانهای سرد و بی تفاوتی که در تمدنی بی بند و بار و بی هدف غوطه میخورند، ناشی از تربیتی است که در آن احساس مسئولیت مطرح نبوده است. با اندکی تعمق می توان دریافت، علت اصلی بی توجهی به وظایف تحصیلی، شغلی و اجتماعی، وجود تکیه گاه‌های فکری خطرناك نیست، بلکه ناشی از بی مسئولیتی یا فرار از مسئولیت و شانه خالی کردن از زیر بار آن است. بنابراین امروزه چه بسا افرادی را شاهدیم که از خود سلب مسئولیت می- کنند، تا از کشمکشهای ذهنی، خود را رهایی بخشند و از قید تلاشها و فعالیتهای خسته کننده، نجات دهند)شریعت باقری و نیک پور ،1397).

**فرضیه جزئی اول :** آموزش مهارت­های زندگی بر ابعاد مسئولیت پذیری اجتماعی(خود-دیگران) دانش آموزان پسر متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرج تاثیر دارد.

با توجه به نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری بین گروه ها بعد از تعدیل نمرات پیش آزمون اختلاف معنی داری وجود دارد و آموزش مهارت های زندگی بر مسئولیت پذیری اجتماعی دانش آموزان تأثیر معناداری داشته است. و ضریب ایتای آن برابر 91/0 است که نشان می دهد 91 درصد تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیر مستقل تبیین می شود. یعنی آموزش مهارت های زندگی توانسته است 91 درصد بر افزایش مسئولیت پذیری اجتماعی دانش آموزان تأثیرگذار باشد.در بررسی میزان تاثیر ابعاد در بعد مسئولیت پذیری اجتماعی خود دانش آموزان 34 درصد و در بعد مسئولیت پذیری اجتماعی دیگران این ضریب به میزان 70 درصد می باشد به این معنی که آموزش مهارت های زندگی باعث افزایش 34 درصدی مسئولیت پذیری در بعد خود بوده و آموزش مهارت های زندگی باعث افزایش مسئولیت پذیری نسبت به دیگران در می شود و نتایج پژوهش با پژوهش های احتشام زاده و همکاران(1393) و شریعت و نیک پور(1397) طهرانی مقدم و باقری،2017)،تقی پورو کوچ پی ده(1400)، حسن زاده(400)، هدایتی(1401)،دولورس و همکاران(2020) همسو می باشد.

تبیین یافته ها:

بی تردید نظام آموزشی در کنار خانواده نقش تسهیل گر ارتقاءمسئولیت پذیری در نوجوانان دارند از این رو به والدین و مسئولین آموزشی برای ارائه راهکارهای جدی در مورد تربیت فرزندان مسئولیت پذیر توصیه جدی می شود (طهرانی مقدم و باقری،2017)زیرا افراد غیر مسئول با انتقاد و تنبیه بیرونی مواجه می شوند در نتیجه در مواجهه با مسائل با نگرش منفی عمل می کنند و چون نمی توانند پاسخگوی جامعه برای حل کردن مشکلات باشند و از انجام مسئولیت ها گریزان هستند ولی دانش آموزان با مسئولیت پذیری بالا دارای ارتباط موثر،خودشناسی، رفتار جرات مدارانه، مقابله با استرس و تفکر خلاق و کنترل خشم بالاتر هستند و همچنین دارای رفتارهای موثرتری در جامعه هستند.

در مسئولیت پذیری اجتماعی در برابر دیگران انسان به عنوان موجودي اجتماعي در زندگي جمعي خويش در برابر ديگران مسئول است و ميبايست براي حقوق ديگران احترام قائل شود. ديگراني كه در دو نوع خاص و عام قابل تفكيک ميباشند. مسئوليتپ ذيري خاص ناظر بر تعهد و مسئوليت در قبال ديگراني است كه كنشگر رابطه عاطفي با آنها دارد مانند پدر، مادر، خواهران، برادران، فرزندان و دوستان. اما مسئوليت پذيري عام به ديگري عام اشاره دارد كه رابطه كنشگر با آنها قراردادي و غير عاطفي است. براي مثال همه افراد جامعه در مقام شهروند لازم است تا در برابر ديگر شهروندان و امور كشور خود احساس مسئوليت اجتماعي كنند و بدان عمل نمايد. اين سط بيشتر در حوزه كاري علوم رفتاري مانند: جامعه شناسي و روانشناسي اجتماعي قرار ميگيرد. بنابراين با توجه به اجتماعي بودن انسان، توجه به اين بُعد از مسئوليت پذيري از اهميت بسزايي برخوردار است. مفهوم مسئوليت پذيري اجتماعي كه موضوع اين جستار است، عمدتاً ناظر بر اين بُعد ميباشد.

**فرضیه جزئی دوم:** آموزش مهارت­های زندگی بر نگرش به کارآفرینی دانش آموزان پسر متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرج تاثیر دارد.

نتایج تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد بین گروه ها بعد از تعدیل نمرات پیش آزمون اختلاف معنی داری وجود دارد و آموزش مهارت های زندگی بر نگرش کارآفرینی دانش آموزان تأثیر معناداری داشته است. و ضریب ایتا برای تأثیر متغیر مستقل در متغیر وابسته برابر 55/0 است که نشان می دهد 55 درصد تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیر مستقل تبیین می شود. یعنی آموزش مهارت های زندگی توانسته است 55 درصد بر افزایش نگرش بر کارآفرینی در دانش آموزان تأثیرگذار باشد.و نتایج پژوهش با پژوهش های سیمیاری و همکاران(1398)، آقا محمدی(1399)، پوروایی و همکاران(1397)همسو می باشد

تبیین یافته ها:

از نظر دیده‌بان جهانی کارآفرینی[[78]](#footnote-78)، مهارت‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای کارآفرینی قابل آموزش و یادگیری هستند و آموزش کارآفرینی نقشی اساسی در شکل‌گیری نگرش‌ها، مهارت‌ها و فرهنگ از دوره دبستان به بعد دارد (آراستی و همکاران،1396) اگرچه دانش، مهارت و نگرش هرسه در عملکرد افراد مؤثر هستند، اما نگرش موجب بروز تفاوت‌های اساسی در عملکرد آنها می‌شود. نگرش‌ها، اکتسابی و زمان‌بر هستند. دوران کودکی دوره مناسبی برای ایجاد و توسعه نگرش‌های عمیق درباره کارآفرینی است، زیرافرصت‌های کسب و کار برای کسانی که دانشگاه و بعد از آن‌را زمان آغاز آموزش کسب و کار می‌دانند، به سرعت از دست می‌رود. از طرفی، امروزه برای راه‌اندازی و اداره موفق یک کسب و کار باید قابلیت‌های زیادی در حوزه دانش، مهارت و نگرش کسب نمود که به زمان زیادی بیشتر از آموختن در دوره دانشگاه یا بعد از آن نیاز دارد. علاوه بر این، ناکارآمدی آموزش عالی در تربیت نیروی انسانی اثربخش چه در حوزه کارمند و چه در زمینه کارآفرینی مشهود است و درصد بالای فارغ‌التحصیلان بیکار گواه آن است (مهرابی،1395)بنابراین، آماده‌سازی افراد برای ورود به عرصه کارآفرینی نیاز به آموزش اثربخشی دارد که بتواند در آنها انگیزه و نگرش مثبت نسبت به کارآفرینی ایجاد نماید (عبدالهی و همکاران،1396) به‌منظور تقویت نگرش کارآفرینی در دانش‌آموزان دوره‌های تحصیلی مختلف بستر لازم برای استفاده از روش‌های تدریس خلاقانه در آموزش کارآفرینی متناسب با ویژگی‌های شناختی، رشدی و علاقه‌مندی و نیازهای آنان ایجاد شود.

با توجه به اینکه ایجاد نگرش، دانش و مهارت کارآفرینانه در افراد شرط لازم برای بروز رفتار کارآفرینانه از سوی آنان است. «تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده» استدلال  می‌کند که نگرش‌ها، پیشرو قصد و نیت، و مقدمه رفتار هستند (لاری، سوری و رحیمیان، 1394) نظریه «توفیق‌طلبی»[[79]](#footnote-79) دیوید مک کله ‌لند[[80]](#footnote-80) درباره انگیزه‌های روان‌شناسانه، عنصری بنیادین درباره رفتار کارآفرینانه است. مک کله‌لند تأکید داشت که «نیاز به موفقیت»،  عاملی مهم و با ارزش برای توصیف رفتار اقتصادی است. افراد دارای این نیاز با احتمال بیشتری نسبت به دیگران، کارآفرینان موفقی می‌شوند(کیسون[[81]](#footnote-81)،2010(. مک ‌کله لند معتقد بود که با یک برنامه درست در زمینه آموزش‌و‌پرورش می‌توان روحیه کاری را در جوامع تقویت کرد (میرزا محمدی، پورطهماسبی و تاجور، 1387).

**5-4- نتیجه گیری**

آموزش مهارت­های زندگی، بخش مهمی از برنامه درسی اکثر نظام­های آموزشی دنیا را تشکیل می­دهد. اهمیت مهارت­های زندگی برای مواجهه با مسائل و مشکلات زندگی روزمره و تأثیر آن بر بهبود زندگی فردی و اجتماعی و افزایش توانمندی افراد، سبب شده است تا این موضوع در برنامه های درسی مدارس در اکثر نظام­های آموزشی مورد توجه قرار گیرد. مهارت­های زندگی اساسا یک مبنای رشدی اساسی را از خانوادگی، تحصیلی، اجتماعی و شغلی نیازمند به مهارت و کارایی در مهارت­های زندگی دارد

یکی از مهم­ترین شاخص­ها و مولفه­های رشد اجتماعی در دانش­آموزان، مسئولیت­پذیری است. مسئولیت­پذیری، الزام و تعهد درونی فرد در انجام مطلوب همه فعالیت­هایی است که بر عهده او گذاشته شده است (هات و همکاران[[82]](#footnote-82)، 2018). از طرف دیگر، بعضی اوقات دوره خاص و حساس نوجوانی با نوعی سردرگمی همراه با کاهش عزت­نفس و خودپنداره همراه است که سبب کاهش فعالیت­های طبیعی و تعاملات اجتماعی می­شود، بنابراین به وسیله­ی آموزش مسئولیت­پذیری و واگذاری نقش­های مناسب به نوجوان، می­توان وی را برای یادگیری مفاهیم اخلاقی آماده کرد

مهارتهای اجتماعی و مسولیت پذیری و کارآفرینی جزو مسایلی است که اگر دانش آموز به آنها توجه کند آینده ای روشن را در زمینه دلخواه ساخته است، این تحقیق در حال انجام هست ضمن بررسی تاثیر متغیرها، به دانش آموزان مقطع متوسطه، مهارت های زندگی و مسولیت پذیری اجتماعی و همچنین اقداماتی که منجر به کارآفرینی خواهد آموزش داده می شود تا نگاه بهتری نسبت به آینده داشته باشند.

نگرش یک حالت درونی و آمادگی است، بدین معنی که نگرش رفتار نیست، بلکه پیش­رفتار است. نگرش کارآفرینانه را می­توان به­صورت جهت­گیری­های شخصی به­سوی فعالیت­های ارزش­افزا در آینده و خوداستخدامی در کسب­وکارهای کوچک تعریف کردنگرش کارآفرینی، تابعی از هرسه نوع واکنش شناختی، عاطفی و رفتاری به یک موضوع کارآفرینی مشخص است.«کارآفرینی به معنای ارزش‌آفرینی است و پیامدهای گران‌بهایی از جمله توسعه پایدار اقتصادی- اجتماعی، افزایش روحیه کار تیمی و خلاقیت، افزایش اشتغال پایدار، کاهش آسیب‌های اجتماعی و غیره را دارد. علی‌رغم نیاز به توسعه کارآفرینی در کشور، متأسفانه پیشرفت چشمگیری در این زمینه ملاحظه نمی‌شود که دلیل آن بی‌توجهی به آموزش صحیح کارآفرینی در دوره‌های تحصیلی پایه است» (نادری و همکاران،1394) ایران به‌عنوان یک کشور در حال توسعه که به دنبال تبدیل شدن به کشوری توسعه‌یافته از طریق اقتصاد دانش‌محور و نوآورانه است، نیاز دارد که بر توسعه کارآفرینی به‌عنوان ابزاری مناسب برای رسیدن به این چشم‌انداز تمرکز نماید. براین اساس، آموزش کارآفرینی و بهبود نگرش نسبت به کارآفرینی باید در سراسر کشور توسعه یابد، زیرا بسیاری از افراد تمایلی به کارآفرینی ندارند و آنهایی که کارآفرینی را ترجیح می‌دهند، آن‌را صرفاً به‌خاطر رضایت خودشان انتخاب می‌کنند (نیر،2019) این در حالی است که بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی قادر به یافتن شغلی متناسب با مدرک تحصیلی خود نیستند. بیکاری مشکل اساسی بسیاری از کشورها از جمله ایران است و کارآفرینی راه حل اصلی برای حل این مشکل است. دانش‌آموزان نسل امروز، کارآفرینان آینده کشور خواهند بود. لذا دگرگونی باورها و نگرش‌های آنان نسبت به کارآفرینی و خوداشتغالی در عرصه تعلیم و تربیت دورنمایی به افراد می‌دهد تا از فرصت‌های موجود به‌خوبی استفاده کنند. همان‌طور که اشاره شد، آموزش می‌تواند در ارتقای روحیه و نگرش کارآفرینی در دانش‌آموزان مؤثر باشد. بنابراین، مدیران و معلمان می‌توانند با بهبود محیط آموزشی و ایجاد فضای مطلوب در مدارس فرصتی مناسب برای رشد نگرش کارآفرینانه در دانش‌آموزان دوره‌های تحصیلی مختلف به‌وجود آورند تا از این طریق روحیه و نگرش کارآفرینی و قصد و رفتار کارآفرینانه بر کل جامعه حاکم شود و کشور به سوی کارآفرینی سوق یابد. به طور کلی، افزایش و توسعه درک مثبت از امکان و مطلوبیت کارآفرینی از طریق آموزش مناسب در سنین کم‌تر، تقویت روحیه کارآفرینی به صورت عام، تعیین سیاست‌ها، اهداف، روش‌ها و الگوهای مناسب و اجرای برنامه‌های حمایتی و تشویقی در این زمینه می‌تواند مناسب باشدکاظمی و همکاران،1393).لذا نتایج پژوهش­ها نشان می­دهد که نگرش کارآفرینانه و آموزش، سبب جهت­گیری ذهنی و شخصی به سمت خوداشتغالی، کارآفرینی و مشارکت در فعالیت­های ارزش آفرین خواهد شد.

**5-5- محدودیت های تحقیق**

**محدودیت های تحت کنترل پژوهشگر:**

پژوهشگر دانش آموزان پسر دوره دوم متوسطه را برای پژوهش انتخاب کرده است.

پژوهشگر ناحیه دوم شهرستان کرج را برای پژوهش انتخاب نموده است.

پژوهشگر از بهمن ماه 1401 تا شهریور1402 را برای پزوهش انتخاب نموده است.

**محدودیت های خارج از کنترل پژوهشگر:**

-زمان بر بودن جمع آوری داده ها با توجه به مکان مورد مطالعه تحقیق

-وجود بوروکراسی اداری جهت توزیع پرسشنامه و دریافت پاسخ جهت ورود و خروج به واحدهای مختلف آموزش و پرورش.

-عدم توجه لازم برخی از پاسخ دهندگان در پاسخگویی به سوالات و عدم دقت لازم در ارائه جواب مناسب با وجود توضیحات داده شده.

-تحقیقات کم انجام شده در این زمینه و در زمینه های آموزشی.

5-6- پيشنهادهای پژوهشی:

پیشنهادهای کاربردی:

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش پیشنهاد می شود:

-با توجه به تاثیر آموزش های مهارت های زندگی بر مسئولیت پذیری اجتماعی توصیه می شود با توجه به قرار گرفتن در سرفصل های دروس آنها برای آموزش این مهارت ها بصورت عملی کارگاههایی تشکیل شده و آموزش این مهارت ها از حالت تئوری به عملی تبدیل شود.

-با توجه به تاثیر آموزش مهارت های زندگی بر مسئولیت پذیری اجتماعی خود دانش آموزان در برابر خود و کارکردهایشان پیشنهاد می شود با در نظر گرفتن امتیاز ها و کارتهایی برای بررسی نتایج عملکرد دانش آموزان به منظور تشویق آنها تهیه شده و به آن توجه ویژه شود.

-با توجه به تاثیر آموزش مهارت زندگی بر مسئولیت پذیری اجتماعی دیگر دانش آموزان پیشنهاد می شود در کارگاه های همکاری تیمی دانش آموزان با همکاری یکدیگر به آموزش های عملی دهند.

-با توجه به تاثیر آموزش مهارتهای زندگی بر مسئولیت پذیری اجتماعی به معلمان توصیه می شود مهارت های زندگی را آموزش دیده و در تجارب واقعی تدریس به کار گیرند

-با توجه به تاثیر آموزش مهارت های زندگی بر نگرش کارآفرینی دانش آموزان توصیه می شود مهارت های ویژه برای تربیت نسل کارآفرین به دانش آموزان داده شود و با ارتقاءنگرش دانش آموزان آنها را از افرادی با نگرش جویای کار به کارآفرین تبدیل کنند.

-با توجه به تاثیر آموزش مهارت های زندگی بر نگرش کارآفرینی توصیه می شود کارگاه هایی به منظور افزایش دانش دانش آموزان برای شغل های مختلف و آشنایی با شغل های آینده به آنها مهارت های تغییر نگرش در آینده را آموزش داد.

- با توجه به تاثیر نگرش مثبت دانش آموزان بر نگرش کارآفرینی توصیه می شود با گنجاندن بازی و نمایش در فعالیتهای کتاب و تغییر برخی متون و تصاویر متناسب با سن کودک و اهداف کتاب میتواند بستر مناسبی برای توجه هرچه بیشتر به مولفههای نگرش کارآفرینانه در کتاب ایجاد کند

پیشنهادات برای پژوهش های آینده

-پیشنهاد می شود که در سازمان مورد مطالعه توجه بیشتری به ميزان تدوين و مكتوب كردن قوانين، مقررات، دستورالعمل ها، آئين نامه ها، شرح مشاغل و آموزش مهارتها و...شود.

-بررسی مجدد این تحقیق در سازمان های آموزشی دیگر و مقایسه نتایج بدست آمده.

**منابع و ماخذ:**

ابراهیم­آبادی، ریحانه؛ طاهرپور، فاطمه؛ عسگری، علی؛ (1398)؛ نقش حمایت خانواده و دانشگاه در خلاقیت و ریسک­پذیری دانشجویان ارشد و دکتری دانشگاه بیرجند با میانجی­گری امید. ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، 9(2)؛ 103-132.

احتشام زاده، دکتر پروین؛ عسگری، دکتر پرویز؛ نقابدار، افروز (1393)تاثیر آموزش مهارت های زندگی بر مسئولیت پذیری و عزت نفس دانش آموزان دختر ،نشریه روانشناسی اجتماعی :: دوره ،1 شماره ،30 بهار1393 صفحات : از 21 تا 34

احمد پور داریانی ، محمد؛ وکیلی ، علی (1390) . کارآفرینی پیشرفته ، تهران : انتشارات راهون .

احمدپور داریانی ،محمد . (1393) کارآفرینی . تهران : انتشارات ساکو.

احمدپور داریانی ، محمد؛قیمی ، مهدی (1378) . مبانی کارآفرینی ، نشر فراندیش.

احمدپور داریانی محمد . (1380) . کارآفرینی ، تعاریف ، نظریات ، الگوها ، تهران ، شرکت نشر پردیس.

احمدی، آذر؛محمدکاظمی ، رضا؛ یحیی الیاسی ، قنبر(1396). شناسایی شیوه های آموزش کارآفرینی در حیطه یادگیری عاطفی با رویکرد آموزش از طریق تفریحات سالم توسعه کارآفرینی دوره 10. شماره 2. از ص 22-201.

احمدی، سید احمد، و رمضانی، علی(1386) تأثیر آموزش مسئولیت پذیری به شیوه گلاسر بر کاهش بحران هویت دانش آموزان متوسطه اصفهان. پژوهش های تربیتی و روانشناختی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان، سال سوم، دوره دوم، شماره پیاپی 8، ص 23-32.

ادیب، یوسف(1382)، طراحی الگوي مطلوب برنامه­ریزي مهارت­هاي زندگی براي دورة راهنمایی تحصیلی. پایان­نامه دکتري.تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

اشرفی،سکینه؛نجفی هزار جریب،حبیب الله(1396) م اثربخشی آموزش کارآفرینی بر مسیر شغلی دانش آموزان ،مجله ی علوم تربيتی دانشگاه شهيد چمران اهواز پاييز و زمستان 1396،دوره شش،سال 25 شماره 2،ص 91-99

اعرابیان،احمد، خداپناهی، م.ک، حیدری، م، صالح صدق پور،ب.(1383). بررسی رابطه باورهای خودکارآمدی بر سلامت روانی و موفقیت تحصیلی دانشجویان. مجله روانشناسی، 8، ص 360-371.

اعظمي، محمود.(1391)، بررسي تأثیر آموزش مهارت­های زندگي در افزایش خلاقیت کودکان دبستاني. طرح پژوهشي دانشگاه آزاد اسلامي واحد ابهر.

امیدی،ج؛هاشمی، الف؛قلتاش،ع؛ماشین چی،ع(1397). طر احی الگوی بر نامه درسی آموزش کارآفرینی برا ی د انش آموز ا ن دوره ا و ل متوسطه ،فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی ،دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار،سال (12 )شماره (2 )تابستان 1397،صص 25-39

امیری،ص؛دل انگیزان،س؛جعفری،ح؛نادری،ن(1394).الگوسازي مفهومی تأثیر مؤلفه هاي آموزش کارآفرینی بر نگرش هنرجویان به کسب و کار در هنرستان هاي کاردانش نشریه کارآفرینی در کشاورزي جلد دوم، شماره دوم، تابستان 1394،

آراستی، زهرا، قدوسی، سمیرا، باقری، افسانه، «تأثیر آموزش کارآفرینی از طریق روش داستان‌سرایی بر نگرش کارآفرینانه دانش‌آموزان مقطع ابتدایی»، توسعه کارآفرینی، دوره 9، شماره 4، ص 593-612، 1395.

آقا محمدی،جواد(1399)طراحی الگوی مفهومی تأثیر مؤلفه های آموزش کارآفرینی بر ایجاد نگرش کارآفرینانه،فصلنامه کارآفرینی ،1399،ص22-40

برنز، د.(1984) شناخت درمانی: روان شناسی افسردگی و فنون و شناخت شخصیت و تغییر آن. مترجم مهدی قراچه داغی(1388) نشر دایره، چاپ دهم، 12-21.

بشارت. محمد علی(1383) کمالگرایی و موفقیت تحصیلی. مجله علوم روانشناختی. دوره سوم. شماره 12. ص 321-335.

بشارت. محمد علی، حبیب نژاد. محمد و گرانمایه پور. شیوا( 1389) کمالگرایی و سلامت روان. تازه های و پژوهش های مشاوره. جلد 8. ص 7-22.

بشارت.محمد علی، جوشن لو، محسن، میرزمانی. سید محمود(1386) رابطه سبک های دلبستگی و کمال گرایی. دوماهنامه علمی پژوهشی دانشور رفتار. دانشگاه شاهد. سال 14. شماره 25. ص 11-19.

بشارت، محمد علی(1383) بررسی رابطه بین کمال گرایی والدین و اضطراب امتحان در دانش آموزان. مجله روان نشاسی تربیتی، سال سی و چهارم، شماره 1، صص 1-19.

بیدی، فاطمه؛ رنجبرزاده، اکبر(1392)، تأثیر آموزش مهارت­های زندگي بر افزایش خلاقیت دانش­آموزان،  
چکیده مقالات ششمین همایش بین­المللي روانپزشکي کودک و نوجوان. شهریور1392، دانشگاه علوم پزشکي تبریز.

جوکار. بهرام و لطیفیان. مرتضی(1385) رابطه ابعاد هویت و جهت گیری هدف در گروهی از دانش آموزان پیش دانشگاهی شهرستان شیراز و یاسوج. محله علوم اجتماعی و انشانی دانشگاه شیراز. دوره 25. شماره 4. ص 27- 46.

جوکار.بهرام(1384) بررسی رابطه جهت گیری هدف و خودتنظیمی در دانشجویان رشته های مختلف تحصیلی دانشگاه شیراز. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. دوره 22. شماره 4. ص 56 تا 71.

حاجی یخچالی، علیرضا، حقیقی، جمال و شکرکن، حسین.(1380) بررسی روابط ساده و چندگانه پیشایندهای مهم و مربوط با جهت گیری هدف تبحری و رابطه آن با عملکرد تحصیلی در دانش آموزان پسر سال اول دبیرستان های اهواز. مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز. شماره 8. صص 31-48.

حجازی،ا؛نوه ابراهیم ،ع ؛بهرنگی،م،زین آبادی،م (1392) .شناسایی و تحلیل نقش مؤلفه های آموزشی در توسعه ی آموزش کارآفرینی دانشگاهی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه خوارزمی در سال تحصیلی 1391-1392 مجله مدیریت بهره وری تابستان 1393 - شماره 29 ،علمی-پژوهشی از 99 تا 118

حسین­زاده­نباتی، مریم؛ محمودی، فیروز؛ ادیب، یوسف؛ (1400)؛ رابطه نگرش به درس کار و فناوری با نگرش فناورانه و کارآفرینی دانش­آموزان مقطع متوسطه ناحیه­ یک تبریز. فناوری آموزش، 15(2)؛ 305-319.

حسینی خواه،ع(1387 ).امکان و ضرورت آموزش کارآفرینی در مدارس،مجله مطالعات برنامه درسی :: زمستان 1387 - شماره 11 (علمی- پژوهشی ،صص 66 تا 94.

حمیدی، فریده و قیطاسی، معصومه(1390) مقایسه کمالگرایی و مسئولیت پذیری در دانشجویان مراکز تربیت معلم شهر اهواز به تفکیک جنس. فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، سال ششم، شماره 18، ص 159-188.

حواله کیا، سعید (1384)، افزایش حس مسئولیت پذیری و اعتماد به نفس در نوجانان ، فرهنگ همدان شماره 36و 37.

خادمی. محسن و نوشادی.ناصر(1385) بررسی رابطه بین جهت گیری هدف با خود تنظیمی یادگیری و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان دوره پیش دانشگاهی شهر شیراز. مجله علوم اجتماعی و انشانی دانشگاه شیراز. دوره 25. شماره 4. زمستان 1385.

خادمی، محسن، و نوشادی، ناصر(1385) بررسی رابطه بین جهت گیری هدفی با خودتنظیمی یادگیری و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان دوره پیش دانشگاهی شهر شیراز، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. شماره 25 دوره 4، صص 63-78.

خدا بخشی ، مهدی و عابدی ، محمدرضا (1388). بررسی روش های افزایش مسئولیت پذیری در 32 دانش آموزان دوره راهنمایی ، مقاله فارسی دانشکده علوم تربیتی و روان شناختی دانشگاه الزهرا.

خشکاب ، ش ؛ رستگار ، عباسعلی (1392) . کارآفرینی آموزشی ، فرهنگ کارآفرینی (چالش ها و راهکارها). پرتال جامع علوم انسانی . سال هشتم شمارح 75 بهار 92.

خیاطان، فلور، احدی، حسن، کامکار، منوچهر، نفیسی، غلامرضا(1391) الگوی ساختاری رابطه آسیب های روانی-سازمانی با فشار شغلی، رضایت شغلی و سلامت روان با توجه به نقش واسطه ای کمال گرایی شغلی در معلمان. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی. سال یازدهم، شماره 4، زمشتان 1391، صص 18-32.

دانایی فرد،ح(1388).روش شناسی تدوین خط مشی ملی کارآفرینی کشور: چارچوبی مفهومی ،مجله توسعه کارآفرینی زمستان 1388 - شماره 6 مجله علمی-پژوهشی از 125 تا 156

دراکر، پی اف (1392) . نوآوری و کارآفرینی ف ترجمه علی حسین کشاورزی ، تهران ، سمت.

دهخدا ، ع (1372). فرهنگ لغات تهران : دانشگاه تهران.

دهنوی، رقیه(1396)، بررسی تاثیر کلاس های کارگاهی مبتنی بر چند رسانه ای بر مهارت های زندگی دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه ناحیه سه کرمانشاه، پایان نامه کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.

رضایی زاده ، م؛ اعلامی ، ف (1396). کارآفرینی آموزش ، اصول ، مبانی و مصادیق ، تهران : انتشارات علم استادان.

روحی ، ل(1393). بررسی عوامل موثر بر شکل گیری کارآفرینی در دانش آموزان مقطع متوسطه (مورد مطالعه: ناحیه(1) شهرستان بهارستان) پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه پیام نور – مرکز تهران – واحد غرب . دانشکده علوم انسانی . گروه مدیریت MBA .

زارع، حسین، صفاری نیا، مجید، و رضایی، پریسا(1392) مقایسه راهبرد های فراشناختی یادگیری، کمال گرایی و انگیختگی شناختی بین رتبه های برتر و سایر داوطلبان ورودی سراسری دانشگاه ها. دانش و پژوهش در رواننشاسی کاربردی. سال چهاردهم. شماره 1، صص 53-62.

زارع، حسین؛ پیرخائفي، علیرضا؛ مبیني، داود.(1389)، بررسي اثربخشي آموزش مهارت­های حل مسأله بر ارتقاء خلاقیت مهندسین با توجه به سنخ شخصیتي آنان. فصلنامه تازه­های روانشناسي صنعتي سازماني،1(3)، 49-56.

زاهد بابلیان، عادل، پوربهرام، روشنک، رحمانی، سمیرا(1389) بررسی رابطه ساده و چندگانه کمال گرایی، جهت گزینی هدف و عملکرد تحصیلی با فرسودگی تحصیلی. دانشگاه شاهد. سال 17. شماره 30. ص 40-58.

سلجوقی ، خ(1388) . فرهنگ کارآفرینی کارآفرینی فرهنگی ، اهمیت ضرورت و جایگاه ، کتاب ماه علوم اجتماعی ، 23 ، 75-58 .

سیمیاری،سیما؛ باروج کیاکلایی،مهرزاد؛کردنائیج،پریسا(1398)ضرورت پرورش نگرش کارآفرینی در دانش‌آموزان،چهارمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پرورش،مازندران،مرداد 1398.

شاه حسینی ، ع (1383). کارآفرینی ، انتشارات آییژ.

[شریعت باقری، محمد مهدی](https://www.noormags.ir/view/fa/creator/76558/%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF_%D9%85%D9%87%D8%AF%DB%8C_%D8%B4%D8%B1%DB%8C%D8%B9%D8%AA_%D8%A8%D8%A7%D9%82%D8%B1%DB%8C)؛ [نیک پور، فاطمه](https://www.noormags.ir/view/fa/creator/569119/%D9%81%D8%A7%D8%B7%D9%85%D9%87_%D9%86%DB%8C%DA%A9_%D9%BE%D9%88%D8%B1)؛(1397) تاثیر آموزش مهارت های اجتماعی - ارتباطی بر مسئولیت پذیری و سازگاری دانش آموزان [روش ها و مدل های روان شناختی تابستان 1397 - شماره 32](https://www.noormags.ir/view/fa/magazine/number/95812)،17 صفحه - از 207 تا 223

شهبازی،ک؛حسن زاده، ا،؛جعفر زاده،ب(1393).بررسی تأثير کارآفرینی و نوآوری بر رشد اقتصادی(رهيافت دادههای تابلویی)،دوفصلنامه نوآوری و ارزش آفرینی،سال دوم،شماره پنجم،بهار و تابستان،1393).

صاحبی,علی(1390). نظریه انتخاب، واقعیت درمانی: فرایندی با تأکید بر انتخاب، مسئولیت پذیری و ارزیابی شخصی. مشاور مدرسه. دوره هفتم.شماره 27. ص 4-10.

صحرایی. ام هانی، خیروی. زهره، و بشارت. محمد علی( 1388) رابطه کارآیی خانواده با کمال گرایی مثبت و منفی در دانش آموزان شهرستان نوشهر. خانواده پژوهش. شماره 17 سال 5- ص 43-56.

صمد آقایی ، ج (1382). سازمان های کارآفرینی. تهران : موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی .

طارمیان، فرهاد(1387)، اثربخشی برنامۀ آموزش مهارت­هاي زندگی به منظور پیشگیري از مصرف مواد مخدر در دانش­آموزان دوره راهنمایی. مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی زنجان، ش16: 65، 88-77.

عبداللهی، حسین، مقصودی، سمیه، (1396)«شناسایی روش‌های اثربخش آموزش کارآفرینی»، مطالعات آموزشی نما، سال 5، شماره 2، ص 1-12، 1396.

عبدالهی ، ح؛ آقا محمدی ، ج ؛ عباس پور ، ع ؛ دلاور ، ع (1396) . تحلیل ویژگی های شخصیتی کارآفرینی دانشآموزان دوره اول آموزش متوسطه استان کردستان . فصلنامه علمی ف پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی ، صص 70-49.

عربشاهی،الف (1395).تبیین مفهوم و ابعاد سازمان کارآفرین (از ماهیت تا فرآیند طراحی و اجرا) ،نشریه کارآفرینی در کشاو ر زي،جلد سوم، شماره سوم، پاییز 1395 <http://jead.gau.ac.ir>

عزیزی ،م؛مختاری،ن(1396).آموزش کارآفرینی برای دانستن ، انجام دادن و بودن دردوره ابتدایی با رویکرد تلفیقی ،توسعه کارآفرینی ، دوره 10 . شماره 4 . زمستان 1396 از ص 654-653 .

عزیزی،م؛طاهری،م(1392).تأثیر آموزش کارآفرینی بر قصد و ویژگیهای کارآفرینانۀ دانشجویان دوفصلنامه نوآوری و ارزش آفرینی، سال دوم، شماره 4، پاییز و زمستان 1392 .

علی­آبادی، خدیجه؛ معدن­دار، سیروس؛ محمدکاظمی، رضا؛ عباسپور، عباس؛ میناوند، محمد. (1398) بررسی تأثیر برنامه­های تلویزیونی کارآفرینی بر قصد کارآفرینانه با میانجی­گری حمایت خانواده. خانواده و پژوهش، 16(3)، 52-29.

قرونه ، د ؛ ثیانی پور ، ف (1396). کارآفرینی آموزش ، رویکردی نوین در رشته علوم تربیتی. کنفرانس ملی رویکردهای نوین علوم انسانی در قرن 21 . www.civilica.com

قمری، لیلا؛ صادقی، نرگس؛ آذر­ برزین، مهرداد؛ (1400)؛ ارتباط بین ادراک حمایت از جانب دوستان و سازگاری روانی-اجتماعی با بیماری در نوجوانان؛ مجله پرستاری و مامایی، 19(1)، 77-86.

قنادی نژاد ف ؛ بیگدلی ، ز (1396) . بررسی ویژگی های شخصیتی کارآفرینی و راهکارهای توسعه آنها از نظر دانشجویان علم اطلاعات و دانش شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز . مقاله پژوهشی ، کتابداری و اطلاع رسانی – جلد 20 شماره 2 .

کاظمی، رضامحمد، میرزائی، فهیمه، زیویار، فرزاد،(1393) «عوامل اثرگذار بر نگرش کارآفرینانه ورزشکاران دانش‌آموز (مقطع متوسطه آموزش و پرورش شهر تهران)»، مطالعات مدیریت ورزشی، شماره 25، ص 145-158، 1393.

کرد نائیج،الف؛احمدپورداریانی،م؛شمس،ش(1384).طراحی ساختار سازمانی مراکز و آموزشگاههاي کارآفرینی در کشور فصلنامۀ مدرس علوم انسانی دورة 9 ، شمارة 2 ، تابستان 1384

کریمی، سعید، موحدی، رضا، سعدی، حشمت الله، یعقوبی فرانی، (1394)، رابطه ی شخصیت پویا و اراده ی کارآفرینان ه دانشجویان کشاورزی، فصل نامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره 34 ، پاییز 94، صص 134-117.

میرزا محمدی، محمد‌حسن؛ پورطهماسبی، سیاوش؛ تاجور، آذر (1387). «موانع و راهکارهای کارآفرینی در نظام آموزش عالی ایران». کار و جامعه. شماره 97.

لاری، امیر؛ سوری، علیرضا؛ رحیمیان، یزدان (1394). «بررسی محتوا و کتاب‌های مدل آموزش کارآفرینی از بعد میزان توجه به نگرش کارآفرینانه با تکنیک ویلیام رومی». سومین همایش بین‌المللی مهارت‌آموزی و اشتغال. سازمان آموزش فنی‌وحرفه‌ای کشور. تهران.

کیا سی، س (1389) ، کارآفرینی فرهنگی ، تهران ، آرون .

کیانپور قهفرخی، فاطمه، مروج، فائزه، علی مدد، مروج، و زندیان، خدامراد(1389) بررسی رابطه متغیر های کمال گرایی و مسئولیت پذیری با اختلال وسواس فکری-عملی در پزشکان ساکن اهواز. مجله علمی پزشکی، دوره 9، شماره 3، ص 28-35.

گرانلی شیخ ،ر؛پارسا،ع(1390).بررسي نقش معلم در پرورش ويژگي هاي شخصيتي كارآفريني فراگيران ،اولین همایش ملی آموزش در ایران(1404).1390 تهران.

لاکس ، ام؛ ولانگو ، ام. (1393). کارآفرینی رویکردی شناختی . ترجمه سید مصطفی رضوی و دیگران ، تهران : انتشارات دانشگاه تهران .

محمدی، علی(1386). بررسی نقش مسئولیت در ایجاد سازگاری نوجوانان ناسازگار پایه دوم و سوم مقطع راهنمایی پسرانه تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی، رشته رواننشاسی بالینی.

محمدي، لیلا. (1398). تبیین بررسی رابطه بین راهبردهاي انضباطی معلمان و جو کلاس درس با مسئولیت پذیري دانش آموزان پایۀ ششم ابتدایی شهرستان طارم ، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی - گرایش آموزش و پرورش ابتدایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.

مرادی ، م؛ کوهستانی ، ح؛ بهرام زاده، ح . (1378). بررسی ویژگی های بنیادین کارآفرینی در دانش آموزان دوره متوسطه خراسان شمالی و ارائه راهکار جهت تقویت این ویژگی ها، پژوهشنامه تربیتی ، 5(17) ، 128\_115.

مرزبان، ش؛موحدی، ر؛نوروزی، خ (1396).تحلیل موانع آموزش کارآفرینی در مدارس ،مجله مطالعات مدیریت و کارآفرینی :: بهار 1396 ، دوره سوم - شماره 1 ،از 83 تا 97

مقیمی ، م ؛ رمضان ، م . (1392). مدیریت استراتژیک و کارآفرینی . تهران : سازمان مدیریت صنعتی .

مقیمی ، م، وکیلی ، ی ؛ اکبری ، م . (1392). نظریه های کارآفرینی . تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مهدوی، اسماعیل، میر صلاح الدین، عنایتی، و نیسی، عبدالکاظم(1389) بررسی اثربخشی آموزش مسئولیت پذیری بر عزت نفس دانش آموزان پسر مقطع متوسطه. یافته های نو در روانشناسی. ص 117-132.

مهرابی، امید،(1396) «کارآفرینی در مدارس»، رشد معلم، دوره 36، شماره 1، ص 28-30، 1396.

نادری، نادر، امیری، صبا، دل‌انگیزان، سهراب، جعفری، حبیب، (1394)«الگوسازی مفهومی تأثیر مؤلفه‌های آموزش کارآفرینی بر نگرش هنرجویان به کسب و کار در هنرستان‌های کار دانش»، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، دوره 2، شماره 2، ص 17-34، 1394.

هاشمي، سیداحمد؛ ­عباسي، ابوالفضل؛ (1390)، تأثیر آموزش مهارت­های زندگي بر افزایش امنیت رواني4لب (کاهش کمرویي) دانش­آموزان دوره ابتدایي شهرستان لامرد.بازیابي شده در15/3/91، ازhttp://www.dr-hashemi.com/index.php?newsid=21**.**

هاشمي، لادن و لطيفيان، مرتضي. (1388). بررسي رابطه بين كمال گرايي و جهت گزيني هدف در ميان دانش آموزان پيش دانشگاهي دولتي (با گرايشهاي علوم تجربي و رياضي). مجله مطالعات روانشناختي، 3، 9-26.

**منابع انگلیسی**

Akhmetshin, Elvir M Petr Yu. Rafina R. Zakieva Albina E. Zhminko, K, Roman A. Aleshko, Alexey L. Makarov, I.M (2019) MODERN APPROACHES TO INNOVATIVE PROJECT MANAGEMENT IN ENTREPRENEURSHIP EDUCATION: A REVIEW OF METHODS AND APPLICATIONS IN EDUCATION, Journal of Entrepreneurship Education Volume 22, Special Issue, 2019.

Alexander NA, Jang ST, Kankane S. The performance cycle: The association between student achievement and state policies tying together teacher performance, student achievement, and accountability. American Journal of Education. 2017;123(3):413-46.

Ames, C. (1984). Achievement Attributions and Self-Instructions Under Competitive and Individualistic Goal Structures. Journal of Educational Psychology. 76, 478-487.

Ames, C. (1992). Classrooms: Goals, Structure and Students Motivation. Journal of Educational Psychology. 80 (3), 260-267.

Ames, C. and Archer, J. (1988). Achievement Goals in the Classroom: Students’ Learning Strategies and Motivation Processes. Journal of Educational Psychology. 80, 260-267.

Ames. C. (1992). Classroom: goals, structures and student. Journal of Educational Psychology. 84, 241-261.

Amoosoltani, S., Yazdkhasti, F., Oreyzi, H., Abbasi Jondani, J. (2021). The Effectiveness of Psychodrama with the Content of Life Skills on Loneliness, Happiness, Affective Relationship and Parents’ Social Support in Adolescent Girls Dependent on the Cellphone. Counseling Culture and Psycotherapy, 12(45), 239-268. [in perseian].

Andreas Fejes, Mattias Nylund & Jessica Wallin (2019) How do teachers interpret and transform entrepreneurship education?, Journal of Curriculum Studies, 51:4, 554-566, DOI: 10.1080/00220272.2018.1488998

Anusha, K, Vijayalakshmi, K.V.L &Vijayan, N. (2015). A study on factors that influnnce decision to pursue Entrepreneurship. International journal of social & interdisciplinary research, vol.4, No,3, pp60\_72.

Archer, J. (1994). Achievement Goals as a Measure of Motivation in University Students. Contemporary Educational Psychology. 19, 430-446.

Art Barnard, Thomas Pittz, Jeff Vanevenhoven, (2018) "Entrepreneurship education in U.S. community colleges: a review and analysis", Journal of Small Business and Enterprise Development, <https://doi.org/10.1108/JSBED-06-2018-0178>

Attenweiler, W.J. and Moore, D. (2006). Goal orientations: two, three, or more factors? Journal of Educational and Psychological Measurement, 66(2), 342–352.

Axelsson, K., Hägglund, S. and Sandberg, A. (2015). Entrepreneurial Learning in Education Preschool as a Take-Off for the Entrepreneurial Self, Journal of Education and Training, 2(2), 40- 58.

Ben\_Press, miryam.(1990). The teacher \_Curriculum encounter: freeing teachers from the tyrannyof text. Albany: Suny press.

Blimpo, M.P., Pugatch, T., (2019), Entrepreneurship education and teacher training in Rwanda, Journal of Development Economics (2019), doi: [https://doi.org/ 10.1016/j.jdeveco .2019 .05. 006](https://doi.org/%2010.1016/j.jdeveco%20.2019%20.05.%20006).

Bosman, N. and et al. (2012). global Entrepreneurship monitor 2008 executive report. London, u.k.: London business school and babson park, ma: babson college.

Boyett, i. finaly, D. (1993). the emergence of the educational entrepreneurship, long range planning. vol.26, no.3, 11422\_.

Boz, A., & Ergeneli, A. (2014). Women entrepreneurs’ personality characteristics and parents’ parenting style profile in Turkey. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 109, 92-97.

Brockner J. & Higgins ET. & M.B low. (2004). Regulatory focus theory and the entrepreneurship process, journal of business venturing, 19(2), pp.203\_220.

Burger, L., O'Neill, C. and Mahadea, D. (2005). The Impact of Previous Knowledge and Experience on the Entrepreneurial Attitudes of Grade 12 learners, South African journal of Education, 25(2), 89- 94.

By grave. W.D. (1989). The entrepreneurship paradigm: a philosophical look at its research methodologies, entrepreneurship theory and practice, fall, pp 7\_26.

Campo-Ternera, L., Amar-Sepúlveda, P., & Olivero-Vega, E. (2022). Interaction of potential and effective entrepreneurial capabilities in adolescents: modeling youth entrepreneurship structure using structural equation modeling. Journal of Innovation and Entrepreneurship, 11(1), 1-17.

Carayannis, E.G., Evans, D., & Hanson, M. (2003). Across\_Cultural learning strategy for Entrepreneurship education: outline of key concepts and lessons learned form a comparative study of Entrepreneurship students in france and the usa. Tech novation,23(9),757\_771.

Carrier, Camille. (2007). Strategies for teaching entrepreneurship: what else beyond lectures, case studies and business plan? In a lain Fayolle(Ed), Handbook of research in entrepreneurship education, volume 1: A General perspective (pp.143\_159), Cheltenham, UK: Edward Elgar.

Certo SC.) 2004)Principles of Modern Management Functions and Systems. 2nd ed. Massachusetts: Allyn and Bacon INC 2004; p. 119-30.

Chea, A.C. (2008) Entrepreneurial venture creation: the application of pattern identification theory to the Entrepreneurial opportunity\_identification process. International journal of business and management, vol.3 no2. Pp37\_53.

Chigunta, F. (2002). Youth Entrepreneurship: Meeting the Key Policy Challenges. Youth Employment Summit. 1-34.

Claxton, G., Edwards, L., & Scale constantinou , V.(2006) cultivating creative mentalities: a framework for education. Thinking skill and creativity, 1(1), 57\_61.

Colin Jones, (2018) "A signature pedagogy for entrepreneurship education", Journal of Small Business and Enterprise Development, <https://doi.org/10.1108/JSBED-03-2018-0080>

Cznchry, a., yasin, m. and Gonzales, m. (2004), effective entrepreneurial education. A framework for innovation and implementation, journal of entrepreneurship education 7(I),39\_56.

Decker, W.it, Calo, T.ja.d weer, ch,h.(2012).affilation motivation and interst in Entrepreneurial careers. Journal of managerial psychology, vol.27, no.3.pp 32\_320.

Dees. J.G. (2001). The meaning of social entrepreneurship. Durham , nc. Duce university.

Dees. J.G. (2007). Taking social entrepreneurship seriously. Society, 44(3), pp. 24-31.

Denanyoh, R: Adjei, k & nyemekye, G.E. (2015). Factors that impact on Entrepreneurial intention of tertiary student in ghana. International journal of business and social research, vol.5, no.3, pp19\_29.

Dimovski, v. & zhidarsic, j. (2011) entrepreneurship: An educational perspective (the case of slovenia – compared to developed economies).

Doll, Michele Taney (2009). A case study: one successful elementary school that reduced the achievement gap.

Doll, Michele Taney (2009). A case study: one successful elementary school that reduced the achievement gap.A dissertation presented to the faculty of the raiser school of education university of southern California in partial fulfillment of the requirements for the degree doctor of education.

Ebert, Edward s. culyer, Richard C.(2012). School: An introduction to education. Engage learning.

Elkington, J. (1998). Cannibals with Forks: The Triple Bottom Line of 21st Century Business, Gabriola Island: New Society Publishers.

Elliot, A. J., Harackiewicz, M. J. and Barron, E. (1997). Predictors and Consequences of Achievement Goals in the College Classroom: Maintaining Interest and Making the Grade. Journal of Personality and Social Psychology. 73 (6), 1284-1295.

Elliot, A.J & McGregor, A. (2001). A 2×2 achievement goal framework. Journal of Personality and Social Psychology, 80 (3), 510–519.

Elliot, A.J, McGregor, A. & Gable, s. (1999). Achievement goals, study strategies, and exam performance: A meditational analysis. Journal of Educational of Psychology, 91 (3), 549-563.

Elliot, A.J, Sheldon, K.M. (1997). Avoidance achievement motivation: a personal goals analysis. Journal of Personality and Social Psychology, 73 (1),171–185.

Elliot, A.J., Shell, M.M., Henry, K.B. & Maier, M.A. (2005). Achievement goals, performance contingencies, and performance attainment: an experimental test. Journal of Educational Psychology, 97 (4), 630–640.

Elliot, E. and Dweck, C. (1988). Goal: An Approach to Motivation and Achievement. Journal of Personality and Social Psychology. 54 (1), 5-12.

Entrepreneurship quality of college students related to entrepreneurial education. Energy procedia. Vol.17, pp.19071913.

Entrialgo, M., Fernandez, E. and Vazquez, c. (2008). Characteristics of managers as determinations of Entrepreneurial orientation: some Spanish evidence enterprise and innovation: management studies, vol.1 no.2, pp.187\_205.

Eschenauer Donna m. Horell.Harold Daly. (2011). Reflections on renewal. usa: liturgical press.

European Commission/EACEA/Eurydice, (2016). Entrepreneurship education at school in Europe. Eurydice report. Luxembourg: Publications office of the European Union.

Eyal, Ori (2008) when parents choose to startup a school: a social – capital perspective on educational entrepreneurship. Journal of educational administration. Vol .46. No. 1, pp.99118.

Eyuboglu, Dilek (2004). Girisimciligin gelistirilmesi. C2. Basiml. Ankara: Milli Productivite Merkezi Yayinlari, no 6:6.

Faylle, a., & Gailly , b .(2008). Form craft to science: teaching models and learning process in Entrepreneurship education. Journal of European industrial training, 32(7) 569\_593.

Fazalizadeh, S., and Masoumi Fard, M.(2020). How to Realize Life Skills in Elementary Education Curricula, Second National Conference on New Findings of Teaching-Learning in Elementary School, Bandar Abbas. [in perseian].

Fiet, J.O. (2001). The pedagogical side Entrepreneurship theory. Journal of business venturing, 16(2), 101\_117.

Friedman, M. (1970). “The Social Responsibility of Business is to Increase It’s

Frost, R, Marten, P, Lahart. C, & Rosenblatt,R(1990) the dimention of perfectionism. Cognitive therapy and research, 14, 449-468.

Frost,R. & handerson, K(1991) perfectionism and reaction to athletic competition. Journal of Sport and exercise Psychology, 13, 323-335.

G. OGUNDIPE, O. ., & OYEWOLE, O. . (2022). Entrepreneurial Self-efficacy and Social Skills as Determinants of Social Studies Preservice Teachers’ Attitude to Entrepreneurship Education in Southwestern Nigeria. Journal in Humanities, 11(1). Retrieved from https://jh.ibsu.edu.ge/jms/index.php/SJH/article/view/486

Garaven, T.N., & O' cinneide, B.(1994b) entrepreneurship education and training programs: A review and Evaluation \_part 2.Journal of European industrial training , 18(11), 13\_21.

Gavaran, T.N.,& Ocinnad, B.(1994) Entrepreneurship education and training programs : a review and evaluation\_pat 1.Journal of European industrial training, 18(8),3\_12.

Gibb, A. A. (1987). Enterprise cult rest meaning and implications for education and training. Journal of European industrial training, 11(2),2\_38.

Hahn, david & Tommaso Minola & Giulio Bosio & Lucio Cassia(2019).The impact of entrepreneurship education on university students’ entrepreneurial skills: a family embeddedness perspective Springer Science+Business Media, LLC, part of Springer Nature 2019 Small Bus Econ ,https://doi.org/10.1007/s11187-019-00143-y

Hamachec, D.E(1978) psychodynamics of normal and neurotic perfectionism. Psycho logy, 15,27-33.

Hass Eric, and Fischman Gustavo (2010) nostalgia, entrepreneurship, and redemption: understanding prototypes in higher education. Amercian educational research journal. vol.47. no3. pp.532562.

Havinal, v. (2009). Simulating the religions quest. in craig detweiler (ed). Halos and avatars: playing video games with god(pp.34\_460, Kentucky: Westminster john Knox press.

Hayse, mark. (2010) simulating the religious quest. In craig detweiler(Ed). Halos and Avatars: playing video games with god ccp.34\_46. Kentucky: Westminster john Knox press.

Heinonen, J. F Poikkijoki, S.A. (2006).AN entrepreneurial \_ directeal approach to entrepreneurship education: mission impossible? Journal of management development, 25(1), 80-94.

Hematfar, M., & Aslani, M., Lofalian, F. (2011). The role of Accounting and auditing environment in achieving sustainable development in corporate social responsibility, second planning and managing environment conference, Tehran.

Hess Frederick .M, and kappan , phidelta(2007) . the case for educational entrepreneurship: Hard truth about risk, reform, and reinvention. Bloomington. vol. 89, 9.21.

Hess, F.M, (2008). the future of educational entrepreneurship, Possibilities for school reform, Cambridge education press.

Hess, F.M. (2006). educational entrepreneurship, realities, challenges, possibilities, Cambridge: Harvard education press.

Hess, F.M., & Hassel, B.c (2007). Fueling educational entrepreneurship: addressing the human capital challenge. PEPG/70\_06. Program on education policy and governance, Harvard university.

Hewitt, P.L &Flett, G.L(1991) the multi dimension perfectionism scale: reliability, validity and psychometric properties in psychiatric samples. Psychological assessment: a journal of consulting and clinical psychology. Vol 3. No 3. 464-468.

Hindle,K.(2007). Teaching Entrepreneurship at university: from the wrong building to the right philosophy. Handbook of research in Entrepreneurship education, 1,104\_126.

Hisrich R.D & Peters, P. (2003), Entrepreneurship education and training. London: Ashgate.

Holender, M.H(1965) perfectionism. Comprehensive psychiatriy, 6, 96-103.

Holinca, M, Holienkova, j,Gal. p.(2015). Entrepreneurial characteristics of students in different fields of study. Acta universitatis agriculturae et silviclturae mendeliance brunensis, vol.63, pp 1889\_1879.

Hunt, Thomas C. laseley , Thomas J.(2010). Enclopedia of educational reform and dissent volume 1, London: SAGE.

Hutt EL, Gottlieb J, Cohen JJ. Diffusion in a vacuum: edTPA, legitimacy, and the rhetoric of teacher professionalization. Teaching and Teacher Education. 2018;69:52-61.

Hynes, B., & Richardson, I. (2007). Entrepreneurship education: a mechanism for engaging and exchanging with the small business sector. Education training, 49(8/9), 732\_744.

Hytti, Ulla. (2002) . state\_of\_art of enterprise education in Europe, result from the enredu project. Small business institute, turku school of economics and business administration, Finland.

Jimenez, A., palmero – camera, c., Gonzalez \_ santos, M.J., Gonzalez\_ bernal, J., & Jimenez – equizabal , J.A. (2015). The impact of educational levels on formal and informal entrepreneurship. BRQ business research quarterly, 18(3), 204\_212. <http://dx.doi.org/10.1016/j.brq.2015.02.002>.

Jones, C., & Matlay, H. (2011). Understanding the heterogeneity of entrepreneurship education: going beyond Gartner. Education and Training, 53(8/9), 692-703.

Keddie A. Student voice and teacher accountability: Possibilities and problematics. Pedagogy, Culture &Society. 2015;23(2):225-44.

Khanifar, H., Karimzadeh, k., Yazdani, H., Rahmati, M. (2021). Qualitative design of elementary school life skills curriculum based on expert opinions, Scientific Journal of Training & Learning Researches, Vol.16, No.2, Serial 30, Autumn & Winter 2019-2020, pp.: 57-72. [in perseian].

King horn, and Brent, H (2008). characteristics that leads to entrepreneurial recognition. A capital theory perspective. A Dissertation submitted to the graduate school in partial fulfillment of the requirements for the degree doctor of philosophy, business administration.

Kirby, David. (2007). Changing the entrepreneurship education paradigm. In Alain fayolle(Ed), Handbook of research in entrepreneurship education, volume 1: A general perspective (pp.21\_45).chelten ham , uk: Edward Elgar.

Klandt, H., & Volkmann, C. (2006). Development and prospects of academic entrepreneurship education in Germany. Higher Education in Europe, 31(2), 195-208.

Klein, M. Frances. (1991). the politics of curriculum decision\_making: issue in centralizing the curriculum. Albany: Suny press.

Koech cheruiyot, E & Bwisa, H. (2015). Factors influencing entrepreneurial training effectiveness a survey of microfinance institutions in eldoret town. research journal of entrepreneurship, vol.3, no.3, pp2\_20.

Kumar, K.V. (2009). “Health Promotion Using Life Skills Education,  
Approach for Adolescents in Schools- Development of a Model”. J. Ind. Assoc Child & Adolescent Mental Health, 4 (1): 5-11.

Lee, L., Wong, P. K., Der Foo, M., & Leung, A. (2011). Entrepreneurial intentions: The influence of organizational and individual factors. Journal of business venturing, 26(1), 124-136.

Lengh Robert. G (2003). A Coparative study of the entrepreneurial characteristic sand orientation of k-& public, charter, and for \_ do fits schools. A Dissertation presented in partial fulfillment of the requirements for the doctor of education degree.

Levin, H.M. (2006). Why is educational entrepreneurship so difficult? Educational entrepreneurship, 165 \_ 182.

Lewis, D. (1987). Mind skills: giving your child a brighter futures London: souvenir press.

Lindsay, W., Lindsay, N. and Jordaan, A. (2007). Investigating the Values: Entrepreneurial Attitude: Opportunity Recognition Relationship in Nascent Entrepreneurs.

Mantegh, A., and Gholtash, A. (2020). The effect of life skills training on the expression and self-esteem of female first year high school students in District 1 of Shiraz, 8th Scientific Conference on Educational Sciences and Psychology, Social and Cultural Harms of Iran, Tehran. [in perseian].

Mcclelland, D. (1961) the Achieving Society, Princeton: NJ, Van No strand.

Morris m., schindehutte m. Raymond w. (2002) entrepreneurship marketing: a construct for integrating emerging entrepreneurship and marketing perspectives, journal of marketing theory and practice, 10(4), pp.1\_9.

Mueller, s.l. & A.thomas (2001), culture and entrepreneurial potential: a nine country study of locus of control and innovativeness. Journal of business venturing, vol.16, issue. 1.pp 51\_57.

Nair, P.R.,(2019) "Entrepreneurship attitude among college students with special reference to Pathanamthitta District, Kerala", IOSR Journal of Business and Management, 21(4), Ser. IV, 4-9, 2019.

Neumeister, k. l. s & Finch, h ( 2006) perfectionism in high-ability students: relational precursors and influences on achievement motivation, the gifted child quarterl, 50, 3, 238-252.

Neumeister, k. s,(2004) Underestanding the relationship between perfectionism and achievement motivation in gifted college students, the gifted child quarterly, 48, 3, 219-231.

Nicholls, J. G. (1984). Achievement Motivation: A Conception of Ability, Subjective Experience, task Choice, and Performance. Psychological Review. 91, 328-346.

Nieuwenhuizen, c., & Groenwald,D(2004 July). Entrepreneurship training and education needs a determined by the brain performance profiles of successful, established entrepreneurs. In internationalizing entrepreneurship educational training confidence. (in tent 2004). Naples, july.

ohnson, D., Craig, J. B., & Hildebrand, R. (2006). Entrepreneurship education: towards a discipline-based framework. Journal of Management development, 25(1), 40-54.

Oja, lucas. B, and olaniyan, David.A (2008). Leadership rules of school. Administrators and challenges ahead in post – primary institutions in Nigeria. European journal of scientific research. vol. 24, No.2,p172178\_ http://www.eurojournals.com / ejsf.htm.

Paloş, R., & Drobot, L. (2010). The impact of family influence on the career choice of adolescents. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 2(2), 3407-3411.

Pfeiffer, S., Oberman-Peterka, S. and Jeger, M. (2008). “Assessing entrepreneurship education programs in Croatia higher education area”, Erenet Profile, 3(3), 25-35.

Pfeiffer, S., Oberman-Peterka, S. and Jeger, M. (2008). Assessing Entrepreneurship Education Programs in Croatia Higher Education Area. Erenet Profile, 3 (3), 25- 35.

Pihie, Z. A. L. and Bagheri, A. (2010). Entrepreneurial Attitude and Entrepreneurial Efficacy of Technical Secondary School Students. Journal of Vocational Education and Training, 62(3), 351- 366.

Pintrich, P.R & Schunk., D, H. (2002). Motivation in education: theory, research, & applications. New Jersey: Johnston

Pitman, R.K. (2004). “Regional Cerebral Blood Flow in Amygdale and Medial  
Prefrontal Cortex during Traumatic Imagery in Male and Female Vietnam  
Veterans with PTSD”. Archives of General Psychiatry, 61: 168-176.

Profits”, New York Times Magazine, Vol. 32, No. 33, pp. 122-126.

Quinn, molly. (2010) Null Curriculum in craig kridel (Ed). Encyclopedia of Curriculum studies, volume 1(pp.613\_614), London: SAGE.

Rabbior, G. (1990). Elements of a successful entrepreneurship /economic/ education program. In Entrepreneurship Education: Current developments, future directions, ed. CA. Kent. New York: Quorum books.

Rea.D.(2004). Entrepreneurial LEARNING: A Practical model from the creative industries. Education, training, 46(819), 492\_500.

Robinson, P. B., Stimpson, D., Huefner, J. C., & Hunt, H. (1991). An attitude approach to the prediction of entrepreneurship. Entrepreneurship theory and practice, 15(4), 13-32.

Robinson, p.b., huefner, j.c and hunt, hk. (2005). An Attitude approach to the prediction of entrepreneurship theory and practice, vol .15, no.4, pp.13\_32.

Rumelt, R.P. (2005). hand book of entrepreneurship research, in international handbook series on entrepreneurship (vol . 2, pp.11-32). spring.

Sarason, S.B (1998) charter school: another flawed educational reform: New York: teacher's college press.

Scanlan, m. (2011). organized learning in school pursuing social justice fostering educational entrepreneurship and boundary spanning scholar – practitioner quarterly. vol.5, no.4, 328346\_.

Sexton, D.L., & Bowman, N.B. (1984) Entrepreneurship education: suggestions for increasing effectives. journal of small business management(pre\_1986), 22(000002),18.

Seyedeh Khatereh Daneshjoovash, Mirza Hassan Hosseini, (2018) "Evaluating impact of entrepreneurship education programs", Education + Training, https://doi.org/10.1108/ET-08-2017-0128

Shane, s& s. venkatavaman. (2000). The promise of entrepreneurship as a field of research, academy of management review, 25.

Shariff, M. N. M. and Saud, M. B. (2009). An Attitude Approach to the Prediction of Entrepreneurship on Students at Institution of Higher Learning in Malaysia. International Journal of Business and Management, 4(4), 129.

Singer, S., Amoros, J.E. and Arreola, D.M. (2014). Global Entrepreneurship Monitor, Global report. Babson college, Wellesley, MA, Universidad del Desarrollo, Santiago, University Tun Abdul Razak, Kuala Lumpur, Tecnologico de Monterrey, Monterrey, London Business School, London.

Smith, k.& Peterson, J.L. (2006). What is educational entrepreneurship, in Hess, F.M.(editor) educational entrepreneurship Cambridge: Harvard education press.

Smith, k., Peterson, J.L., & Fund, N.V (2006). What is educational entrepreneurship? Educational entrepreneurship: realities, challenges, possibilities, 9.

Sondari, M. (2013). Is entrepreneurship education really needed. examine the antecedent of entrepreneurial career intention? The 5th Indonesia international conference on innovation entrepreneurship and small business.

Stein RE, Colyer CJ, Manning J. Student accountability in team-based learning classes. Teaching Sociology. 2016;44(1):28-38.

Stewart, w.h., Watson, w.e., carland, j.c and carland, j.w.(2010). A Proclivity for entrepreneurship A comparison of entrepreneurs. Small business owers, and corporate managers. journal of business venturing, vol.14, pp.189\_214.

Stober,J & Otto, K(2006) positive conceptions of perfectionism: approaches, evidence, challenges. Personality and social psychology review, 10. 295-319.

Sturgis, c., Patrick, s., & pittenger, l.(2011) . it is hot a matter of time: highlights from the 2011 competency\_ based summit. International association for k\_k online learning.

Tung liang, c, lin chia, t & liang, C. (2015), effect of personality difference in shaping entrepreneurial intention. International journal of business and social science, vol.6, no.4(1), pp176\_166.

Turker, D. (2009). How corporate social responsibility influences organizational commitment. Journal of Business Ethics, 89(2), 189-204.

Tuttle, J. (2006). Adolescent life skills training for high risk teens: results of group intervention study. Journal of Pediatric Health Care, 20, 184-191.

Unicef. (2003). Wich skills are life skills? Available at: www. Life skill-based education.

Unicef. (2005). Life skills.www.unisef.orgAgate.

Urdan, T. & Maehr, M. (1995). Beyond a two-goal theory of motivation and achievement: A case for social goals. Review of Educational Research, 65, 213-243.

Victoria.; Karina,W.; Rainer,K.S.(2009).The life skills program IPSY:  
Positive influences on school binding and prevention of substance misuse. Journal of Adolescence, 32(6), 1391-1401.

Vitagliano, Ruthanne, borasi, raffaella, Jefferson, Frederick, che , jing , and miller david (2008). Aera- division a: administration, organization, and leadership entrepreneurial principal and an education entrepreneur. Warner school of education – university of Rochester.

Vollmers, s.m., Ratliff, j,m, and Hoge , b.(2001). A framework for developing entrepreneurship Curriculum through stakeholder involvement, more head state university, morchead, icy.

Walter, S. G., & Dohse, D. (2012). Knowledge context and entrepreneurial intentions among students. Small Business Economics, 39(4), 877-895.

Wang, B. y.& Lu, c.it. (2000). Innovation and mathematical education of the primary and middle school. Journal of mathematics education, 4,34\_37.

Wasilczuk, J., & Karyy, O. (2022). Youth attitude to entrepreneurship in Eastern and Central European countries: Gender aspect. Problems and Perspectives in Management, 20, 83-94. https://doi.org/10.21511/ppm.20(3).2022.07

Yankah, E. (2008). “Effects and Effectiveness of Life Skills Education for HIV Prevention in Young People”. AIDS Education and Prevention, 20 (6): 465–485.

Yung, C.W. (2008). The relation among leadership style. Entrepreneurship orientation and business performance, 6(3), 260\_ 285. http:// pdfs.semanticsscholar.org

Zangeneh H.(2020) Teachers' Attitudes toward Teaching-Learning Methods of Entrepreneurship Education in Elementary Education. Educ Strategy Med Sci 2020; 12 (6) :1-7  
URL: <http://edcbmj.ir/article-1-1746-fa.html>

Zaring, Olof, Ethan Gifford & Maureen McKelvey (2019): Strategic choices in the design of entrepreneurship education: an explorative study of Swedish higher education institutions, Studies in Higher Education, DOI: 10.1080/03075079.2019.163784

پیوست ها

پرسشنامه

با سلام

پرسشنامه ای که پیش روی شماست برای پژوهش کارشناسی ارشد رشته آموزش و پرورش ابتدایی با عنوان " **تاثیر آموزش مهارتهای زندگی بر مسئولیت پذیری اجتماعی و نگرش به کارآفرینی دانش آموزان پسر متوسطه دوم ناحیه 2 شهرستان کرج**" می باشد که از شما درخواست می شود با سعه صدر و اطمینان از اینکه اطلاعات شما کاملا محرمانه و فقط برای پیشبرد اهداف پژوهش استفاده می شود به سئوالات زیر پاسخ دهید از همکاری شما صمیمانه سپاسگزارم

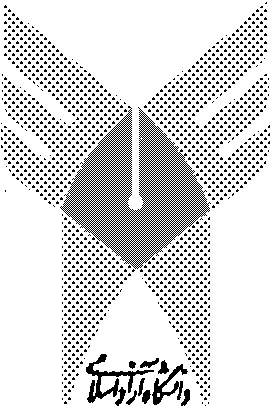
|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| لوئیس | سوالات  لطفاً هر یک از عبارات زیر را خوانده و میزان موافقت خود را با یکی از گزینه های روبرو انتخاب کنید: | هرگز | به ندرت | بعضی وقت ها | بیشتر وقت ها | همیشه |
| 1 | همکلاسی ها را تشویق می کنم به اموال دیگران دست نزنند مگر اینکه اجازه داشته باشند. | 1 | 2 | 3 | 4 | 5 |
| 2 | با معلم خود با احترام صحبت می کنم. | 1 | 2 | 3 | 4 | 5 |
| 3 | به دیگران کمک می کنم تا کارهایشان را بهتر انجام دهند. | 1 | 2 | 3 | 4 | 5 |
| 4 | همکلاسی هایم را تشویق می کنم که به نظرات دانش آموزان دیگر گوش دهند. | 1 | 2 | 3 | 4 | 5 |
| 5 | سعی می کنم کارها را به خوبی انجام دهم. | 1 | 2 | 3 | 4 | 5 |
| 6 | دانش آموزان دیگر را تشویق می کنم در کلاس نظرات خود را بیان کنند | 1 | 2 | 3 | 4 | 5 |
| 7 | به اموال دیگران احترام می گذارم | 1 | 2 | 3 | 4 | 5 |
| 8 | به دیگران کمک می کنم تا هنگام درگیري با دیگر همکلاسی ها خونسردي خود را حفظ کنند. | 1 | 2 | 3 | 4 | 5 |
| 9 | سعی می کنم مراقب باشم که دانش آموزان در کلاس با همکلاسی هاي خود محترمانه رفتارکنند | 1 | 2 | 3 | 4 | 5 |
| 10 | سعی می کنم نگذارم که دانش آموزان یکدیگر را در کلاس مسخره کنند | 1 | 2 | 3 | 4 | 5 |
| 11 | به دانش آموزان دیگر احترام می گذارم. | 1 | 2 | 3 | 4 | 5 |
| 12 | سعی می کنم زمانی که دیگران باید کاري را در کلاس انجام دهند، به آنها کمک کنم. | 1 | 2 | 3 | 4 | 5 |
| 13 | به افرادي که مشکل دارند کمک می کنم. | 1 | 2 | 3 | 4 | 5 |
| 14 | مراقب هستم که همکلاسی ها به دانش آموزانی که مشکل دارند کمک کنند. | 1 | 2 | 3 | 4 | 5 |
| 15 | از اینکه دانش آموزان در کلاس به یکدیگر ناسزا بگویند، جلوگیري می کنم. | 1 | 2 | 3 | 4 | 5 |
| 16 | وقتی قرار است کاري در کلاس انجام شود، من کمک می کنم. | 1 | 2 | 3 | 4 | 5 |
| 17 | هنگام مخالفت با معلم، آرامش خودم را حفظ می کنم. | 1 | 2 | 3 | 4 | 5 |

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| ردیف | هریک از عبارات زیر را خوانده و نظر خود را در خصوص آن بر اساس گزینه های ارائه شده مشخص نمائید | **کاملا مخالفم** | **مخالفم** | **نظری ندارم** | **موافقم** | **کاملا موافقم** |
| 1 | کارآفرینی برای من به عنوان یک حرفه جذابیت دارد. |  |  |  |  |  |
| 2 | برای من مزایای کارآفرین شدن بیشتر از معایب آن است |  |  |  |  |  |
| 3 | کارآفرین شدن مرا اغنا خواهد کرد و رضایت خاطر زیادی به من می دهد. |  |  |  |  |  |
| 4 | در بین گزینه های مختلف، کارآفرین شدن را به دیگر نوع مشاغل ترجیح می دهم. |  |  |  |  |  |
| 5 | اگر فرصت و منابع لازم را داشته باشم، دوست دارم کسب و کار جدیدی راه اندازی کنم. |  |  |  |  |  |

Abstract

The purpose of this research was to investigate the effect of life skills training on social responsibility and attitude to entrepreneurship of secondary school boys in district 2 of Karaj city. The statistical population of the research was 3531 male students of the second secondary school in district 2 of Karaj city. The statistical sample includes 30 male students who were divided into two groups of 15 experimental and control by a simple random method. The research tool includes the life skills training package set by Seyed Abadi based on the life skills training guide of Zandegs Klinke (1994). and the two questionnaires are the standard social responsibility questionnaire of Lewis (2001) and Karimi's entrepreneurship attitude questionnaire (2014), the validity and reliability of which have been retested and the CVR coefficient has been reported as favorable and the Cronbach's alpha coefficient for the two questionnaires is 88.88 respectively. 0 and 0.88 have been reported after teaching life skills to the experimental group and collecting data using spss24 software, after checking the assumptions, using covariance analysis test, the results showed that teaching life skills 83% has had a positive impact on social responsibility and entrepreneurship attitude of students. The amount of ETA coefficient in the effect of life skills training on responsibility from the self's perspective is 34%, responsibility from the perspective of others is 70%, and the attitude towards entrepreneurship is 55%. Therefore, it is suggested that according to the impact of life skills training on social responsibility and entrepreneurship attitude of students, it is recommended to put these topics in the headings of courses and teach these skills practically in educational workshops. Turn theory into practice.

Key words: life skills training, social responsibility, life skills, attitude to entrepreneurship

****

**Islamic Azad University**

**Karaj branch**

**Field of study: educational sciences**

**Orientation: Primary education**

**Title:**

The effect of life skills training on social responsibility and attitude to entrepreneurship of secondary school boys in district 2 of Karaj city

**Supervisor:**

**Dr. Mahtab Salimi**

**By:**

**Mahbobe Afshar**

**Autumn 2023**

1. : Life skills training program [↑](#footnote-ref-1)
2. . Kozalinska [↑](#footnote-ref-2)
3. . Europe Commission [↑](#footnote-ref-3)
4. . Pfeiffer et al [↑](#footnote-ref-4)
5. . Chigunta [↑](#footnote-ref-5)
6. Social Responsibility [↑](#footnote-ref-6)
7. Diseth [↑](#footnote-ref-7)
8. Kaplan & Flum [↑](#footnote-ref-8)
9. . Hutt et all [↑](#footnote-ref-9)
10. . Stein et all [↑](#footnote-ref-10)
11. . Alexander et all [↑](#footnote-ref-11)
12. . Keddie [↑](#footnote-ref-12)
13. . Pacesila [↑](#footnote-ref-13)
14. . corporate social responsibility [↑](#footnote-ref-14)
15. . Dahal and Sinha [↑](#footnote-ref-15)
16. . individual social responsibility [↑](#footnote-ref-16)
17. . Droms and Stephen [↑](#footnote-ref-17)
18. . positive psychology [↑](#footnote-ref-18)
19. . prosocial [↑](#footnote-ref-19)
20. . Wray-Lak and Syvertsen [↑](#footnote-ref-20)
21. . Economical Dimension [↑](#footnote-ref-21)
22. . Turker [↑](#footnote-ref-22)
23. . Social Dimension [↑](#footnote-ref-23)
24. . Environmental Dimension [↑](#footnote-ref-24)
25. . Elkington [↑](#footnote-ref-25)
26. : John Baptist [↑](#footnote-ref-26)
27. :cee [↑](#footnote-ref-27)
28. : Dees [↑](#footnote-ref-28)
29. : Irmis [↑](#footnote-ref-29)
30. : Eyuboglu [↑](#footnote-ref-30)
31. :Mc clelland [↑](#footnote-ref-31)
32. : Harbi & Anderson [↑](#footnote-ref-32)
33. : Gardner [↑](#footnote-ref-33)
34. : Shane and Venkataraman [↑](#footnote-ref-34)
35. : Peredo and McLean [↑](#footnote-ref-35)
36. : Kuratko and Hadjedse [↑](#footnote-ref-36)
37. : Havinal [↑](#footnote-ref-37)
38. : Rumelt [↑](#footnote-ref-38)
39. :.Brockner & Higgins & Low [↑](#footnote-ref-39)
40. : Bygrave [↑](#footnote-ref-40)
41. : Morris & Kurafko & Schindehutte [↑](#footnote-ref-41)
42. : A. S. S. B [↑](#footnote-ref-42)
43. : Ruvio, Rosenblatt, and Hertz-Lazarowitz, [↑](#footnote-ref-43)
44. : Klapper [↑](#footnote-ref-44)
45. : Nystrom [↑](#footnote-ref-45)
46. : Jimenez et al [↑](#footnote-ref-46)
47. . Global Entrepreneurship Monitor [↑](#footnote-ref-47)
48. . Rabbior [↑](#footnote-ref-48)
49. . Lee et al [↑](#footnote-ref-49)
50. . Campo-Ternera et al [↑](#footnote-ref-50)
51. . Rengiah [↑](#footnote-ref-51)
52. . Johnson et al [↑](#footnote-ref-52)
53. . entrepreneurship [↑](#footnote-ref-53)
54. . Carr & Sequeira [↑](#footnote-ref-54)
55. . Barba-Sánchez & Atienza-Sahuquillo [↑](#footnote-ref-55)
56. . Bruton et al [↑](#footnote-ref-56)
57. . Obschonka [↑](#footnote-ref-57)
58. . Robinson et al [↑](#footnote-ref-58)
59. . Boz & Ergeneli [↑](#footnote-ref-59)
60. . Palos & Drobot [↑](#footnote-ref-60)
61. . Burger et al [↑](#footnote-ref-61)
62. . Sharif and Saud [↑](#footnote-ref-62)
63. . Lindsay et al [↑](#footnote-ref-63)
64. . Robinson et al [↑](#footnote-ref-64)
65. . Burger and Mahadea [↑](#footnote-ref-65)
66. . Pihie and Bagher [↑](#footnote-ref-66)
67. . Lindsay et al [↑](#footnote-ref-67)
68. . Axelsson et al [↑](#footnote-ref-68)
69. . Pitman [↑](#footnote-ref-69)
70. . Yankah [↑](#footnote-ref-70)
71. . Kumar [↑](#footnote-ref-71)
72. . Gilbert Botvin [↑](#footnote-ref-72)
73. . Perry& Kelder [↑](#footnote-ref-73)
74. :wasilczuk [↑](#footnote-ref-74)
75. . Ella Guangxin Xu et al [↑](#footnote-ref-75)
76. . Paul W. Grimes et al [↑](#footnote-ref-76)
77. . Dolores Gallardo-Vázquez et al [↑](#footnote-ref-77)
78. . Global Entrepreneurship Monitor [↑](#footnote-ref-78)
79. Achievement [↑](#footnote-ref-79)
80. Mac Clelland [↑](#footnote-ref-80)
81. casson [↑](#footnote-ref-81)
82. . Hutt et all [↑](#footnote-ref-82)